

اختلاف افکنان توبه کنند

سالروز شهادت

حضرت امام حسن عسکری(ع) را تسلیت میگوییم

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۰۲ | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۴ | ۸ ربیع الاول ۱۴۴۷ | اول سپتامبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

نگاهی به ضرورت کوچک سازی دولت
غول بروکراسی

پرونده

رضا صارمی



دیدگاه

علی حیدری



سرمقاله

دور برگردان دولت خودگردان!

قاتلان اتحاد مقدس

یعقوب ربیعی

کارشناس سیاسی



«اتحاد مقدس» عبارتی است که هفته گذشته، پس از سخنرانی رهبر معظم انقلاب بر زبان‌ها جاری شد. حکما و فلاسفه همیشه گفته‌اند که «تعرف الاشياء بأضدادها»، این همان یادگفتنمان یا غیریت در ادبیات سیاسی معاصر است. اگر می‌خواهیم بدانیم که چرا اتحاد در وضعیت فعلی لازم است و چرا این اتحاد آن چنان ضرورت می‌یابد که یک فقیه حکیم آن را مقدس می‌پندارد، باید به شرایط محیطی رجوع کنیم و بدانیم که آفات تفرقه و واگرایی چیست.

اتحاد از آنجا وجه مقدس می‌یابد که بدانیم در وضعیت فعلی پرونده‌های درهم‌تنبیده‌ای در غرب آسیا وجود دارد که هر کدام‌شان یک کلاف سردرگم و تو در توست. امروزه، حرکت آمریکایی‌ها را چه بر مبنای خاورمیانه برنارد لوئیس، مرزهای خونین رالف پیتز یا طرح منطقه‌ای جیم هنسن بدانیم، ذات آنها دو حرف دارد: دولت‌های مرکزی را ضعیف و کلنگی کنیم و مردم را به جان همدیگر بیندازیم. این طرح‌ها امروز در لبنان ساری و جاری است، یعنی دولتی که باید ضعیف شود و مردمی که به جان هم می‌افتند، در سوریه هم همین است، در عراق هم همین است و به قول علما قس علی‌هذا. این طرح در جامعه ما نیز در جنگ ۱۲ روزه آزمایش شد، یعنی تلاش برای کلنگی کردن دولت و حاکمیت و در انداختن مردم به جان همدیگر. اما واقعیت این است که این بازی در ایران جواب نداد.

حالا به تیتربادداشت برگردیم. اگر اتحادی شایسته و بایسته است، دشمن و قاتلان این اتحاد مقدس

چه کسانی هستند و قتلگاه آن کجاست؟ این روزها دشمن صهیونیست برای تکرار اشتباه ۱۲ روزه خود به پنج مؤلفه و منفذ نگاه دارد؛ توان آفندی، تقویت پدافندی، سیاست خارجی و دیپلماسی آمریکایی، شرایط داخلی سرزمین‌های اشغالی و اتحاد داخلی و انسجام ملی جامعه ایرانی. به زبان ساده بند پنجم این است که اگر وحدت توانست ما را در جنگ ۱۲ روزه در مقابل صهیونیسم، آمریکایی‌ها و ناتو موفق کند، نبودنش می‌تواند پاشنه آشیل ما و دندان طمع برای دشمن صهیونیست باشد.

با آنچه گفتیم و نوشتیم اولین دشمن این اتحاد مقدس همان غیریت و یادگفتنمان همیشگی است؛ یعنی صهیونیست‌ها. قطعاً صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها از هر منفذی که باز شود و بر طبل تفرقه و برهم زدن اتحاد ملت بکوبند، استقبال می‌کنند و آن را مقدمه‌ای برای نیت شوم خود می‌دانند. باور کنیم آنجا که تفرقه آغاز می‌شود، کوچه‌ای به سوی شیطنت دشمن گشوده می‌شود و آنجا که ملت دست در دست همدیگر برای اتحاد می‌گذارند، دشمن غم‌آلود و خشمگین می‌شود.

اما این آسیاب به خودی خود نمی‌چرخد و دن کیشوت‌هایی از درون باید به این آسیاب آب بریزند و مردم را به جان هم بیندازند. دن کیشوت و برهم‌زننده وحدت می‌تواند چپ باشد یا راست، مکلا باشد یا غیر مکلا، مسئول باشد یا غیر مسئول و... حتماً هم نباید موجب‌بگیر طرف مقابل باشد؛ تنها الزامش این است که شرایط را درک نکنند و ملت را به جان هم بیندازد. قاتل این اتحاد می‌تواند به علت محصوریت در فکر و اندیشه یا ایستایی در نگاه و ذهن، در وسط جنگ یادش بیاید که باید فرمان چرخاند، پارادایم را دگرگون کرد، مجلس مؤسسان شکل داد و... قاتل این اتحاد مقدس، حتماً نباید ادبیاتش را از ایسم‌ها

و ذهنیت‌های لیبرالیسم دهه ۹۰ عاریت بگیرد؛ بلکه ممکن است با ادبیات شبه انقلابی به جنگ با اتحاد مقدس بیاید و خدوم را متافق جلوه دهد، مسئول پُرکار، پرتلاش و پیگیر را به خائنی بریده از ملت تشبیه کند و...

گاه ممکن است قاتل این اتحاد مقدس نه یک فرد، بلکه در تشکلی تجسم یابد که قلم به دست بگیرد و با هدف اصلاح، چنان بنگارد که اگر به قول جان رالز، از پشت یک «برده بی‌خبری» به بیابنه نگاه کنیم، متوجه نمی‌شویم متعلق به کدام برهه تاریخی است. دهه ۷۰؟ دهه ۸۰؟ یا دهه ۹۰؟ متعلق به قبل از جنگ ۱۲ روزه است یا پس از آن؟ متعلق به خودی است یا غیر خودی؟ تجویز نهایی این منطق ایستا و ادبیات منجمد، می‌شود انحلال نهادهای موازی، بازگرداندن نظامیان به پادگان‌ها، آغاز مذاکره مستقیم با آمریکا، اعتمادسازی یک‌طرفه و... در این نگاه، چون براساس یک فهم ایستا و برپایه یک ادبیات دهه هفتادی و هشتادی نوشته می‌شود انگار نه انگار ما پای میز مذاکره بودیم که بر روی میز مذاکره بمب ریخته شد، انگار نه انگار ما مدافع بوده‌ایم و متجاوز کسی دیگر است، انگار نه انگار که پیشینه لیبی، عراق و... پیش روی ماست، انگار نه انگار که در چند صد کیلومتری از مرز ما با اینکه جولانی دست بر سر گذاشته و تمام ابزارهای سختش را داده باز هم بر سرش می‌کوبند. شاید تحذیر دبیر شورای عالی امنیت ملی بجا بود که گفت «دشمن با این گونه مواضع و رفتارها به طمع حمله مجدد می‌افتد.»

القصة این روزها جامعه تشنه وحدت و خسته و ملول از سیاست‌زدگی است. هر کس بر صورت وحدت پنجه افکند، آب به آسیاب دشمن ریخته است؛ فرق نمی‌کند چپ باشد یا راست، مکلا باشد یا غیر مکلا، مسئول باشد یا غیر مسئول.

نیم نگاه

مکانیسم بی تأثیر



علی محمدی

کارشناس اقتصادی

در سال‌های اخیر ایران کوشید تا از طریق مسیرهای دیپلماتیک و تعامل با اروپا مانع از فعال‌سازی مکانیسم ماشه شود؛ اما در عمل با بدعه‌دی و بهانه‌جویی مکرر طرف اروپایی مواجه شد. تجربه گذشته نشان می‌دهد، تمدید این مکانیسم راهکاری معتبر برای حل مناقشه هسته‌ای نبود و اروپای بدعهد به آن برای گروگان‌گیری اقتصاد و امنیت ملی ایران می‌نگریست. شرایط پیشنهادی اروپد از جمله دسترسی نامحدود بازرسان و آغاز مجدد مذاکره با آمریکا عملاً به تضعیف امنیت ملی کشور منجر می‌شد. از همین‌رو مخالفت ایران با تمدید مکانیسم ماشه تصمیمی منطقی در برابر فشار مستمر غرب بود. بدیهی است این تصمیم هزینه‌هایی دارد، اما هزینه‌های پذیرش تمدید بیشتر بود. ادامه تمدید به معنای تداوم فضای مبهم در اقتصاد کشور است. تهدید دائمی مکانیسم ماشه «سایه روانی منفی» ایجاد می‌کند که افق آینده را برای فعالان اقتصادی تیره‌تر کرده و ذهنیت «انتظار برای بدتر شدن اوضاع» را تقویت می‌کرد. در نتیجه، بالاتکلیفی ناشی از تمدید خطرناک‌تر از تحریم بالفعل است. تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد شوک‌های تحریمی گذرا هستند و شرط عبور از آنها انفعال‌گریزی و تدابیر سازگارانه است. بنابراین ایران نتیجه گرفت بهتر است با «شوک مقطعی فعال‌سازی مکانیسم ماشه» رویه‌رو شده و پس از آن وارد وضعیت نسبتاً پایدات شود.

بازگشت تحریم‌های شورای امنیت دامنه فشار را گسترش می‌دهد، اما کشورهایی با روابط گسترده‌تر همچنان انگیزه خواهند داشت همکاری را از طریق روش‌های نوآورانه ادامه دهند. ضمن اینکه طرف‌های تجاری بزرگ با ایران، به دلیل اختلافات ژئوپلیتیک با آمریکا و ملاحظات انرژی، ارتباط خود را منقطع نمی‌کنند.

از طرفی تحریم‌های اصلی از سوی آمریکااست. ما اکنون نیز در تحریم‌های آمریکا به سر می‌بریم و توانستیم بخش عمده این فشارها را مدیریت کنیم. گذر زمان نیز باعث تلطیف فضای تحریم‌ها می‌شود، مثل دوره تحریم ۱۳۹۷ که از ابتدای ۱۴۰۰ اقتصاد ایران وارد رشد شد.

باید دانست مهم‌ترین پیامد مکانیسم ماشه در کوتاه‌مدت روانی است؛ افزایش نااطمینانی و انتظارات تورمی می‌تواند بازار را تحت تأثیر قرار دهد، اما با تدبیر اقتصاد مسیر تعادل نسبی را بازی می‌یابد. اهمیت مدیریت این دوره کوتاه نباید دست‌کم گرفته شود؛ چرا که بی‌عملی می‌تواند به تقویت بی‌اعتمادی و موج‌های ثانویه منجر شود. آنچه بیش از خود تحریم‌ها خطرناک است، بی‌برنامگی در مواجهه با آن است. دولت حتما در نظر دارد که چند اقدام کلیدی می‌تواند مسیر اقتصاد را از چالش به سمت گذار موفق هدایت کند:

- ۱- اجرای جلدی مالیات بر عایدی سرمایه؛
- ۲- نظارت بر صرافی‌های دیجیتال و رمز ارزها؛
- ۳- کنترل کوتاه‌مدت سرمایه و محدودسازی معاملات پرریسک دلاری؛
- ۴- اجرای دقیق قانون پیمان‌سپاری ارزی؛
- ۵- تمرکز بر حمایت از بخش تولید؛
- ۶- استفاده واقعی از ظرفیت‌های مردمی در اقتصاد.

اقتصاد ایران از دشواری‌های سخت‌تری نیز عبور کرده و تاب‌آوری خود را نشان داده است. تهدید امروز، اگر درست مدیریت شود، می‌تواند به فرصتی برای بازسازی اعتماد و اصلاح سیاست‌ها بدل شود.



علی حیدری

سردبیر

در آستانه برگزاری اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، تصمیم ایالات متحده مبنی بر لغو ویزای «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و بیش از ۸۰ نفر از اعضای هیئت همراه او، واکنش‌های سیاسی و دیپلماتیکی را در سطح جهانی به همراه داشت. ظاهراً پیشتر ویزای این هیئت صادر شده بود، اما پس از تحریم سازمان آزادی‌بخش فلسطین و تشکیلات خودگردان فلسطین در ۳۱ ژوئیه (۹ مرداد) از سوی وزارت خارجه آمریکا، این وزارتخانه طی یادداشتی درخواست لغو ویزای این هیئت را صادر کرده است. این اقدام در حالی صورت گرفته که عباس قصد داشت در این اجلاس تاریخی، گام مهمی در مسیر اعلام رسمی استقلال فلسطین بردارد. اکنون با محروم شدن هیئت فلسطینی از حضور در این تریبون جهانی، پرسش‌های جدی درباره مشروعیت، پیامدها و انگیزه‌های پشت این تصمیم مطرح شده‌اند.

سازمان ملل متحد به منزله نهادی بین‌المللی، موظف است امکان حضور نمایندگان کشورهای عضو و ناظر را در نشست‌های خود فراهم کند. فلسطین از سال ۲۰۱۲ به عنوان «دولت ناظر غیرعضو» در سازمان ملل شناخته می‌شود و حضور نمایندگان آن در اجلاس‌های رسمی، امری پذیرفته‌شده و رایج بوده است. تصمیم



حسن نوروزی

روزنامه‌نگار

رژیم صهیونی، که سال‌ها تلاش کرده است چهره‌ای قدرتمند و شکست‌ناپذیر از خود به نمایش بگذارد، امروز بیش از هر زمان دیگری در معرض فشارهای داخلی و خارجی قرار دارد. مشکلات عمیق اقتصادی، اختلافات سیاسی و موج فزاینده انتقادات جهانی، رژیم اشغالگر قدس را در تنگنای بی‌سابقه‌ای قرار داده است. آنچه روزگاری یک قدرت منطقه‌ای پلانمازع معرفی می‌شد، اکنون با کاهش مشروعیت بین‌المللی، شکاف‌های داخلی و بحران‌های انسانی رویه‌روست که تصویر آن را در جهان به شدت مخدوش کرده است.

فشارهای بین‌المللی و کاهش مشروعیت جهانی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اقبول جایگاه جهانی رژیم صهیونی، تغییر رویکرد کشورهای غربی نسبت به این رژیم است. در ژوئیه گذشته، «امانوئل مکرון» رئیس‌جمهور فرانسه اعلام کرد، کشورش قصد دارد دولت فلسطین را به رسمیت بشناسد و به بیش از ۱۰۰ کشوری بپیوندد که پیشتر این اقدام را انجام داده‌اند. این تصمیم، هشدار ی آشکار به بنیامین نتانیاهو بود که رفتار این رژیم در غزه دیگر قابل تحمل نیست. به دنبال فرانسه، کشورهایی مانند کانادا، بریتانیا و استرالیا نیز بر به رسمیت‌شناختن مشروط فلسطین تأکید کردند. بریتانیا حتی ضرب‌الاجلی تعیین کرد و اعلام داشت، در صورت پیشرفت نداشتن در مذاکرات آتش‌بس تا زمان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر، فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت.

اگرچه برخی کارشناسان این اقدامات را ژست‌های دیپلماتیک می‌دانند، همین گام‌ها نشان‌دهنده تأثیر عمیق فشارهای افکار عمومی بر سیاستمداران غربی است. نشریه «فارین پالیسی» در گزارشی تأکید کرده که افکار عمومی جهانی از حالت تردید و بی‌تفاوتی نسبت به غزه به سوی «نفرت عمومی و تمایل به انتقاد از اسرائیل» حرکت کرده است. این تغییر نگرش حتی در میان حامیان سنتی رژیم صهیونی، از جمله کشورهای غربی، به وضوح دیده می‌شود.

سر مقاله

دور برگردان دولت خودگردان!

پیام‌های سیاسی و دیپلماتیک عمیقی است. این تصمیم نه‌تنها مانع از تحقق یک لحظه تاریخی برای فلسطین شد، بلکه شکاف‌های موجود در نظام بین‌الملل را آشکارتر کرد. در جهانی که ادعای حمایت از حقوق ملت‌ها و دیپلماسی چندجانبه دارد، چنین اقدامات یکجانبه‌ای اعتماد عمومی به نهادهای بین‌المللی را تضعیف می‌کند. در کنار اینها نکته مهم این است که محمود عباس و تیمش باید بدانند مامشات با دشمنان فلسطین، یعنی آمریکایی‌ها که دو سال است چشمان خود را بر نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در غزه بسته‌اند، نه تنها برای دیگر گروه‌های فلسطینی واقعی نمی‌نهند؛ بلکه حتی مخالف استقلال یک بخش از خاک فلسطین و اجرای سیستم دو دولتی هستند. در یک کلام نتیجه سال‌ها سازش و اعتماد بی‌پشتوانه به آمریکا و رژیم صهیونیستی، چیزی جز تحقیر دیپلماتیک و بی‌اعتنایی به حقوق ملت فلسطین نبوده است. تجربه نشان داده است، هر بار رهبران فلسطینی با امید به حمایت بین‌المللی، به میز مذاکره با واسطه‌گری واشنگتن نزدیک شده‌اند، دستاوردی ملموس نداشته‌اند و با اقدامات یک‌جانبه‌ای، مانند صادر نشدن ویزا، قطع کمک‌ها یا حمایت از شهرک‌سازی‌های غیرقانونی مواجه شده‌اند. این برخورد‌ها گواهی است بر اینکه اعتماد به قدرت‌هایی که منافع خود را در تثبیت اشغال و تضعیف مقاومت می‌بینند، نه‌تنها راه‌حل نیست، بلکه خود بخشی از مشکل است.

اعلام استقلال را با تأخیر مواجهه کند یا حتی موجب تضعیف آن شود. از سوی دیگر، این مانع‌تراشی می‌تواند انگیزه‌ای برای فلسطینی‌ها باشد تا مسیرهای جایگزین را دنبال کنند، از جمله مراجعه به دادگاه‌های بین‌المللی یا تقویت روابط با کشورهای مخالف سیاست‌های آمریکا. اما تصمیم آمریکا با واکنش‌های گسترده‌ای از سوی کشورهای عربی، اسلامی و برخی دولت‌های اروپایی مواجه شده است. بسیاری این اقدام را به منزله تلاش برای خاموش کردن صدای فلسطین در عرصه جهانی محکوم کرده‌اند. برخی کشورها نیز خواستار بررسی نقش آمریکا در جایگاه میزبان سازمان ملل شده‌اند و پیشنهاد داده‌اند که نشست‌های آتی در مکان‌های جایگزین برگزار شود. این بحران دیپلماتیک به تضعیف اعتبار آمریکا در نهادهای بین‌المللی منجر خواهد شد و شکاف‌های جدیدی در روابط واشنگتن با متحدان سنتی اش ایجاد خواهد کرد. در داخل فلسطین هم، این تصمیم آمریکا می‌تواند به افزایش ناراضایی عمومی از وضعیت فعلی و تقویت گفتمان مقاومت منجر شود. برخی گروه‌های سیاسی ممکن است از این محرومیت به عنوان نمادی از بی‌عدالتی جهانی بهره‌برداری کنند و خواستار تغییر رویکرد دیپلماتیک تشکیلات خودگردان در روند سیاسی و همراهی با غرب، به ویژه آمریکا شوند. همچنین، این اتفاق می‌تواند به بازنگری در راهبردهای سیاسی محمود عباس و تیم او منجر شود، به‌ویژه در زمینه تعامل با قدرت‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی. اقدام آمریکا در صادر نکردن ویزا برای هیئت فلسطینی، فراتر از یک تصمیم اداری، حامل

گزارشی درباره بحران مشروعیت رژیم صهیونی در مسائل داخلی و خارجی

منفورترین رژیم!

اسپانیا) نشان می‌دهد، حمایت از رژیم صهیونی به پایین‌ترین حد تاریخی رسیده و بین ۶۳ تا ۷۰ درصد مردم این کشورها نظری منفی به رژیم صهیونیستی دارند. همچنین، اکثریت قریب به اتفاق (۸۰ درصد در آلمان طبق نظرسنجی شبکه ZDF) عملیات نظامی رژیم صهیونی در غزه را به دلیل تلفات غیر نظامیان «موجه» نمی‌دانند. نظرسنجی دیگری از یوگاو به سفارش مؤسسه دیپلماسی عمومی فلسطین (PIPD) نشان داد که دست‌کم نیمی از مردم کشورهای اروپایی خواستار ممنوعیت فروش تسلیحات به رژیم صهیونی هستند و اکثریت معتقدند رسانه‌های ملی‌شان به نفع رژیم صهیونی سوگیری دارند.

در سطح جهانی، نظرسنجی مرکز تحقیقات «پیو» در ۲۴ کشور نشان داد که در ۲۰ کشور، اکثریت مردم دیدگاهی منفی نسبت به رژیم صهیونیستی دارند و اعتماد به نتانیاهو در سطح جهانی بسیار پایین است. حتی ۵۸ درصد از خود صهیونیست‌ها معتقدند که رژیم‌شان در جهان مورد احترام نیست.

شکاف سیاسی و اقتصادی

در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز اوضاع چندان بهتر نیست. اختلافات سیاسی به اوج رسیده و دولت راست‌گرای نتانیاهو با انتقادهای شدیدی از سوی اپوزیسیون مواجه است. طرح جنجالی اصلاحات قضایی، که به باور مخالفان استقلال دستگاه قضایی را تهدید می‌کند، به تظاهرات گسترده در تل‌آویو و دیگر شهرها منجر شده است. حتی قضاات بازنشسته، فرماندهان سابق ارتش و مقامات امنیتی پیشین نسبت به خطرات این طرح هشدار داده‌اند. از سوی دیگر، بحران اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی فشار مضاعفی بر جامعه رژیم صهیونی وارد کرده است. قیمت مسکن و کالاهای اساسی به شدت افزایش یافته و طبقه متوسط و پایین تحت فشار شدیدی قرار دارند. اعتراضات علیه سوءمدیریت اقتصادی و فساد مالی مقامات، به صحنه‌ای تکراری در شهرهایی مانند تل‌آویو و حیفا تبدیل شده است. این شکاف اقتصادی، اعتماد عمومی به کارآمدی دولت را کاهش داده و به بی‌ثباتی اجتماعی دامن زده است. نظرسنجی‌های داخلی نیز نشان‌دهنده شکاف

آمریکا برای لغو ویزا، از منظر حقوق بین‌الملل، با اصول دیپلماسی در تضاد است و می‌تواند نقض تعهدات میزبان سازمان ملل تلقی شود. این اقدام نه‌تنها مانع از مشارکت فلسطین در روند‌های دیپلماتیک جهانی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز شکایت‌های حقوقی و افزایش تنش‌های دیپلماتیک خواهد شد. البته واشنگتن در توجیه این تصمیم، به نگرانی‌های امنیتی و سیاسی اشاره کرده و رفتارهای اخیر تشکیلات خودگردان را به عنوان دلایل اصلی مطرح کرده است؛ از جمله پیشرفت نداشتن در مذاکرات صلح با رژیم صهیونی، اتهامات مربوط به تحریک خشونت و عدم اصلاحات داخلی در ساختار حکومتی فلسطین. با این حال، بسیاری از ناظران این تصمیم را در راستای حمایت قید و شرط آمریکا از رژیم صهیونی و تلاش برای جلوگیری از هرگونه پیشرفت دیپلماتیک فلسطین در عرصه بین‌المللی ارزیابی می‌کنند. جلوگیری از اعلام استقلال در تریبون سازمان ملل می‌تواند بخشی از راهبرد فشار بر حکومت خودگردان فلسطین برای بازگشت به میز مذاکرات تحت شرایط مطلوب واشنگتن و تل‌آویو باشد.

بنا بر اخبار موجود، عباس قصد داشت با استفاده از فضای اجلاس سازمان ملل، حمایت کشورهای عضو را برای اعلام رسمی استقلال فلسطین جلب کند. این اقدام اگرچه نمادین بود، می‌توانست به تقویت جایگاه حقوقی و سیاسی فلسطین در نهادهای بین‌المللی منجر شود. محرومیت از حضور در این اجلاس، نه‌تنها این فرصت را از بین برد، بلکه ممکن است روند

موج انتقادهای جهانی

جنایت‌های صهیون‌ها در غزه چنان گسترده و آشکار بوده که حتی دو سازمان حقوق بشری صهیونی، این اقدامات را مصداق بارز «نسل‌کشی» توصیف کرده‌اند. گزارش‌های متعدد از وضعیت فاجعه‌بار انسانی در غزه حکایت دارند؛ از هدف‌گیری عمدی کودکان گرفته تا حملات به بیمارستان‌ها و محاصرهای که مانع از رسیدن غذا و دارو به مردم شده است. سازمان‌هایی، مانند «World Central Kitchen» اعلام کرده‌اند که به دلیل محاصره، قادر به تأمین غذای کافی برای مردم غزه نیستند.

نظرسنجی‌های بین‌المللی نیز این تغییر نگاه جهانی را تأیید می‌کنند. بر اساس نظرسنجی مؤسسه «Focaldata» و «UnHerd»، ۵۴ درصد از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله بریتانیایی معتقدند، «کشور اسرائیل نباید وجود داشته باشد» و ۵۰ درصد دولت صهیون را مقصر اصلی جنگ غزه می‌دانند. این گروه سنی همچنین علاقه بیشتری به موضوع غزه (۳۸ درصد «بسیار علاقه‌مند») در مقایسه با جنگ اوکراین (۱۹ درصد) نشان داده‌اند.

در ایالات متحده، پایگاه سنتی حمایت از اسرائیل، نظرسنجی دانشگاه هاروارد نشان می‌دهد ۵۱ درصد از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله معتقدند راه‌حل نهایی مناقشه فلسطین و رژیم صهیونی، انحلال رژیم صهیونی و واگذاری آن به حماس است. همچنین ۶۰ درصد از این گروه، حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را با توجه به ناراضایی‌های فلسطینیان «قابل توجیه» می‌دانند و همین درصد معتقدند رژیم صهیونی در غزه در حال «نسل‌کشی» است. نکته قابل توجه دیگر، باور ۶۷ درصد از این جوانان به این است که یهودیان «باید ظالم شناخته شوند».

نظرسنجی مؤسسه «گالوپ» نیز برای اولین بار در تاریخ نشان داده که ۶۰ درصد از دموکرات‌های آمریکایی دیدگاهی منفی نسبت به رژیم صهیونی دارند و محبوبیت کلی این رژیم در میان آمریکایی‌ها به پایین‌ترین حد از سال ۲۰۰۰ (۴۱ درصد دیدگاه منفی) رسیده است. در مقابل، ۸۳ درصد از جمهوری‌خواهان همچنان نظری مثبت به اسرائیل دارند که نشان‌دهنده شکاف عمیق ایدئولوژیک در این کشور است.

در اروپا، نظرسنجی مؤسسه «یوگاو» در شش کشور (بریتانیا، آلمان، فرانسه، دانمارک، ایتالیا و

در افکار عمومی رژیم صهیونی است. ۷۴ درصد از صهیون‌ها با توافق با حماس برای آزادی گروگان‌ها در ازای پایان جنگ موافقت، اما نتانیاهو همچنان بر ادامه عملیات نظامی در غزه اصرار دارد. این اختلاف بین خواست عمومی و سیاست‌های دولت، ناراضایی‌ها را تشدید کرده است.

سرنوشت محتوم آپارتاید

چرخش افکار عمومی محدود به غرب نیست. در جهان جنوبد از چین گرفته تا آفریقای جنوبی و برزیل-نیز تغییر محسوس است. کشورهایی که پیشتر موضعی خشن یا نسبتاً مثبت دربرابر رژیم صهیونیستی داشتند، حالا دیدگاهی اغلب منفی دارند. در جهان عرب نیز حمایت از فلسطین به بالاترین سطح از سال ۲۰۱۱ رسیده است. هم‌زمان، موج اعتراضات جهانی علیه صهیونیست‌ها، از خیابان‌های اروپا و آمریکا تا دانشگاه‌های آسیا و آفریقا، بر فشار دیپلماتیک افزوده است. تحریم‌های نمادین، بایکوت‌های فرهنگی و ورزشی و حتی کمپین‌های دانشجویی نشان می‌دهد مخالفت با رژیم صهیونیستی تنها یک موضوع سیاسی نیست؛ بلکه به بخش ثابتی از فرهنگ اعتراض مدنی تبدیل شده است.

این آمار و ارقام سبب شده است تحلیلگران سرنوشتی همچون آفریقای جنوبی دوران آپارتاید را برای رژیم صهیونیستی ترسیم کنند: رژیمی منزوی، تحت فشار افکار عمومی جهان و با شکاف‌های داخلی عمیق. درست است که هنوز در آمریکا حمایت بخش بزرگی از جمهوری‌خواهان پابرجاست و بازگشت ترامپ به قدرت می‌تواند تا حدی این فشار را متعادل کند، اما آینده در دستان نسل‌های جوان‌تری است که نگاه‌شان به رژیم صهیونی بی‌اعتماد و منفی است.

دو سال پس از آغاز جنگ غزه، رژیم صهیونی خود را در موقعیتی می‌یابد که شاید از آغاز تأسیسش بی‌سابقه باشد: از دست دادن پشتوانه اخلاقی و نمادین در افکار عمومی جهان. موج خشم و انزجار عمومی، دیگر نه یک حادثه گذرا، بلکه روندی تاریخی است که به نظر چشم‌انداز روابط رژیم صهیونی با جهان را در سال‌های آینده متأثر از خود خواهد کرد.



رضا صارمی راد
کارشناس مسائل
بین الملل

ظرف روزهای اخیر مأموران پلیس فدرال آمریکا وارد خانه و دفتر کار «جان بولتون» مشاور سابق امنیت ملی آمریکا شدند و ضمن بازرسی، اسناد و مدارکی را به منظور بررسی بیشتر به دادستانی آمریکا منتقل کردند. جان بولتون ۷۷ ساله دومین مشاور امنیت ملی دولت ترامپ بود که به دنبال اختلاف نظر شدید با ترامپ در اواخر دولت اول وی از کار برکنار شد. بولتون از ننوکان‌ها یا گروه‌های جنگ‌طلب حزب جمهوری‌خواه است. وی در دوره دوم ریاست جمهوری بوش نماینده آمریکادر سازمان ملل حداقل سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ بود که با توجه به عدم رأی اعتماد مجلس سنای آمریکا از این سمت استعفا کرد. بولتون از حامیان اصلی حمله آمریکا به عراق بود که خواهان جنگ با کره شمالی و

رصد از پشت میله‌های زندان!

ایران است. بولتون از کارشناسان شبکه فاکس نیوز و عضو دائم اندیشکده «امریکن اینتر پرایز» است. وی از طراحان عملیات ترور شهید حاج قاسم سلیمانی بوده و اختلاف او با ترامپ از آنجایی آغاز شد که او معتقد بود ترامپ به شدت تحت تأثیر اطرافیانش قرار دارد و در تصمیم‌گیری‌های خود قاطعیت لازم را ندارد. در مقابل ترامپ هم معتقد بود بولتون به شدت جنگ‌طلب است و قصد دارد آمریکا را وارد جنگ‌های پرهزینه کند. پس از خروج جان بولتون از کاخ سفید، او با فاصله کوتاهی کتابی را منتشر کرد که در آن وقایع و اتفاقات دوران حضورش در کاخ سفید را شرح داده و از مداخلات اطرافیان ترامپ و بی‌برنامگی در دولت آمریکا انتقاد کرده است. حال باید دید چرا ترامپ در این مقطع زمانی به دنبال برخورد با بولتون است؟ بولتون شاید تنها چهره برجسته جمهوری خواهان است که به رفتارها و اقدامات ترامپ عکس العمل نشان می‌دهد و بقیه سران حزب جمهوری خواه، مانند مایک پنس، مایک پمپئو و نیکو هیلی در مقابل ترامپ سکوت

اختیار کرده‌اند. گروهی از کارشناسان معتقد هستند ترامپ می‌خواهد استیلای بی‌چون و چرای خود را بر حزب جمهوری خواه تحمیل کرده و به تدریج خود را برای انتخابات سال ۲۰۲۸ آماده کند. آنها به صحبت‌های اخیر ترامپ استناد می‌کنند که گفته است بهترین فرد برای جایگزینی من در ریاست جمهوری «دی ونس» معاونم است. ترامپ با حذف بولتون تلاش می‌کند که هیچ مخالفی در حزب جمهوری خواه علیه دی ونس وجود نداشته باشد؛ البته کینه‌توزی ترامپ هم که خصوصیت ذاتی اوست، در رفتارهایش مشخص است؛ زیرا بولتون بعد از هر سخنرانی مهم ترامپ نسبت به آن عکس العمل نشان می‌دهد و سخنان و رفتارهای وی را نقد می‌کند که آخرین مورد آن دیدار ترامپ و پوتین در آلاسکا بود. در این راستا، بولتون گفته بود این دیدار هیچ دستاوردی برای آمریکا نداشته است و اگر بخوایم کمی دقیق‌تر باشیم پوتین پیروز این دیدار بوده است. این سخنان بولتون دیگر کاسه صبر ترامپ را لبریز کرد و به دادستان آمریکا دستور

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با صبح صادق

ایران، فرع بر اسلام نیست!

اندیشه انقلاب اسلامی و سیره عملی و گفتاری امامین انقلاب نیز به خوبی بر این همشینی تصریح دارد. مواجهه امام خمینی(ره) و همچنین آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با مسائل گوناگون به خوبی همسویی ایران و اسلام را در عرصه‌های گوناگون به نمایش گذاشته است. امام خمینی(ره) بارها در سخنان‌شان به شرق در برابر غرب و محوریت ایران و کشور‌های جدای از نظام سلطه تأکید داشتند که همین امر نشان‌دهنده اهمیت ایران در اندیشه ایشان است. برای نمونه، شیخ اشراق، معروف به سهروردی، حکمت خسروانی ایرانی را به مدد مفاهیم دینی و اسلامی بازتعریف کرده و آن را احیا می‌کند. برخی سخنان از چهره‌های موسوم به انقلابی و حزب‌اللهی، مسئله دفاع از کشور و حمایت از ارزش‌های وطنی را تنها از آن باب می‌دانند که احکام دین در آن جاری باشد و رنگ و بوی اسلام در آن وجود داشته باشد. به تعبیری، آنان تنها وجود ارزش دینی در یک جغرافیا را مستمسک دفاع از آن سرزمین قلمداد می‌کنند! اما باید بیان داشت که این نوع اندیشه با خود آموزه‌های دینی در تضاد است. مفهوم کشور، امری مدرن و جدید است و ایرانیان و مسلمین بعد از مسائل مشروطه و افکار جدید با آن آشنا شدند، این در حالی است که اسلام، ۱۴۰۰ سال پیش تأکید داشت که اگر مهاجمانی به شما حمله کردند، وظیفه تقابل با آنان وجود دارد و کشته شده این

راه شهید به شمار می‌آید. بنابراین، باید گفت این نوع اندیشه جزم‌اندیش دینی با خود دین اسلام در تغایر است. اگر به سخنان و تمجیدات مقام رهبری درباره شاهنامه نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که ایشان تا چه حد روحیه وطن‌پرستی در این اثر را ستایش می‌کنند، پس موضوع دفاع از کشور و علاقه به میهن، امری انسانی و وجدانی است. در تکمله بخش قبل باید گفت، اساساً اسلام و اندیشه دینی و به تبع آن اندیشه انقلاب اسلامی نیازمند جغرافیاست تا بتواند در آن پا بگیرد و رشد کند. اگر ما این جغرافیا را از دست بدهیم، دیگر ارزش‌های دینی آنطور که باید تبلور نیافته و به شکوفایی نمی‌رسند. این موضوعی است که حتی خود صهیونیست‌ها نیز به آن رسیدند و دقیقاً برای پیاده‌سازی افکار ضدانسانی خود به غصب و غارت کشورها رو آوردند. از این رو موضوع جغرافیا و وطن برای مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این صحبت که تنها وطنی ارزش دارد که در آن اسلام و اندیشه دینی وجود دارد، بسیار مغلطه خطرناکی است، اساساً وطن و جغرافیا ظرفی است که در آن مفروض اندیشه و فرهنگ می‌تواند تجلی و عنایت پیدا کند. کشور رافع بر اسلام دانستن، بازی در پازل دشمن است که موجب تضعیف ایران و فروپاشی آن را فراهم می‌کند. ما اگر این جغرافیا را از دست بدهیم، نه می‌توانیم دیگر از اسلام چیزی بگوییم و نه از ایران.

یکی از مهم‌ترین حرف‌های اختلاف‌افکن این روزها، پیش کشیدن دوگانه اسلام/ایران است! در این بین متأسفانه برخی از جریان‌های انقلابی نیز آب در آسیایی ریختند که سودش را دشمن می‌برد و از دریچه‌ای سخن گفتند که چندان در پی وحدت و انسجام ملی نبود. واقعیت آن است که موضوع دوگانه اسلام/ایران امری ساختگی است و بیش از آنکه واقعیت عینی میدانی داشته باشد، در نزاع‌های سیاسی کاربرد دارد. اسلام و ایران هر دو مؤلفه‌های اصلی هویت جامعه ما هستند. حدود ۱۴۰۰ سال است که مردم ایران، فرهنگ تاریخی خودشان را در کنار اعتقادات اسلامی حفظ کردند و تداخل و تغایری در این بین مشاهده نکردند. از این رو به صراحت باید بیان داشت، سخنان اختلاف‌افکنی که به هر نحوی بخواهد این دوگانه کاذب را برجسته کند یا از سویی افراد ضداسلام بیان می‌شود یا از سوی اشخاص ضد ایران. حتی اگر شخص منظور و غرض خاصی نداشته باشد و با این حال سخن او در این چارچوب دوگانه‌پردازی قرار گیرد، باید گفته آن شخص را در تضاد با هویت مردم ایران بدانیم. یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیش روی ما برای برون‌رفت از این دوگانه‌سازی‌های کاذب، رجوع به فرهنگ عمومی مردم کشور ایران است. کافی است به این فرهنگ نظر بیفکنیم و همشینی ایران و اسلام را درک کنیم. ضمن اینکه،



محمد مهدی اسکندری
خبرنگار

«محسن ردادی» عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره برخی دوگانه‌سازی‌های کاذبی گفت که در آن دشمن قصد دارد ایران و اسلام را در تضاد و تقابل قرار دهد. در ادامه بخش‌های مهم سخنان این جامعه‌شناس سیاسی را از نظر می‌گذرانید:



عکس و مکث



تجدید میثاق/ رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت با حضور در گلزار شهدای بهشت‌زهره، یاد شهدای ۷۲ تن و همچنین شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را گرامی داشتند و به مقام والای آنان ادای احترام کردند.



فرانچسکو متشکریم؟!/ یادمان نمی‌رود آن روزهایی را که اصلاح‌طلبان می‌گفتند صهیون‌ها مخالف برجام هستند. امروز همان صهیون‌ها دارند از فرانچسکو تشکر میکنند! همه نقش‌ها به درستی تقسیم شده بود!



علم قدرت ماست/ طرح جدید دیوارنگاره میدان انقلاب، با شعار «علم قدرت است» و تمرکز بر نسل جدید سانسورفیوژهای ایرانی، در قلب پایتخت رونمایی شد.



نقطن‌زان قهرمان/ قهرمانان تیم نجوم در جواب برخی تحرکات موزیانه سلطنت‌طلبان، با پرچم ایران، پلاگاردی را به دست گرفتند که روی آن نوشته بود «دانش با ترور خاموش نمی‌شود»



ماشه پوشالی/ سایت عربی الطريق العربی واکنش خود را به فعال شدن مکانیسم ماشه علیه ایران اینگونه اعلام کرد: تحریم‌های اسنپ‌بک علیه ایران، سلاحی پر سر و صدا با اثر اقتصادی محدود است.



سقوط اف ۱۶/ ارتش لهستان اعلام کرد یک فروند جنگنده اف-۱۶ در جریان تمرین برای نمایش هوایی در شهر رادوم سقوط کرد و خلبان آن جان باخت. سقوط اف‌ها این روزها همه‌گیر شده است.

۳

دیدگاه

شماره ۱۲۰۲ | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

صداق

روزنه

هشدارهای امروز!



رضا قارزی

کارشناس سیاسی

با الهام از تجربه فروپاشی شوروی، به ویژه گورباچف و تطبیق آن با وضعیت کنونی جبهه مقاومت و ایران اسلامی، توجه به نکات زیر برای حفظ اقتدار، پایداری و پیشبرد اهداف راهبردی ضروری است:

۱- هوشیاری حداکثری در برابر جنگ ادرکی: دشمن پیوسته در تلاش است با عملیات روانی، اطلاعات غلط و تهدیدهای ساختگی (مانند SDI)، محاسبات شما را تغییر داده و شما را به سمت تصمیمات اشتباه سوق دهد. ۲- تعریف دقیق از منافع ملی و جبهه مقاومت: پیش از هر اقدام یا مذاکره، مرزهای قرمز و منافع حیاتی خود را با وضوح کامل ترسیم کنید و از آنها تخطی نکنید. ۳- پرهیز از تصمیم‌گیری از موضع ترس: ترس از بحران، سقوط یا جنگ، بزرگ‌ترین تله برای امتیازدهی‌های غیرضروری است. شجاعت در مقاومت، راهگشاست. ۴- نداشتن اعتماد مطلق به دشمن: حتی در وضعیت مذاکره یا تعامل، نیت و اهداف پنهان دشمن را هرگز فراموش نکنید. لبخند دشمن، همواره نشانه صلح نیست. ۵- تقویت توان داخلی و خودکفایی: وابستگی به بیرون، پاشنه آشیل هر نظام مقاومتی است. ۶- تکیه بر قدرت مردمی: مشروعیت و پایداری جبهه مقاومت و ایران اسلامی در گرو حمایت و مشارکت فعال مردم است؛ این مهم‌ترین سپر دفاعی شماست.

۷- افزایش آگاهی عمومی نسبت به ترفندهای دشمن: مردم باید از برنامه‌ها و فریب‌های دشمن آگاه باشند تا واکنش نه‌اشتباه شوند. ۸- جلوگیری از رخنه نیروهای غرب‌گرا در مراکز تصمیم‌گیری: نفوذ افراد متمایل به راه‌حل‌های بیرونی و تسلیم‌طلب، می‌تواند محاسبات راهبردی را منحرف کند. ۹- حفظ وحدت و انسجام داخلی جبهه مقاومت: تفرقه و اختلافات درونی، بزرگ‌ترین فرصت را برای دشمن فراهم می‌کند تا از شکاف‌ها استفاده کند. ۱۰- تنوع‌بخشی به متحدان و روابط خارجی: تک‌قطبی کردن روابط خارجی ریسک‌پذیری راهبردی را افزایش می‌دهد. ۱۱- اصلاح و تقویت ساختارهای اقتصادی داخلی: اقتصاد مقاومتی مقابله با فساد و توزیع عادلانه ثروت، بستر اصلی پایداری و تاب‌آوری ملی است. ۱۲- شفافیت: پنهان‌کاری یا عدم توضیح کافی درباره چالش‌ها و تصمیمات بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند و بستر را برای شایعات دشمن فراهم می‌کند. ۱۳- ارزیابی دشمن: نه بزرگ‌نمایی توان دشمن و نه دست‌کم گرفتن آن، هیچ یک صحیح نیست؛ تحلیل واقع‌بینانه ضروری است. ۱۴- پرهیز از القای بن‌بست: گفت‌وگو «بن‌بست» و «فروپاشی قریب‌الوقوع»، همان روایتی است که دشمن می‌خواهد ترویج کند. ۱۵- استفاده هوشمندانه از دیپلماسی: مذاکره ابزاری برای تأمین منافع است، نه هدف غایی. ۱۶- وابستگی نداشتن به هیچ قدرت خارجی: هرگونه تبعیت از خارج، استقلال تصمیم‌گیری را سلب می‌کند. ۱۷- ترویج مقاومت و امید در جامعه: الگوهای ایثار و پایداری را به نسل‌های جدید منتقل کنید و روحیه «ما می‌توانیم» را زنده نگه دارید. ۱۸- درس‌گیری مستمر از تجارب تاریخی: پرونده‌های شکست یا موفقیت ملت‌ها در مواجهه با قدرت‌های بزرگ را تحلیل کنید و از اشتباهات گذشته درس بگیرید. ۱۹- آمادگی برای مقابله با تهدیدهای ناگهانی: دشمن ممکن است در لحظات ضعف یا غفلت، حملات غیرمنتظره‌ای را برنامه‌ریزی کند. آمادگی دائم ضروری است. ۲۰- نداشتن انفعال و ابتکار عمل: جبهه مقاومت و ایران اسلامی باید همواره ابتکار عمل را در دست داشته باشند.

دیگران

اقتصاد کریپتو در ایران

صبح صادق این پادداشت را صرفاً برای اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند/
سال ۲۰۲۵ دورانی پرچالش برای بازار رمز ارزهای ایران بوده است؛ دورانی که در آن، مجموع جریان ورودی سرمایه به سکوهای داخلی این کشور، با افتی ۱۱ درصدی در مقایسه با سال گذشته، به ۳/۷ میلیارد دلار در هفت ماه نخست سال کاهش یافت. ریشه این افت محسوس را باید در تلاقی سه بحران کلیدی جست‌وجو کرد: تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی با اسرائیل، حمله سایبری گسترده به بزرگ‌ترین صرافی داخلی و اقدام ناشر برجسته استیبل کوین تتر در مسدودسازی آدرس‌های مرتبط با کاربران ایرانی!

این فشارها در ماه‌های خرداد و تیر به اوج خود رسید و در تیر ماه، شاهد سقوط ۷۶ درصدی ورود سرمایه در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۲۴ بودیم که عمق بحران اعتماد و ثبات را در این بازار به خوبی به تصویر می‌کشد. این رویدادها نشان داد، چگونه اقتصاد دیجیتال ایران‌بان به طور مستقیم تحت تأثیر متغیرهای امنیتی و بین‌المللی قرار دارد و نیازمند راهبردهای جامعی برای افزایش تاب‌آوری است.

نقطه عطف این بحران، هک ۹۰ میلیون دلاری صرافی «نوبیتکس» در خر داده‌ماه بود که گروه حامی اسرائیل با نام «کنجشک درنده» صورت داد. این حمله با توجه به اینکه بیش از ۸۷ درصد از کل تراکنش‌های رم‌ارازی کشور از طریق این پلتفرم انجام می‌شود، ضربه شدیدی به بدنه بازار وارد آورد. این رخداد نه تنها آسیب‌پذیری‌های امنیتی زیرساخت‌های داخلی را آشکار کرد، بلکه با ایجاد یک بحران نقدینگی موقت، اعتماد کاربران را به‌شدت متزلزل کرد. همزمان این حمله سایبری با جنگ ۱۲ روزه نظامی و قطعی‌های گسترده برق در ایران، یک طوفان تمام‌عیار را شکل داد که بی‌ثباتی را در بازار به حداکثر رساند. در واکنش به این هک، شرکت «تتر» نیز بزرگ‌ترین عملیات مسدودسازی تاریخ خود علیه کیف‌پول‌های مرتبط با ایران را اجرا کرد و ۴۲ آدرس با دارایی‌های قابل توجه را از دسترس خارج کرد. این اقدام الگوهای تسویه مالی در بازار را مختل کرد و کاربران را به سمت استفاده از استیبل کوین‌های جایگزین، مانند «دای» بر روی شبکه‌هایی چون پالیگان سوق داد.

این تحولات پیامدهای راهبردی متعددی به همراه داشت. از یک سو، شاهد سازگاری سریع کاربران و مهاجرت بخشی از سرمایه‌ها به صرافی‌های پریسک خارجی بودیم که فاقد فرآیندهای احراز هویت قوی بودند؛ پدیده‌ای که ریسک‌های جدیدی را برای دارایی‌های فعالان این حوزه ایجاد کرد. از سوی دیگر، با وجود تمام این چالش‌ها، جایگاه رم‌ارزها به منزله یک ابزار اقتصادی و سیاسی برای کشورمان همچنان پابرجا ماند. استفاده از دارایی‌های دیجیتال برای تأمین کالاهای حساس، مانند قطعات پهپاد، سخت‌افزارهای هوش مصنوعی و دیگر اقلام تحریمی از فروشندگان چینی ادامه یافت. همچنین، پرداخت‌های مبتنی بر رمز ارز در فعالیت‌های جاسوسی میان عوامل خارجی و داخلی شناسایی شد که نمونه بارز آن، دستگیری سه شهروند اسرائیلی در مردادماه بود که دستمزد خود را از طریق دارایی‌های دیجیتال دریافت کرده بودند. در این میان، یک تناقض تأمل‌برانگیز شکل گرفته است؛ در حالی که جریان ورودی سرمایه کاهش یافته و اعتماد به سکوهای داخلی خدشه‌دار شده، جریان خروجی تقریباً ثابت مانده است. این امر نشان می‌دهد، رم‌ارزها همچنان یک کانال جدی برای خروج سرمایه هستند!

پایگاه Coin World



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، کشورمان با آزمونی سخت و غافلگیرکننده روبه‌رو شد که ابعاد و پیامدهای آن فراتر از میدان‌های نبرد نظامی، در تاروپود حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه تنیده شد. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، یک آزمون تاب‌آوری تمام‌عیار برای شریان‌های اقتصادی کشور بود؛ رویدادی که با وجود تلخی و هزینه‌های جبران‌ناپذیر، آینه‌ای راهبردی در برابر ما قرار داد تا آسیب‌پذیری‌های ساختاری خود را بی‌پرده به‌نظاره بنشینیم. این جنگ نشان داد، در عصر نبردهای ترکیبی، «امنیت ملی» مفهومی چندوجهی است که پایداری اقتصادی، ستون فقرات آن را تشکیل می‌دهد. امروزه غبار نبرد فرو نشسته و زمان تأمل راهبردی فرارسیده، باید از سطح مدیریت بحران عبور کرده و به معماری دکترین تاب‌آوری ملی کشورمان بیندیشیم. دکترین جامعی که اقتصاد را نه به مثابه یک حوزه مجزا، بلکه به منزله خط مقدم دفاعی کشور در برابر تکانه‌های آینده تعریف کند. جنگ ۱۲ روزه مسائل متعددی را، به ویژه در حوزه اقتصادی به همراه داشت که در صورت بی‌توجهی و نادیده‌انگاری آنها و بازگشت به روزمرگی کشور، ما را مستعد آسیب‌های بیشتر در تنش‌های آتی خواهد کرد!

ضربه خاموش به شریان اقتصاد

چند روز قبل اتاق بازرگانی تهران و شرکت کاریابی ایران تلنت در گزارشی با عنوان «تأثیر جنگ ۱۲ روزه بر کسب‌وکارها» داده‌های میدانی مرتبط با تأثیر جنگ بر کسب‌وکارها را بررسی و تحلیل کرده‌اند که توجه به آن ضروری است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد، ۹۰ درصد کسب‌وکارهای کشورمان در این دوره با افت تولید مواجه شده و بیش از نیمی از آنها (۵۵ درصد) کاهش‌ی بیش از ۵۰ درصدی را تجربه کرده‌اند. این آمار، فراتر از یک رکود مقطعی، بیان‌کننده توقف نسبی چرخ‌دنده‌های اقتصاد در کوتاه‌مدت است. نکته حائز اهمیت آن است که بر خلاف تصور اولیه، اصلی‌ترین عامل کاهش درآمد نه تخریب فیزیکی زیرساخت‌ها، بلکه «کاهش تقاضای مشتریان» (با سهم ۶۶ درصدی) بوده است. این واقعیت، عمق تأثیر روانی و اجتماعی بحران بر اقتصاد را آشکار می‌کند. جنگ پیش از آنکه کارخانه‌ها را هدف قرار دهد، «اطمینان» و «امنیت روانی» را در جامعه نشانه می‌رود. در وضعیت عدم قطعیت شدید، رفتار اقتصادی خانوارها و بنگاه‌ها به‌سرعت تغییر می‌کند؛ خانوارها به سمت «پس‌انداز احتیاطی» حرکت کرده و مصرف کالاهای غیر ضروری را به تعویق می‌اندازند و بنگاه‌ها نیز هرگونه تصمیم برای

سرمایه‌گذاری یا توسعه را متوقف می‌کنند. این انقباض فوری در تقاضا، که با اختلال در زیرساخت اینترنت (۳۹ درصد) و عملیات بانکی (۳۸ درصد) تشدید شد، یک سکون تحمیلی را بر اقتصاد حاکم کرد که ترمیم آن بسیار زمان‌برتر از بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی است.

پاشنه آشیل اقتصاد

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه همچنین شکنندگی زیرساخت‌های حیاتی و زنجیره‌های ارزش اقتصاد را به تصویر کشید. اختلال در زنجیره تأمین، یکی از فراگیرترین چالش‌ها بود، به‌طوری‌که ۷۳ درصد کسب‌وکارها با آن دست‌وپنجه نرم کردند. نکته راهبردی در این میان آن است که این اختلال صرفاً به بنگاه‌های واردات‌محور محدود نبود و بیش از نیمی از شرکت‌هایی (۵۲ درصد) که به منابع داخلی متکی بودند نیز در تأمین مواد اولیه دچار مشکل شدند. این نشان می‌دهد، آسیب‌پذیری ما نه فقط در مرزها و گمرکات، بلکه در عمق شبکه‌های تولید و توزیع داخلی نیز ریشه دوانده است. وابستگی متقابل بخش‌های اقتصادی به یکدیگر، در غیاب مسیرهای جایگزین و سازوکارهای تأمین اضطراری، کل زنجیره ارزش را به اندازه ضعیف‌ترین حلقه‌اش آسیب‌پذیر کرده است. این بحران همچنین نشان داد، حتی شرکت‌های صادرکننده نیز از این شوک مصون نبودند و با شدتی مشابه شرکت‌های متکی به بازار داخل، دچار کاهش نقدینگی شدند. این یعنی توزیع‌بخشی به بازارها به‌تنهایی برای مصون‌سازی کافی نیست و پایداری زیرساخت‌های لجستیکی، مالی و ارتباطی، پیش‌شرط تاب‌آوری است. در عصری که اقتصاد به‌شدت به جریان روان داده‌ها و خدمات مالی وابسته است، هرگونه وقفه در این شریان‌های حیاتی، می‌تواند نبض فعالیت‌های اقتصادی را به‌سرعت کند یا متوقف سازد.

زنگ خطر برای موتور اشتغال کشور

یکی دیگر از درس‌های کلیدی این بحران، تأثیر نامتقارن آن بر بخش‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی بود. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SME) که بیش از ۸۰ درصد اشتغال کشورمان را بر دوش می‌کشند، آسیب‌پذیرترین حلقه این زنجیره بودند. ۶۳ درصد از این بنگاه‌ها با افت نقدینگی بیش از ۵۰ درصدی مواجه شدند، درحالی‌که این رقم برای شرکت‌های بزرگ ۴۷ درصد بود. این شکاف عمیق، یک زنگ خطر جدی برای سیاست‌گذار است. بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌دلیل دسترسی محدودتر به منابع مالی، ذخایر استراتژیک کمتر و قدرت چانه‌زنی پایین‌تر با تأمین‌کنندگان و بانک‌ها، توان تاب‌آوری بسیار کمتری در برابر شوک‌ها دارند. تضعیف این بخش از اقتصاد نه‌تنها رشد اقتصادی را مختل می‌کند، بلکه می‌تواند به بحران‌های اجتماعی

بررسی گزارش اتاق بازرگانی تهران درباره تأثیر جنگ ۱۲ روزه بر کسب‌وکارها

اقتصاد خط مقدم

ناشی از بیکاری و فرسایش طبقه متوسط دامن بزند. این بنگاه‌ها موتور نوآوری و اشتغال‌زایی جامعه هستند و هرگونه سیاست حمایتی باید با درک این عدم تقارن و با اولویت‌بخشی به حفظ حیات آنها طراحی شود. بی‌توجهی به این مسئله، به معنای نادیده گرفتن ستون فقرات اشتغال و پویایی اقتصادی جامعه است و می‌تواند در بلندمدت به تمرکزگرایی بیشتر اقتصاد و کاهش رقابت‌پذیری منجر شود.

آزمون دورکاری

این وضعیت، افزون بر ابعاد مالی و عملیاتی، بُعد «سرمایه انسانی» مدیریت بحران را نیز برجسته کرد. در حالی که حضور فیزیکی در محل کار برای بسیاری ناممکن یا پرخطر بود، نزدیک به یک‌سوم شرکت‌ها (۳۱ درصد) اساساً زیرساخت لازم را برای دورکاری نداشتند. حتی در میان شرکت‌هایی که این امکان را داشتند، ۷۰ درصد با چالش اختلال در زیرساخت‌های اینترنتی مواجه شدند. این امر نشان می‌دهد، آمادگی برای استمرار کسب‌وکار در وضعیت بحرانی، نیازمند سرمایه‌گذاری پیشینی در فناوری، فرآیندها و آموزش نیروی انسانی است. افزون بر این، نحوه مواجهه شرکت‌ها با محاسبه کارکرد کارکنان غایب (از احتساب مرخصی تا پرداخت کامل یا دورکاری) نشان‌دهنده نبود یک دستورالعمل یا استاندارد ملی برای شرایط اضطراری بود. این سردرگمی‌ها می‌تواند به کاهش روحیه کارکنان، افزایش تنش‌های درون‌سازمانی و فرسایش سرمایه اجتماعی در محیط کار منجر شود. تاب‌آوری یک سازمان، تنها به استحکام مالی آن نیست، بلکه به انسجام، روحیه و توانمندی سرمایه انسانی آن نیز بستگی دارد.

پس‌لرزه‌های بحران

بر اساس گزارش اتاق بازرگانی تهران شاید نگران‌کننده‌ترین پیامد این جنگ، «سایه بلند» آن بر دوران پس‌اتتش بس باشد؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را «اثرات ماندگار» یا زخم‌های اقتصادی بحران نامید. داده‌ها نشان می‌دهند، ۷۴ درصد شرکت‌ها حتی پس از پایان درگیری‌ها نیز نتوانسته‌اند به ظرفیت تولید پیش از جنگ بازگردند. مهم‌ترین مانع در مسیر احیای کسب‌وکارها، «کمبود نقدینگی» (۶۰ درصد) و پس از آن، «ابهام و عدم قطعیت نسبت به تکرار درگیری» (۳۶ درصد) گزارش شده است. این وضعیت بر فضای اقتصادی کشورمان سنگینی می‌کند، رفتار استراتژیک بنگاه‌ها را از «توسعه و رشد» به «بقا و حفظ وضع موجود» تغییر می‌دهد. این امر خود را در پیش‌بینی‌های فعالان اقتصادی نشان می‌دهد: ۵۵ درصد کسب‌وکارها کاهش نیروی انسانی را در سه ماه آینده پیش‌بینی کرده‌اند و تنها ۱۴ درصد برنامه افزایش نیرو دارند. این وضعیت نشان می‌دهد، پایان مخاصمات

نظامی، به‌هیچ‌وجه به معنای پایان جنگ اقتصادی نیست و بازسازی «اعتماد» و «ثبات» در فضای کسب‌وکار، چالشی به‌مراتب پیچیده‌تر از بازگشت به وضعیت عادی است.

توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاران

برآیند این تحلیل‌ها ما را به یک جمع‌بندی راهبردی رهنمون می‌کند: تاب‌آوری اقتصادی دیگر یک مفهوم دانشگاهی یا گزینه‌ای مطلوب نیست، بلکه ضرورتی انکارناپذیر و فوری برای امنیت ملی کشورمان است. کسب‌وکارها، قلب تپنده اقتصاد و معیشت جامعه هستند و حفاظت از آنها در برابر تهدیدها، نیازمند تدابیری هوشمندانه و پیش‌دستانه است. در این راستا، سیاست‌گذاری عمومی باید از رویکرد واکنشی فاصله گرفته و بر چند محور کلیدی متمرکز شود. نخست، تدوین و اجرای یک «سند ملی تاب‌آوری اقتصادی» که در آن، نقش هر یک از دستگاه‌های حاکمیتی، نهادهای عمومی و بخش خصوصی در سناریوهای گوناگون بحران به‌دقت مشخص شده باشد. این سند باید شامل نقشه‌های ریسک برای صنایع حیاتی و پروتکل‌های روشن برای فعال‌سازی سازوکارهای حمایتی باشد.

دوم، تمرکز بر «مصون‌سازی زیرساخت‌های حیاتی». این امر شامل ایجاد افزونگی در شبکه‌های انرژی، حمل‌ونقل و ارتباطات دیجیتال و همچنین تقویت زنجیره‌های تأمین داخلی از طریق حمایت از خوشه‌های صنعتی منطقه‌ای و ایجاد ذخایر راهبردی برای کالاهای اساسی و مواد اولیه صنعتی است.

سوم، طراحی بسته‌های حمایتی «هوشمند، سریع و هدفمند» برای دوران بحران است. همان‌طور که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد، معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی، تسهیلات وام کم‌بهره و تسهیل دسترسی به ارز، مؤثرترین ابزارهای حمایتی هستند. این ابزارها باید از طریق پنجره‌های واحد و با حداقل بوروکراسی در اختیار بنگاه‌های آسیب‌دیده، به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط قرار گیرند. در نهایت، باید پذیرفت که اصلی‌ترین مطالبه بخش خصوصی، یعنی «رفع تنش‌های منطقه‌ای و ایجاد محیط امن»، پیش‌شرط هرگونه ثبات اقتصادی پایدار است. قدرت اقتصادی خود یکی از مؤلفه‌های کلیدی بازدارندگی است. دیپلماسی فعال و بازدارندگی هوشمندانه، مکمل ضروری سیاست‌های اقتصادی تاب‌آور هستند.

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، هر چند کوتاه، اما درسی بزرگ به ما آموخت و آن، اینکه در دنیای پرآشوب امروز، قوی‌ترین سنگر برای صیانت از منافع ملی، اقتصادی است که بتواند روی پای خود بایستد، ضربه‌ها را جذب کند و با سرعتی بیشتر از قبل، دوباره به حرکت درآید. ساختن چنین اقتصادی، مأموریت مشترک و عاجل امروز همه ما برای فردای کشورمان است.

اندیشکده

پایداری ملی

جامعه احساس امنیت شغلی و ثبات درآمدی داشته باشند، جامعه‌ای متحدتر، مقاوم‌تر و نفوذناپذیرتر در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی خواهد بود.

از این رو، سیاست‌گذاری برای افزایش تاب‌آوری کسب‌وکارهای خرد و متوسط، باید از اولویت اقتصادی به یک «ضرورت امنیت ملی» ارتقا یابد. این امر مستلزم یک تغییر نگاه راهبردی است: از کمک‌های واکنشی و مقطعی پس از وقوع بحران، به سمت «مصون‌سازی پیش‌دستانه» این بخش از اقتصاد. اقداماتی نظیر ایجاد صندوق‌های حمایتی ویژه شرایط اضطراری، طرح بیمه‌های کسب‌وکار در برابر ریسک‌های سیاسی و امنیتی، تسهیل دسترسی پایدار به اعتبارات خرد و کاهش بوروکراسی‌های دست‌وپاگیر، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه سرمایه‌گذاری مستقیم در پایداری اجتماعی و امنیت ملی است. تقویت بنگاه‌های کوچک، به معنای تقویت سنگرهای دفاعی ما در عمق جامعه است؛ سنگرهایی که حافظ آرامش، امید و انسجام ملی در برابر سخت‌ترین طوفان‌ها خواهند بود.

شدند. این آسیب‌پذیری، مسئله صرفاً اقتصادی نیست؛ بلکه یک چالش امنیتی است. هر کارگاه کوچکی که تعطیل می‌شود، هر فروشگاهی که کرکره‌اش را پایین می‌کشد و هر کسب‌وکار نوپایی که از حرکت بازمی‌ایستد، به طور بالقوه کانونی از ناامیدی و ناراضیاتی اقتصادی را ایجاد می‌کند. تجمع این کانون‌ها در سطح ملی، می‌تواند انسجام اجتماعی را تضعیف کرده و جامعه را در برابر امواج پوپولیسم، شایعات مخرب و تحریکات بیگانگان آسیب‌پذیرتر کند. تاریخ معاصر مملو از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد بحران‌های اقتصادی کنترل‌نشده، چگونه به بستری برای آشوب‌های داخلی و خشونت‌های سیاسی تبدیل شده‌اند. دشمنان خارجی نیز همواره به دنبال بهره‌برداری از همین شکاف‌های اقتصادی – اجتماعی برای پیشبرد اهداف خود هستند. بنابراین، در دکترین امنیت ملی نوین، حفاظت از معیشت و کسب‌وکار مردم، بخشی جدایی‌ناپذیر از دفاع همه‌جانبه از کیان کشور است. اقتصادی که در آن، اکثریت

جامعه ما هستند. این بنگاه‌ها که بیش از ۸۰ درصد اشتغال کشور را بر دوش می‌کشند، در تاروپود محلات و شهرهای ما تنیده شده‌اند و نبض زندگی روزمره میلیون‌ها خانوار ایرانی را در دست دارند. پایداری این کسب‌وکارها، به معنای تداوم جریان درآمد، حفظ کرامت انسانی و تقویت امید به آینده در وسیع‌ترین لایه‌های اجتماعی است. آنها در عمل، کارکرد یک «ضربه‌گیر اجتماعی» را ایفا می‌کنند که تکانه‌های اقتصادی را جذب کرده و از سرایت مستقیم آن به سفره مردم جلوگیری می‌کنند. از این منظر، ثبات این بخش، مترادف با ثبات اجتماعی و رضایت عمومی است.

آزمون ۱۲ روزه نشان داد، این ضربه‌گیر حیاتی، خود به‌شدت شکننده است. در مواجهه با شوک ناگهانی جنگ، بنگاه‌های کوچک و متوسط نخستین قربانیان بودند. آنها به دلیل دسترسی محدود به نقدینگی، فقدان ذخایر استراتژیک و قدرت چانه‌زنی کمتر، با سرعتی به مراتب بیشتر از شرکت‌های بزرگ به مرز ورشکستگی نزدیک

پیشخوان

بحران سربازی!



«نیویورکتایمز» نوشت: «خدمت در ارتش برای بیشتر یهودیان اسرائیلی، هم مردان و هم زنان اجباری است. معافیت ارانه شده به یهودیان اولترا ارتودوکس یا فرا ارتودکس‌ها، مدت‌هاست که از سوی بقیه جمعیت یهودی مورد اعتراض و ناخرسندی قرار گرفته است. جنگ نزدیک به دو ساله در غزه، این موضوع آزاردهنده را به یک بحران سیاسی تبدیل کرده و شکاف‌های موجود در جامعه اسرائیل را عمیق‌تر کرده و انتلاف شکننده نتانیا‌هو را در معرض خطر قرار داده است.»

به نوشته این روزنامه، «ماه گذشته، دو حزب اولترا ارتودوکس که برای حفظ اکثریت نتانیا‌هو در پارلمان حیاتی هستند، پس از تصویب نشدن قانون معافیت اولترا ارتودوکس‌ها از خدمت سربازی، از دولت خارج شدند. این اقدام می‌تواند به فروپاشی ائتلاف نتانیا‌هو و برگزاری انتخابات زودهنگام منجر شود.»

این روزنامه افزود: «ارتش اسرائیل می‌گوید که فوراَ به ۱۲ هزار سرباز جدید برای جایگزینی نیرویی که در غزه فرسوده شده، نیاز دارد. بیش از ۴۵۰ سرباز اسرائیلی در این منطقه کشته شده‌اند، آمار خودکشی در حال افزایش است و تعداد کمتری از نیروهای ذخیره اسرائیل که بخش عمده نیرو‌ها را تشکیل می‌دهند، برای انجام وظیفه حضور می‌یابند. بسیاری از آنان از زمان آغاز جنگ، بیش از ۴۰۰ روز در خدمت بوده‌اند.»

بازگشت به سرکوب



روزنامه «واشنگتن‌پست» نوشت: «دو هفته از دستور ترامپ برای اجرای وضعیت اضطراری جنایی در واشنگتن می‌گذرد، زمانی که صدها مأمور فدرال اجرای قانون و اعضای گارد ملی به دستور رئیس‌جمهور برای مقابله با جرم در خیابان‌های این شهر مستقر شدند. روزنامه واشنگتن‌پست با بیش از ۳۰ نفر از افرادی که در این شهر بیشتر قربانی تیراندازی‌ها و قتل‌ها می‌شوند، مصاحبه کرده است. نظرات آنها در مورد راه‌حل پلیسی رئیس‌جمهور مثبت نیست.»

به نوشته واشنگتن‌پست، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفتند که حضور فزاینده نیروهای نظامی فدرال، بعید است به تأمین امنیت بینجامد. برخی از آنها می‌گویند ادبیات ترامپ یادآور دهه ۱۹۹۰ است، زمانی که جامعه سیاه‌پوستان با شدت بیشتری هدف اقدامات قهری پلیس قرار می‌گرفت، احکام طولانی حبس برای آنها صادر می‌شد و عباراتی، مانند «ابر درنده» برای توصیف کودکانی به کار می‌رفت که مرتکب جرم می‌شدند.

شوگ و وحشت

نگاهی به پشت‌پرده لشکرکشی به ونزوئلا

وزیر خارجه آمریکا، در ماه مارس پیامی برای آقای مادورو فرستاده و تأکید کرده است ونزوئلا باید از آب‌های نفت خیز متعلق به گویان، همسایه این کشور دور بماند.

نکته اینجاست که حملات محدود آمریکا به آزمایشگاه‌های ادعایی مواد مخدر در ونزوئلا، به چنین تجهیزات سنگینی نیاز ندارد و حتی افزایش بازدارندگی برای دفاع از گویان نیز چنین نیازی ایجاد نمی‌کند. آنچه ممکن است به چنین حجم قابل توجهی از نیروهای نظامی آمریکا نیاز داشته باشد، تلاش برای تحت فشار گذاشتن آقای مادورو برای کناره‌گیری از قدرت یا حتی برکناری اوست، آن هم بدون نیاز به استقرار نیروی زمینی.

آیا ترامپ چنین خواسته‌ای دارد؟

سرنگونی مادورو یک هدف ارزشمند برای آمریکاست؛ زیرا نزدیک‌ترین متحدان او روسیه، کوبا، چین و ایران هستند و به زعم وال استریت ژورنال، «گمان می‌رود که دولت او انقلابی به سبک کوبا را در منطقه بکارد.» ترامپ در حمایت از اپوزیسیون ونزوئلا رفتار متغیری داشته است. وی در سال ۲۰۱۹ از رهبر مجمع ملی، «خوان گائیدو» رئیس‌جمهور موقت حمایت کرد، اما با بروز مشکلات در اجرای این طرح عقب نشست. او تحریم‌هایی را برای جلوگیری از همکاری شرکت‌های نفتی با رژیم مادورو وضع کرده، اما

زهر ا توحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا این هفته ناو موشک‌انداز «یواس اس لیک ایری» و یک زیر دریایی تهاجمی سریع به نام «یواس اس نیوپورت نیوز» را به سمت کارائیب روانه کرد. قرار است این ناوگان نظامی در نزدیکی ونزوئلا پهلو بگیرند و طبق گزارش‌ها، به سه ناوگان آبی – خاکی، سه ناوشکن و یک زیر دریایی تهاجمی دیگر در آن منطقه پیوبندند. این حجم از تجهیزات نظامی قابل توجه است. ناوگان‌های آبی – خاکی با نام‌های «یواس اس سن آنتونیو»، «فورت لادریل» و «ایوو جیما»، حامل ۴۵۰۰ سرباز هستند؛ از جمله یک واحد عملیاتی تفنگداران دریایی متشکل از ۲۲۰۰ نفر. ایسن رزمایش نظامی، ناظران بین‌المللی را نگران کرده است.

در فوریه ۲۰۲۵، ترامپ ۹ کاترل مواد مخدر در آمریکای لاتین را به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی معرفی کرد که دو مورد در ونزوئلا هستند. گزارش‌های تأیید نشده حاکی از آن است که دستور العمل محرمانه‌ای از سوی رئیس‌جمهور آمریکا به پنتاگون ابلاغ شده که نیروهای نظامی را به استفاده از زور علیه این کاترل‌ها موظف می‌کند. همچنین «مارکوریوو»

تحلیل

یگان پهبادی!

واکنش مستقیم به شکست در دریای سرخ

روزنامه «ال‌اخبار» لبنان نوشت، تجربه یمن در دریای سرخ به آزمایشگاهی جهانی برای جنگ‌های نامتقارن تبدیل شده؛ جایی که پهبادها و موشک‌های دقیق و کم‌هزینه توانستند چالش جدی برای پیشرفته‌ترین ارتش‌های دنیا ایجاد کنند. این روند معادله‌ای تازه را وارد عرصه نبرد کرد؛ معادله‌ای که حتی مقامات ارشد آمریکایی به آن اذعان داشته‌اند و اعتراف کرده‌اند که ابزارهای ساده و ارزان قادرند ناوگان‌های عظیم را سردرگم و هزینه‌های هنگفتی را بر آنها تحمیل کنند. آمریکا دریافت که ناوهای هواپیمابر و شناورهای سنگین دیگر قادر به بازدارندگی در برابر حریفی نامتقارن همچون جنبش انصارالله نیستند و چین نیز تجربه یمن را نشانه‌ای روشن دانست بر اینکه سرمایه‌گذاری در حوزه پهبادها و ربات‌های دریایی راهی مطمئن برای مقابله با برتری سنتی آمریکا به شمار می‌آید. در همین زمینه، نشریه آمریکایی «دیفنس وان» گزارش داده است وزارت دفاع آمریکا یک یگان هجومی جدید شامل ۱۲ عضو متخصص در بهره‌گیری از پهبادهای تهاجمی در پایگاه «Quantico» در ایالت ویرجینیا تشکیل داده است. در چارچوب این برنامه، پهبادهایی با سیستم کنترل فرکانس رادیویی و نمونه‌هایی مقاوم در برابر جنگ الکترونیک طراحی شدند و همچنین

در عین حال تحت فشار لابی‌گران، معافیت‌هایی برای شرکت «شورون» این کشور در نظر گرفت. کارشناسان ونزوئلا و دیپلمات‌های سابق آمریکا نسبت به وقوع یک حمله «شوگ و وحشت» به سبک بغداد در کاراکاس ابراز تردید می‌کنند، «کریستوفر ساباتینی» پژوهشگر ارشد مطالعات آمریکای لاتین در مؤسسه چتم هاوس، در این باره به روزنامه «گاردین» گفت: «هیچ فرد عاقلی فکر نمی‌کند که با ۴۵۰۰ نفر بتوان کشوری را که کوهستان، جنگل و چندین مرکز شهری دارد، مورد حمله قرار داد.» «جیمز استوری» دیپلمات ارشد سابق آمریکا در امور ونزوئلا در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ نیز این تحرکات را «بیشتر نمایش قدرت» خواند تا «استفاده واقعی از نیروی نظامی».

استوری در ادامه افزود: «آیا این نیروها قادر خواهند بود برای مثال موشک شلیک کنند و یک حمله دقیق به پایگاه نظامی «فورت ته‌یونا» (مکانی که تصور می‌شود مادورو در آن زندگی می‌کند) انجام دهند؟ بله، می‌توانند. اما چنین کاری بدون این نمایش پرزرق و برق نیرو نیز امکان‌پذیر است. بنابراین، من فکر نمی‌کنم ایده یک حمله نظامی همه‌جانبه حقیقت داشته باشد.»

«ایوان الیس» متخصص آمریکای لاتین از دانشگاه جنگ ارتش آمریکا به «فاینشال تایمز»

پنجره

خودکشی ژئوپلیتیک

نگاهی به ناکامی رژیم صهیونیستی در غزه

روزنامه «نیویورکتایمز» نوشت، گرچه داوری درباره «نسل‌کشی» بر عهده تاریخ‌نگاران است، اما اکنون روشن است که رژیم صهیونیستی مرتکب «خودکشی، آدم‌کشی و برادرکشی» شده است. این رژیم در حال نابودی وجهه جهانی خود است، غیرنظامیان غزه را بی‌اعتنا به جان انسان‌ها می‌کشد و میان یهودیان و جامعه اسرائیل تفرقه می‌اندازد. به باور نویسند، آنچه نتانیا‌هو «اشتباه تراژیک» می‌خواند، نتیجه اجتناب‌ناپذیر سیاست او برای طولانی کردن جنگ است؛ سیاستی که هدف آن ماندن در قدرت، فرار از محاکمه‌های قضایی و جلوگیری از تحقیقات درباره کوتاهی‌های بزرگ در برابر حمله ۷ اکتبر حماس است. نیویورکتایمز افزود، صهیونیست‌ها مدعی از بین بردن بخش اعظم فرماندهان عالی‌رتبه حماس هستند و در عین حال، همچنان برای توجیه حضور نظامی خود در نوار غزه، به باقی ماندن فرماندهان میان‌رتبه استناد می‌کنند؛ افرادی که صهیونیست‌ها می‌گویند در میان غیرنظامیان پنهان شده‌اند. حتی اگر این ادعای رژیم کودک‌کش صحت داشته باشد، باز هم کشتار ده‌ها و صدها غیرنظامی برای هدف قرار دادن چنین افرادی در رده‌های پایین فرماندهی حماس، قابل توجیه نیست. رسانه آمریکایی آوارگی

گسترده غیرنظامیان غزه، تخریب خانه‌های‌شان و محدود کردن کمک‌های انسانی از سوی رژیم صهیونیستی را اقدامی «خائنانه و شرم‌آور» دانست و نوشت، این جنگ علاوه بر کشتار انسان‌ها، نوعی خودکشی سیاسی است ورژیم صهیونیستی را به نقطه‌ای می‌رساند که شهروندانش حتی در سفرهای خارجی از سخن گفتن به زبان عبری پرهیز خواهند کرد. رژیم صهیونیستی پس از عملیات «طوفان الاقصی» مدعی شد، برای بقای خود ناچار است به غزه حمله کند، اما حالا دیگر جهانسان میان تلاش یهودیان برای بقا و تلاش نتانیا‌هو برای قبضه قدرت تمایز قائل می‌شوند. جهان به ایسن حقیقت پی برده است که هدف صهیونیست‌ها از این جنگ گسترش اشغالگری از کرانه باختری به نوار غزه است. نیویورکتایمز در پایان تأکید می‌کند که این روند نوعی «خودکشی ژئوپلیتیک» است و تنها کسی که می‌تواند آن را متوقف کند، رئیس‌جمهور کنسوری است که با حمایت‌های دیپلماتیک، مالی و تسلیحاتی خود، این جنایت را ممکن ساخته است؛ یعنی شخص «دونالد ترامپ». اما ترامپ فریب نتانیا‌هو را خورده و به جای پذیرش آتش‌بس، در پی توهم «پیروزی کامل» بر حماس است.

پادشاهی منزوی

«هیلاری کلینتون» در پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) نوشت: «به دلیل هرج‌ومرج تعرفه‌ای ترامپ، فهرست رو به رشدی از کشورها در حال توقف ارسال محموله‌های پستی به آمریکا هستند.» او افزود: «این کشورها شامل استرالیا، فرانسه، آلمان، هند، اسپانیا و کره‌جنوبی می‌شوند.» کلینتون که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ رقیب ترامپ بود و منتقد سرسخت او به شمار می‌آید، تصریح کرد: «آیا کسی که در سال ۲۰۲۴ رأی داد، می‌خواست به یک کشور پادشاهی منزوی تبدیل شویم؟» اصطلاح «پادشاهی منزوی» به معنای کشوری است که خود را از جهان جدا می‌کند و سال‌ها برای توصیف کره شمالی به کار رفته است.



گرسنگی و مرگ

«دلیا رامرز» نماینده دموکرات کنگره آمریکا، در اظهاراتی خاطرنشان کرد: «محاصره‌ای که بنیامین نتانیا‌هو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) بر غزه اعمال کرده، باعث شده کودکان بی‌گناه فلسطینی با گرسنگی و مرگ دست و پنجه نرم کنند و این وضعیت باید فوراً خاتمه یابد.» این نماینده دموکرات کنگره آمریکا تصریح کرد، به همراه بیش از ۱۰۰ نفر از همکارانش در کنگره از دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درخواست کرده‌اند تا موانع پیش روی مسیر ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه را از میان بردارد و راه را برای ورود فوری مواد غذایی و تجهیزات پزشکی و دارو هموار کند.



یادداشت

تورم علیه تولید

حسین محمودی اصل

کارشناس اقتصادی



رشد و جهش تولید همواره یکی از اصلی‌ترین شعارهایی بوده که طی سال‌های گذشته مطرح و بر روی آن تأکید شده است. با این حال، آنگونه که باید و شاید شاهد رشد و جهش تولید برای افتادن در مسیر درآمدزایی، صادرات و رشد اقتصادی نبوده‌ایم.

بی‌شک عوامل متعددی مانع رشد و جهش تولید شده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها را می‌توان افزایش میزان دانست. شاید در نگاه اول سیاست‌مداران اینگونه گمان نمی‌کردند که ولنگاری در برابر افزایش رشد نقدینگی، بی‌توجهی به رشد کسری بودجه و بی‌اعتنایی به افزایش میزان تورم چنان آثار سوئی بر تولید داشته باشد؛ اما واقع امر این است که در وهله اول تولید از بالا رفتن میزان تورم آسیب می‌بیند.

طی سال‌های گذشته با افزایش تورم روند رشد تولید نیز کاهشی چشمگیر داشته است. با اینکه تولید راهکار مهم رشد اقتصادی کشور و درآمدزایی جامعه است، اما اثرات تورم در این حوزه بسیار منفی عمل می‌کند؛ زیرا در نهایت از دست رفتن تولید و کاهش تولید و به تبع آن کاهش صادرات را رقم می‌زند.

آنچه در این موضوع بسیار حائز اهمیت است اینکه اثر تورم روی تولید به نسبت سایر بخش‌ها خود را در اسرع وقت و به شکل متمایزی نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تورم را می‌توان ناشی از ناترازی بین افزایش نقدینگی و افزایش تولید عنوان کرد، تا زمانی که زمینه‌های لازم برای سودآور کردن تولید فراهم نشود و تورم به شکل صحیحی کنترل و کاهش نیابد، شاهد رشد تولید نیز نخواهیم بود.

مدیریت نقدینگی، جلوگیری از کسری بودجه که متأسفانه هر سال نسبت به سال قبل بیشتر می‌شود، موضوعات بسیار مهمی هستند که باید برای آن راهکاری اساسی اندیشید؛ زیرا در صورت وجود کسری‌های بزرگ بودجه‌ای و نقدینگی که به سمت فعالیت‌های مولد حرکت نمی‌کند، نمی‌توان انتظار داشت تولید رشد کند تا به همان میزان شاهد درآمدزایی و رفاه مردم جامعه باشیم.

آنچه در این حوزه بسیار حائز اهمیت است، برنامه‌ریزی اصولی و عملی برای هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید است. این موضوع نیز محقق نمی‌شود مشروط به اطمینان خاطر نسبت به سرمایه‌گذاری در اقتصاد؛ زیرا بین سرمایه‌گذاری در تولید و فضای آرام سیاسی و اقتصادی کشور رابطه معناداری وجود دارد.

گفتنی است، متناسب با افزایش نقدینگی باید تولید داشته باشیم؛ در غیر این صورت سیل نقدینگی که صرف فعالیت‌های تورم‌زا و سفته‌بازی شود، به اقتصاد کشور آسیب می‌زند. هر چند فضای متشنج اقتصادی زمینه‌ساز کاهش سرمایه‌گذاری است، اما با این حال سیاست‌ها باید به گونه‌ای اتخاذ شوند که در نهایت آرامش به فضای اقتصادی و سیاسی کشور بازگردد تا راهی برای حرکت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولد باز شود.

ساحل عباسی

خبرنگار

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق گفت: «قطع به یقین با ارقامی که از حذف یارانه دهک‌های هشت تا ده ایجاد می‌شود، نمی‌توان کار خاص و شاخصی در راستای حمایت از تولید به عمل آورد، اما می‌توان در تأمین معاش و افزایش کالاها یا مبلغی که برای کالا برگ در نظر گرفته می‌شود، کاری صورت داد.»

«یحیی آل‌اسحاق»، رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق در گفت‌وگو با «صبح صادق» در خصوص آخرین صحبت‌های وزیر کار درباره حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی و توزیع یارانه‌ها به صورت کالا برگ در بین اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه به چند نکته در زمینه هدف نهایی پرداخت یارانه و هدفمندسازی یارانه‌ها که بنا به دلایلی تا امروز محقق نشده، اشاره کرد و گفت: «در دولت آقای احمدی‌نژاد که موضوع هدفمندی یارانه‌ها اجرایی شد، بر این موضوع تأکید شد که بخش قابل توجهی از درآمد حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها باید به تولید اختصاص یابد؛ با ذکر این موضوع که دولت از معیشت اقشار ضعیف جامعه تا جای ممکن حمایت می‌کند و این حمایت چه در بخش تولید و معیشت خانوارها به صورت پلکانی افزایش می‌یابد.»

وزیر اسبق بازرگانی در این باره تأکید کرد: «با اینکه بخشی از درآمد هدفمندسازی یارانه‌ها قرار بود صرف توانمندسازی تولید شود، اما این موضوع محقق نشد؛ زیرا عدم مدیریت مطلوب و بی‌توجهی به سیاست‌گذاری یا اجرای درست و کامل سیاست‌ها، موانع بسیار بزرگی پیش روی تزریق درآمدهای حاصل از هدفمندسازی یارانه‌ها به بخش تولید قرار داد.»

آل اسحاق در ادامه بحث افزود: «از ابتدای امر قرار بر این بود که بخشی از درآمد هدفمندسازی

انرژی به عنوان یارانه نقدی به اقشار ضعیف و دهک‌های کم درآمد که از آنها به اقشار آسیب‌پذیر یاد می‌شود، داده شود تا در گذران امورات زندگی سختی‌های قابل توجهی متحمل نشوند، بنابراین اصل موضوع تخصیص یارانه ناظر بر واریز به حساب سرپرستان خانوارهای کم درآمد و نه عموم مردم جامعه بود.»

وی در این باره بیان داشت: «تخطی از این موضوع را می‌توان یکی از مهم‌ترین ایرادات اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها عنوان کرد. وقتی سیاست‌ون گرد هم جمع شدند و با ادله‌های خاص خود تر جیح دادند به جای انجام کار درست، یعنی تزریق درآمدها به بخش تولید و حمایت از معیشت دهک‌های خاصی از مردم، یارانه نقدی به عموم مردم جامعه اختصاص بیابد، بدین معناست که از همان ابتدای امر در موضوع هدفمندسازی و تخصیص یارانه راه درست طی نشد.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق تصریح کرد: «به تدریج همه مردم حتی دارندگان درآمدهای بالا که در اصل نباید یارانه نقدی به آنها تعلق می‌گرفت نیز به جمع دریافت‌کنندگان و متقاضیان دریافت یارانه پیوستند، در حالی که انصاف نبود یارانه نقدی به دارندگان درآمدهای بالا داده شود؛ اما متأسفانه این موضوع شکل عام پیدا کرد و حتی وقتی در دولت بعدی پوشی برای انصراف از دریافت یارانه ایجاد شد، شاهد بودیم که با استقبال مواجه نشد و تعداد خیلی کمی به صورت داوطلبانه از دریافت یارانه نقدی انصراف دادند.»

وی خاطر نشان کرد: «جریان‌های سیاسی به خاطر سیاسی‌کاری و اخذ رأی و مسائلی از این دست در دولت‌های مختلف یارانه نقدی را به عموم مردم پرداخت کردند، به این دلیل دیگر پولی برای حمایت از تولید باقی نماند. بنابراین سهم تولید پرداخت نشد ضمن اینکه با افزایش نرخ تورم و اثری که تورم در معیشت مردم دارد، ارزش یارانه نقدی به گونه‌ای نبود و نیست که بتواند حداقل بخش کوچکی از نیازهای مردم را

تأمین کند.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق بیان داشت: «به هر حال دولت‌ها با توجهات متفاوتی یارانه نقدی را به عامه مردم اختصاص دادند، در حالی که انصاف نبود و نیست که اقشار مرفه جامعه یارانه نقدی دریافت کنند؛ اما در عمل افرادی که مستحق دریافت نیستند، بلکه براساس اعلام برخی از مسئولان گاهاً افرادی که ساکن ایران نیستند و سال‌هاست در خارج از کشور زندگی می‌کنند نیز یارانه نقدی دریافت می‌کنند. امروز که درآمدهای نفتی دولت به دلیل تحریم‌ها کاهش یافته و دست دولت در پرداخت یارانه نقدی بسته است و بودجه کشور اقتضای تأمین یارانه بیش از هفتاد میلیون نفر را نمی‌کند، باید برای برون‌رفت از این وضعیت چاره‌ای اندیشید.»

یحیی آل‌اسحاق گفت: «متأسفانه روند افزایش تورم طی سال‌های اخیر قابل توجه بوده است، به نحوی که روی کاهش قدرت خرید مردم در مقایسه با یک دهه گذشته اثرات منفی قابل توجهی به جا گذاشته است؛ از این رو بخش حمایتی از دهک‌های واقعاً نیازمند جامعه باید تقویت شود تا حداقل از نظر تأمین معاش مردم اطمینان خاطر فراهم شود که بخشی از اساسی‌ترین نیازهای مردم می‌تواند تأمین شود.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق خاطر نشان کرد: «قطع به یقین بسا ارقامی که از حذف یارانه دهک‌های هشت تا ده ایجاد می‌شود، نمی‌توان کار خاص و شاخصی در راستای حمایت از تولید به عمل آورد؛ اما می‌توان در تأمین معاش و افزایش کالاها یا مبلغی که برای کالا برگ در نظر گرفته می‌شود، کاری صورت داد.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی یادآور شد: «دولت باید تلاش کند به هر نحوی که شده سیستمی طراحی کند که قدرت خرید مردم به‌خصوص اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه افزایش یابد. با توجه به اینکه متأسفانه افزایش قیمت کالاها و اساسی طی یک سال گذشته

شاخص

سقوط تسلا

آمار منتشر شده نشان می‌دهد که فروش خودروهای «تسلا» در اتحادیه اروپا طی ماه ژوئیه نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۲/۴ درصد سقوط کرد و این در حالی بود که بازار خودروهای برقی این منطقه با شتاب بیشتری در حال رشد بوده است. بر اساس آمار منتشرشده از سوی انجمن خودروسازان اروپا، این شرکت آمریکایی تحت مدیریت ایلان ماسک ماه گذشته تنها ۶۶۰۰ خودرو در اتحادیه اروپا فروخت، در حالی که در ژوئیه ۲۰۲۴ این رقم ۱۱ هزار و ۴۶۵ دستگاه بود. در کل قاره اروپا فروش تسلا با کاهش ۴۰/۲ درصدی به ۸ هزار و ۸۳۷ دستگاه رسید.



منهای نفت

۲۱ هزار تن

استان بوشهر به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده میگو پرورشی کشور و با بهره‌مندی از صیدگاه‌ها متعدد در خلیج فارس نقش محوری در تولید و صادرات انواع آبزیان دارد به گونه‌ای که در سال گذشته بیش از ۲۱ هزار و ۱۲۶ تن انواع آبزیان شامل ۱۳ هزار و ۵۰۱ تن میگو پرورشی و ۷ هزار و ۴۴۷ تن ماهیان دریایی تحت نظارت‌های بهداشتی و قرنطینه‌ای دامپزشکی استان بوشهر به بازارهای جهانی صادر شد. محصولات آبزیان استان بوشهر به استونی، روسیه، چین، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و مالزی، ترکیه، ارمنستان، تایلند، کره جنوبی، لبنان، گرجستان، قزاقستان، پاکستان و ویتنام صادر می‌شود.



رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق در گفت‌وگو با صبح صادق

هدفمندسازی یارانه‌ها تولید را تقویت نکرد!



نسبت به بقیه کالاها بیشتر بوده، به نحوی که آمارها حاکی از آن است که اگر تورم ۴۰ درصد محاسبه شده نرخ تورم در ارزاق عمومی بسیار بیشتر بوده و حتی تا ۷۰ درصد است؛ لذا قدرت خرید مردم تحت فشار زیادی قرار گرفته است؛ از این رو بخش مهمی از برنامه‌ریزی دولت باید روی تقویت قدرت خرید مردم گذاشته شود.»

وزیر اسبق بازرگانی تأکید کرد: «در حال حاضر مناسب‌ترین رویکرد و سیاستی که دولت در قبال حمایت از معیشت مردم باید به کار گیرد، آن است که درآمدهای حاصل از حذف سه دهک بالای درآمدی را به صورت کالا برگ به اقشار ضعیف جامعه تخصیص دهد. تخصیص کالا برگ به دلایل اقتصادی بهتر از تخصیص یارانه است؛ زیرا مانع افزایش تورم ناشی از بالا رفتن رشد نقدینگی می‌شود.»

وی بیان داشت: «بسا اینکه از یارانه‌ها باید سهمی برای تولید قائل شد، اما امروز نمی‌توان انتظار داشت از بخش یارانه‌ها تولید جان بگیرد و تزریق مالی شود و تقویت تولید صورت بگیرد. برای تولید باید کار دیگری کرد، لذا بهتر است منابع ایجاد شده از حذف یارانه دهک‌های بالای درآمدی صرف حمایت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر شود.»

آل‌اسحاق در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «برای رونق و رشد تولید باید سیاست‌های دیگری در دستور کار قرار بگیرد؛ سیاست‌هایی ناظر بر محورهای اقتصاد مقاومتی با تأکید بر نظارت مستمر، زیرا نبود نظارت مستمر ما را به نقطه امروز می‌رساند. با اینکه سیاست‌ها و برنامه‌های خوبی برای رشد تولید داشته‌ایم، اما چون نظارتی نبوده و کسی نیز پاسخگویی کم‌کاری‌های موجود نبوده است، امروز تولید در وضعیت خوبی قرار ندارد. بنابراین از محل حذف یارانه‌ها نمی‌توان امیدوار به رشد تولید بود، بلکه تقویت تولید را باید از مسیرهای دیگری دنبال کرد.»

افزوده

هزینه استهلاک

دارایی‌های ثابت با گذشت زمان با استفاده از آنها، دچار کهنگی و فرسودگی می‌شوند و به تدریج فایده خود را از لحاظ انجام دادن عملیات از دست می‌دهند. حسابداری سعی می‌کند این کاهش فایده‌رسانی دارایی‌های ثابت را به روش معقول و منطقی محاسبه کند که به آن «هزینه استهلاک» می‌گویند. در واقع، هزینه استهلاک عبارت است از تخصیص مبلغ استهلاک‌پذیر به دارایی‌های ثابت شرکت برای یک دوره مالی. هزینه استهلاک در صورت سود و زیان به منزله هزینه غیرنقدی شناخته شده که سود خالص شرکت را کاهش می‌دهد. هزینه استهلاک یک هزینه غیر نقدی به شمار می‌آید.



توکل یعنی چه؟

گفتاری از **حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت یزدی**



بیاید. پیامبر(ص) که یقین داشتند. اینجا یعنی طلب مرگ یا مثلاً داریم که «وَ كُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ؛ حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ»(مدرک/۴۶ و ۴۷) کفار می‌گویند ما روز قیامت را تکذیب می‌کردیم تا اینکه یقین آمد. یقین آمد، یعنی مرگ آمد. آن یقین به درد انسان نمی‌خورد. حالا برای اینکه ما بیشتر عاشق یقین بشویم و برای آن دست و پا بزنیم، برای آن تلاش کنیم، کمی هم باید به

و یک جراح خود را تسلیم می‌کنیم؟ وقتی معرفت داشته باشیم، اعتماد داشته باشیم. پس دینداری ما هم متوقف به همین است. البته در ابتدا عرض کردیم هیچ کس به یقین نمی‌رسد و باید یک روندی را طی کند. یک سیر هست و باید پله پله این را برود. یقین موجب نورانیت هست. باز در یکی از حکمت‌های نهج‌البلاغه داریم «تَوَرَّ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينُ»؛ یقین سبب می‌شود که قلب انسان، جان انسان نورانی شود. در روایت داریم: «التَّوَكُّلُ مِنْ قُوَّةِ الْيَقِينِ»؛ آنهایی که به قوت یقین، قوت ناشی از یقین دست پیدا کردند، اینها اهل توکل هستند. توکل یعنی چه؟ یعنی تدبیر داشته باشید. برنامه‌ریزی داشته باشید. تلاش خود را بکنید، اما دلشوره نداشته باشید. این توکل می‌شود. توکل یعنی نتیجه‌را به خدا بسپارید. دلشوره نداشته باشید. آینده را به خدا بسپارید. چه زمانی به خدا بسپارید؟ بعد از برنامه‌ریزی، بعد از تلاش؛ بنابراین هر چه معرفت بیشتر، توکل بیشتر. مایخیلی وقت‌ها چوب ترس خود را می‌خوریم. چون توکل نداریم اقدام نمی‌کنیم. توکل چِرا نداریم؟ چون معرفت نداریم. چون اعتماد نمی‌توانیم بکنیم....

ثمرات یقین توجه کرد. فواید یقین. در روایت هست: «الإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ» در نهج‌البلاغه در حکمت ۱۲۵ هست که اصلاً انسان دل خود را، فکر خود را، وجود خود را تسلیم حکم خدا کند. بعد می‌فرمایند تسلیم هم همان یقین است؛ یعنی اگر انسان به معرفت نرسد، با تردید نگاه کند خود را تسلیم نمی‌کند. دقیقاً ما چه زمانی در برابر یک پزشک

اگر کسی روح قوی و قلب قوی می‌خواهد، راه آن یقین است. یقین هم یعنی معرفتی که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست و آرزوی هر مؤمنی باید این باشد که یک روز ان‌شاءالله به این درجه برسد. البته قبل از مردن. یعنی بالاخره یک یقین جبری برای همه با مردن اتفاق می‌افتد. وقتی انسان می‌میرد، حقایق برای او آشکار می‌شود. «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ»(اسراء/۷۲) هر که در دنیا کور است؛ یعنی به معرفت نرسیده است و در آخرت هم کور است. برای اینکه این اتفاق نیفتد آنجا باید معرفت پیدا کرد، آن هم از جنس یقین، یعنی معرفتی در اوج. دقیقاً مثل آن چشمی که به جنین در رحم مادر می‌دهند اگر آنجا آن چشم را پیدا نکند، اینجا این چشم او رشد نمی‌کند و کور است. آن دست و پا را در رحم مادر به جنین می‌دهند تا اینجا رشد کند. چشم عالمی که در پیش داریم باید این را پیدا کنیم و آن چشم با معرفت حاصل می‌شود. یعنی آنهایی که کور هستند بی‌معرفت هستند و لذا اینکه گفتیم یقین جبری اتفاق می‌افتد، اصلاً از مرگ تعبیر به یقین هم شده است. «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»(حجر/۹۹) بندگی کن تا برایت یقین

دستور برای جهادی آگاهانه

حرفی زد هم باید آن را بررسی و نقد کنند و اگر لازم بود به چالش بکشد. برای نمونه، سخن مارکس که گفت «دین افیون توده‌هاست» باید بررسی شود. مارکس حرفش این بود که در جوامع طبقاتی، دین گاهی به ابزاری تبدیل می‌شود که مردم رنج‌کشیده به وسیله آن دردهای خود را آرام می‌کنند، بدون اینکه برای تغییر واقعی شرایط زندگی‌شان اقدامی کنند! یعنی همان‌طور که افیون درد جسمی را موقتاً کم می‌کند و درمان نیست، دین هم می‌تواند وسیله‌ای برای آرام‌کردن و تسلیم‌کردن مردم باشد. این نگاه مارکس بیشتر به تجربه مسیحیت کلیسایی در اروپا برمی‌گردد که با قدرت‌های سیاسی و طبقاتی همراه شده بود و مردم را به صبر منفعل و پذیرش وضع موجود دعوت می‌کرد؛ اما در مورد اسلام، ماجرا کاملاً تفاوت دارد. اسلام دینی است که نه تنها مردم را به جهل و انفعال دعوت نمی‌کند، بلکه مدام بر علم، اندیشیدن، پرسشگری، مبارزه با ظلم و تلاش برای اصلاح شرایط تأکید دارد. قرآن بارها از انسان می‌خواهد تعقل کند و از پیروی کورکورانه پرهیزد و پیامبر اسلام(ص) و امامان شیعه(ع) نیز خودشان علیه ظلم و بی‌عدالتی قیام کرده‌اند. بنابراین، نگاه مارکس درباره دین، بیش از آنکه به حقیقت همه ادیان بپردازد، نقدی به شکل خاصی از دین تحریف شده و ابزار قدرت است و با اسلام به معنای اصیل آن، که دین آگاهی، عدالت و حرکت است، نسبتی ندارد. در قرآن و روایات شواهد فراوانی هست که

نشان می‌دهد اسلام به عکس آنچه مارکس درباره دین تحریف‌شده می‌گفت، نه افیون، بلکه بیدارکننده و محرک انسان‌هاست. مثلاً قرآن بارها انسان‌ها را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»؛ آیا در قرآن نمی‌اندیشند یا بر دل‌های‌شان قفل زده شده است؟(محمد/۲۴) این آیه نشان می‌دهد، اندیشیدن شرط ایمان واقعی است. همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»؛ چیزی را که به آن علم نداری دنبال نکن.(اسراء/۳۶) این دعوت مستقیم به دوری از تقلید کورکورانه و زودبوری است. در بعد اجتماعی هم قرآن می‌گوید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ»؛ چرا در راه خدا و برای نجات مستضعفان نمی‌جنگید؟(نساء/۷۵) این آیه دقیقاً بر خلاف نگاه منفعلانه است و مردم را به قیام برای آزادی مظلومان فرا می‌خواند. امام علی(ع) نیز در نهج‌البلاغه بارها مردم را از پذیرش ظلم نهی کرده است. عمل اهل بیت(ع) نشان می‌دهد، اسلام به هیچ‌وجه افیون مردم نیست، بلکه نیرویی است که آنان را از خواب غفلت بیدار می‌کند و به مقاومت و عزت می‌رساند. بنابراین، اگر کلیسا در زمان مارکس مردم را به صبر منفعل و سکوت در برابر قدرت‌ها فرا می‌خواند، اسلام اصیل دقیقاً مردم را به آگاهی، پرسشگری، علم و مبارزه با ظلم دعوت می‌کند. بهترین شاهد برای نقض استدلال مارکس است. اگر دین همیشه و ذاتاً «افیون توده‌ها»

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



برخی افراد فلسفه می‌خوانند برای منافع آن، اما نمی‌دانند فلسفه‌خوانی با فلسفه‌داننی متفاوت است. فلسفه خواندن به ما یاد می‌دهد عمیق‌تر فکر کنیم و زودتر به ریشه مشکلات برسیم. وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شویم، به‌جای اینکه فقط ظاهرش را ببینیم، می‌توانیم بفهمیم از کجا شروع شده و چرا به وجود آمده است؟ فلسفه ذهن ما را قوی‌تر می‌کند تا با منطق و آرامش تصمیم بگیریم و در دام احساسات یا حرف‌های بی‌پایه نیفتیم. همچنین کمک می‌کند بفهمیم اختلاف‌ها معمولاً از تفاوت در باورها و ارزش‌ها می‌آید و این سبب می‌شود راحت‌تر با دیگران گفت‌وگو کنیم. از طرفی پرسش‌هایی که فلسفه مطرح می‌کند، مثل اینکه زندگی خوب چیست یا عدالت یعنی چه؟ مستقیماً به انتخاب‌های روزانه ما مربوط می‌شوند. در این دنیای پر از تبلیغات و اخبار دروغ هم فلسفه کمک می‌کند مغالطه‌ها و فریب‌ها را بشناسیم. این فقط در مورد حرف‌های عادی و استدلال‌های غیر فلسفی نیست؛ بلکه درباره سخنان خود فلاسفه هم مصداق دارد؛ یعنی برای کسی که فلسفه می‌خواند، هر حرفی قابل بررسی و استدلال و نقد است. حتی اگر فیلسوفی

توقف معنا ندارد

آیت‌الله علی فروغی: اکثر انسان‌ها سست و تبیل هستند، وقتی دو رکعت نماز می‌خوانند یا کار کوچکی انجام می‌دهند! چند مرتبه که به زیارت می‌روند، می‌گویند بس است! اما پروردگار عالم به شاگرد خصوصی سخت‌کوش خود می‌فرماید: «پایان هر کاری، آغاز کار تو باشد. وقتی از کاری فارغ شدی، آن زمان نقطه آغاز کوشش توست. تلاش کن! نکند در جایی توقف کنی و بگویی بس است. در سیر الی الله نقطه ایستا نداریم و توقف معنا ندارد!» گرچه وصالش نه به کوشش دهند؛ هر قدر ای دل که توانی بکوش.



بود، باید مسلمانان در برابر ظلم و استعمار ساکت می‌مانند؛ اما تاریخ سده اخیر نشان می‌دهد اسلام برای مردم نیرویی بیدارکننده و انقلابی بوده است. برای نمونه، در جریان انقلاب اسلامی ایران، دین و آموزه‌های اسلامی موتور اصلی حرکت مردم علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی بود. میلیون‌ها نفر با الهام از قرآن و سیره امام حسین(ع) به میدان آمدند و رژیمی که پشتوانه قدرت‌های بزرگ جهانی داشت، سرنگون کردند. این اتفاق نشان داد دین می‌تواند مردم را از انفعال بیرون بیاورد و به مقاومت و تغییر اجتماعی برساند. در فلسطین نیز مبارزه مردم علیه اشغالگری صهیونیست‌ها نمونه روشن دیگری است. گروه‌های مقاومت اسلامی مانند حماس و جهاد اسلامی انگیزه اصلی خود را از آموزه‌های دینی گرفته‌اند و همین ایمان دینی است که به مردم غزه توان ایستادگی در برابر یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان را داده است. اگر دین افیون بود، مردم فلسطین باید از مقاومت دست می‌کشیدند، اما ایمان آنان به سلاحی روانی و اجتماعی تبدیل شده است. همچنین در لبنان، شکل‌گیری حزب‌الله و مقاومت مردم‌در برابر تجاوزهای رژیم صهیونیستی، یک نمونه تاریخی دیگر است. جوانانی که توانستند ارتشی را که شکست‌ناپذیر معرفی می‌شد، به عقب‌نشینی وادار کنند و نمونه‌های بسیاری دیگر.... دین اسلام مسلمانان را برای مبارزه‌ای آگاهانه تعلیم داده و آنان را از افراط و تفریط پرهیز می‌دهد.

بهترین!

ازدواج حضرت محمد(ص) با حضرت خدیجه(س) در ۱۰ربیع‌الاول سال ۱۵ قبل از هجرت بود. حضرت خدیجه با اینکه مردان ثروتمندی از قریش از او خواستگاری کرده بودند؛ ولی شیفته‌دستکاری و امانتداری پیامبر(ص) شده بود. ایشان افزون بر ثکرت اموال به عقل و کیاست نیز شهرت داشت. پیامبر(ص) در مورد حضرت خدیجه(س) می‌فرمایند: «به خدا قسم بهتر از خدیجه(س) نصیب من نشد. او به من ایمان آورد هنگامی‌که مردم کافر بودند، و تصدیق نبوت من نمود در وقتی که مردم مرا تکذیب می‌کردند و اموال خود را در اختیار من گذارد در وقتی که مردم مرا از خود دور می‌کردند.»



دین

شماره ۱۲۰۲ | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

صداقت

بزرگ‌ترین خیانت!

سیدمرتضی رضایی

کارشناس علوم اسلامی

آیه شریفه «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَئِشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره/ ۷۹) بیان‌کننده یکی از انحراف‌های بزرگ اهل کتاب در تاریخ است که به دست خود متونی را می‌نوشتند و آن را به خداوند نسبت می‌دادند تا از این راه منافع مالی، جایگاه اجتماعی یا قدرت سیاسی به دست آورند. قرآن کریم در این آیه با شدت و تکرار سه باره کلمه «ویل» که نشانه عذابی سخت و خطری بزرگ است، چنین رفتاری را محکوم می‌کند. از نگاه این آیه، منزله ابزار معاش، نه تنها خیانتی در حق دین است، بلکه خیانتی بزرگ در حق انسان‌ها و حقیقت به شمار می‌آید. حال با توجه به این بیان الهی می‌توان دریافت که کسانی هم که قرآن را، نه به عنوان کتاب هدایت، بلکه وسیله‌ای برای کسب درآمد و تجارت قرار می‌دهند، در وضعیتی بسیار خطرناک و هولناک قرار دارند و در معرض همان وعیدی هستند که خداوند درباره تحریف‌کنندگان کتاب‌های آسمانی فرموده است. نخست باید دقت داشت که مقصود قرآن از این هشدار، تنها تحریف‌کنندگان تورات و انجیل در گذشته نیست، بلکه قاعده‌ای کلی است و شامل هر کسی در هر زمان می‌شود که کلام خدا را دست‌مایه منافع شخصی قرار دهد. قرآن کتاب هدایتی است که مأموریت اصلی‌اش بیرون کشیدن انسان‌ها از تاریکی‌ها به سوی نور است. اگر کسی این کتاب را به جای آنکه راهنمای زندگی بداند، وسیله‌ای برای جلب دنیا و جمع کردن مال و مقام قرار دهد، در حقیقت همان کاری را کرده است که اهل کتاب در گذشته کرده‌اند؛ یعنی تبدیل دین از یک حقیقت الهی به یک کالای دنیوی. در چنین شرایطی قرآن به جای آنکه نقش تربیتی و اصلاحی خود را ایفا کند، به‌ه ابزاری برای سوءاستفاده و فریبکاری تبدیل می‌شود. این بزرگ‌ترین خیانت به قرآن است. در طول تاریخ اسلام نیز نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت که عالم‌نماها، قرآن را دست‌مایه کسب درآمد یا جلب توجه مردم قرار داده‌اند. روایت‌های فراوانی از پیامبر اسلام(ص) و امامان اهل‌بیت(ع) رسیده که هشدار می‌دهند مبدا قرآن ابزار دنیا دوستی شود! اگر با این نگاه به وضعیت امروز برخی افراد بنگریم که قرآن را تجاری کرده‌اند، روشن می‌شود که آنان در زمره همان کسانی قرار می‌گیرند که خداوند در آیه مذکور تهدیدشان کرده است. وقتی تعبیر «ویل» در‌باره تحریف‌کنندگان کتاب خدا آمده، نشان می‌دهد که این گناه از بزرگ‌ترین گناهان است؛ زیرا تحریف دین یا استفاده ابزاری از آن، با سرنوشت هزاران انسان گره می‌خورد و آنان را از مسیر هدایت، منحرف می‌کند. یعنی هم به علت کار زشتی که مرتکب شدند و هم به دلیل درآمدی که از این راه به دست آوردند، در عذاب خواهند بود. بنابراین کسانی که قرآن را سرمایه تجاری و ابزار معاش قرار می‌دهند، هم از نظر عمل‌شان ملعون هستند و هم از نظر نتیجه و ثمره عمل‌شان که همان کسب مال ناحق است.

پرونده

شماره ۱۲۰۲ | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۰۴

مسابِق

غول بروکراسی

نگاهی به ضرورت

کوچک‌سازی دولت

دولت بزرگ

بهروری کوچک

سید پویا هاشمی

دبیر پرونده

یکی از موضوعات کلیدی اقتصاد ایران

که همواره محل بحث کارشناسان، سیاست‌گذاران و حتی افکار عمومی بوده، اندازهٔ دولت و پیامدهای آن بر کارایی و بهره‌وری است. در حالی که دولت در ایران کارفرمای اصلی شنخته‌می‌شود و حجم بالایی از مشاغل رسمی و اداری را در اختیار دارد، تجربه چند دهه اخیر نشان داده است که بزرگ بودن بدنه دولت لزوماً به بهبود کارآمدی منجر نشده، بلکه در بسیاری موارد، خود به عامل اصلی ناکارآمدی و کندی فرآیندها بدل شده است.

بر اساسی آمارهای رسمی، سهم قابل توجهی از بودجه عمومی کشور صرف هزینه‌های جاری و حقوق کارکنان دولت می‌شود؛ هزینه‌هایی که نه تنها بار مالی سنگینی بر دوش اقتصاد می‌گذارد، بلکه امکان سرمایه‌گذاری توسعه‌ای و زیرساختی را نیز کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، حجم بالای کارمندان در دستگاه‌های مختلف اجرایی، بدون تناسب با نیاز واقعی، پدیده‌ای به نام «اشتغال صوری» یا «اشتغال غیرمولد» را به وجود آورده که به جای افزایش راندمان، بهره‌وری را پایین آورده است.

این وضعیت، بسه ایران محدود نیست. بسیاری از کشورهای مشابه با اقتصاد نفتی یا دولتی، در مقاطعی با همین چالش روبه‌رو بوده‌اند و تلاش کرده‌اند از مسیر کوچک‌سازی و اصلاح ساختار اداری، به سمت حکمرانی چابک‌تر حرکت کنند. مرور تجربه کشورهای چون ترکیه، مصر و مالزی در این زمینه می‌تواند روشی کند که چه سیاست‌هایی به بهبود منجر شده و چه سیاست‌هایی نتیجه معکوس داده است.

پرونده حاضر تلاش دارد با نگاه تحلیلی و تطبیقی، ابعاد این موضوع را بررسی کند؛ از توصیف وضعیت موجود دولت در ایران و چالش‌های ناشی از بدنه بزرگ اداری گرفته تا مرور تجربه کشورهای مشابه و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح ساختار. این پرونده می‌کوشد پرسشی اساسی را پیش روی مخاطب قرار دهد: آیا کوچک‌سازی دولت، تنها یک شعار اصلاحی است یا می‌تواند راهکاری واقعی برای رهایی از چرخه ناکارآمدی و ارتقای بهره‌وری باشد؟



یکی از مهم‌ترین نقدهایی که به ساختار

اقتصادی ایران وارد می‌شود، **سهم بالای اندازه دولت** و پیامدهای آن بر کارایی و بهره‌وری است. در حالی که دولت در ایران **کارفرمای اصلی شنخته‌می‌شود** و حجم بالایی از مشاغل رسمی و اداری را در اختیار دارد، تجربه چند دهه اخیر نشان داده است که **بزرگ بودن بدنه دولت لزوماً به بهبود کارآمدی منجر نشده**، بلکه در بسیاری موارد، خود به عامل اصلی ناکارآمدی و کندی فرآیندها بدل شده است.

صرف پرداخت حقوق و دستمزد می‌شود، طبیعتاً سهم پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری

در زیرساخت‌ها کاهش می‌یابد. در نتیجه، رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت قربانی حجمی بودن دولت می‌شو.

● **سهم حقوق و دستمزد در بودجه**

آمارهای رسمی نشان می‌دهد، در بسیاری از سال‌ها، بین ۴۰ تا ۶۰ درصد بودجه عمومی کشور صرف پرداخت حقوق کارکنان دولت شده است. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، این سهم معمولاً کمتر از ۲۰ درصد است وبیش عمده منابع به سمت سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی، مانند بهره‌وری یا بهداشت، زیرساخت و فناوری هدایت می‌شود.

برای نمونه، در لایحه بودجه ۱۴۰۴، حدود یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار میلیارد تومان منابع عمومی پیش‌بینی شده که از این میان، نزدیک به ۹۰۰ هزار میلیارد تومان به حقوق و دستمزد کارکنان دولت اختصاص دارد. این رقم به‌تنهایی گویای فشار سنگینی است که دولت بزرگ بر منابع کشور وارد می‌کند.

● **مقایسه با کشورهای منطقه**

اگر ایران را با کشورهای منطقه مقایسه کنیم، تفاوت چشمگیر است. برای نمونه، در ترکیه سهم حقوق کارکنان دولت از کل بودجه کمتر از ۲۵ درصد است. در عربستان سعودی نیز با وجود درآمدهای بالای نفتی، طی یک دهه گذشته اصلاحات جدی برای کاهش بدنه دولت انجام شده وسهم هزینه‌های جاری به حدود ۳۰ درصد رسیده است. این مقایسه نشان می‌دهد، حتی کشورهایی که مانند ایران به درآمدهای نفتی متکی بوده‌اند، برای کوچک‌سازی دولت و افزایش کارایی قدم‌های عملی برداشته‌اند؛ اما در ایران به دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی، اصلاحات در این حوزه همواره نیمه‌تمام مانده است.

یکی از مسائل دیرینه و ریشه‌دار اقتصاد ایران، **حجم شدن دولت و انباشت نیروی انسانی در دستگاه‌های اجرایی** است. این موضوع تنها یک چالش اداری یا مدیریتی ساده نیست، بلکه به **پدیده‌ای ساختاری و همه‌جانبه تبدیل شده که پیامدهای آن در بودجه عمومی، بهره‌وری ملی، اشتغال و حتی فرهنگ اجتماعی** ایران دیده می‌شود. بسیاری از کارشناسان معتقدند بدون بازنگری جدی در اندازه و کارکرد دولت، حرکت به سمت توسعه پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود. پرسش اصلی اینجاست که چرا دولت در ایران تا این حد بزرگ شد و چرا کوچک‌سازی آن، با وجود طرح‌های متعدد، همواره ناکام مانده است؟

تاریخچه گسترش دولت در ایران

برای فهم چرایی بزرگ شدن دولت، باید نیم‌نگاهی به سیر تاریخی داشته باشیم. در دوران پهلوی دوم، هم‌زمان با جهش درآمدهای نفتی، دولت به سرعت به سمت تمرکزگرایی و مداخله در اقتصاد رفت. تأسیس شرکت‌های دولتی، گسترش وزارتخانه‌ها و وابسته کردن بخش بزرگی از اشتغال به بودجه عمومی، پایه‌های حجمی را بنا نهاد.

پس از انقلاب اسلامی با فروپاشی بخشی از ساختارهای قدیمی و نیاز به بازتوزیع عادلانه فرصت‌ها، اصلاحات گسترده در دستور کار قرار گرفت. در دهه ۶۰ و دوران جنگ تحمیلی، دولت ضمن برعهده

● **پیامدهای مالی دولت بزرگ**

۱- کاهش سهم بودجه عمرانی: در سال‌های اخیر، بخش پنهان آن، هزینه فرصت از دست رفته است. وقتی هزاران نفر در ادارات دولتی مشغول به کاری هستند که ضرورت یا بهره‌وری چندانی ندارد، در حقیقت بخشی از نیروی کار کشور به هدر می‌رود. ایسن نیروها می‌توانستند در بخش خصوصی و حوزه‌های تولیدی و خدماتی مشغول به فعالیت باشند و ارزش افزوده واقعی ایجاد کنند؛ اما امروز تنها بودجه مصرف می‌کنند، بی‌آنکه تناسبی میان هزینه و خروجی وجود داشته باشد.

۲- افزایش کسری بودجه: چون بخش عمده منابع صرف هزینه‌های جاری می‌شود، دولت برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مجبور به فعالیت باشد و ارزش افزوده واقعی ایجاد کنند؛ اما امروز تنها بودجه مصرف می‌کنند، بی‌آنکه تناسبی میان هزینه و خروجی وجود داشته باشد.

۳- وابستگی به نفت: بخش بزرگی از درآمدهای نفتی به جای سرمایه‌گذاری مولد، صرف هزینه‌های بزرگ به منزله «سیاه‌چاله بهره‌وری» یاد می‌کنند؛ جایی که منابع مالی و انسانی کشور بلعیده می‌شود، اما محصولی متناسب ارائه نمی‌شود.

● **مقایسه با کشورهای منطقه**

اگر ایران را با کشورهای منطقه مقایسه کنیم، تفاوت چشمگیر است. برای نمونه، در ترکیه سهم حقوق کارکنان دولت از کل بودجه کمتر از ۲۵ درصد است. در عربستان سعودی نیز با وجود درآمدهای بالای نفتی، طی یک دهه گذشته اصلاحات جدی برای کاهش بدنه دولت انجام شده وسهم هزینه‌های جاری به حدود ۳۰ درصد رسیده است. این مقایسه نشان می‌دهد، حتی کشورهایی که مانند ایران به درآمدهای نفتی متکی بوده‌اند، برای کوچک‌سازی دولت و افزایش کارایی قدم‌های عملی برداشته‌اند؛ اما در ایران به دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی، اصلاحات در این حوزه همواره نیمه‌تمام مانده است.



سیاه‌چاله بودجه

● **راهکارهای برون‌رفت**

کارشناسان برای کاهش هزینه‌های دولت و افزایش بهره‌وری چند راهکار اصلی پیشنهاد می‌کنند:

۱- دیجیتالی‌کردن خدمات عمومی: با هوشمندسازی فرآیندها، کارشناسان معتقدند این ساختار بودجه‌ای، کاهش می‌یابد.

۲- بازآموزی و انتقال نیروها به بخش خصوصی: به جای اخراج مستقیم، می‌توان کارکنان مازاد را با آموزش‌های جدید به بخش‌های مولد سوق داد.

۳- توقف استخدام‌های غیرضروری: تا زمانی که ورودی جدید کنترل نشود، کوچک‌سازی امکان‌پذیر نیست.

۴- شفافیت در بودجه دستگاه‌ها: بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی بودجه پنهان دارند که باید علنی شود تا تصمیم‌گیری دقیق‌تر انجام گیرد.

بودجه عمومی کشور امروز بیش از هر چیز تحت فشار دولت بزرگ و هزینه‌های جاری آن قرار دارد. این وضعیت مانند چرخه‌ای معیوب عمل می‌کند: دولت برای جلب رضایت اجتماعی نیرو استخدام می‌کند، هزینه‌ها بالا می‌رود، بودجه عمرانی و توسعه‌ای کاهش می‌یابد، کسری بودجه ایجاد می‌شود و در نهایت تورم بر زندگی همه مردم سایه می‌افکند. به همین دلیل، کوچک‌سازی دولت نه صرفاً یک انتخاب مدیریتی، بلکه ضرورتی اقتصادی و اجتماعی باای همه‌رساند. همچنین جامعه به «فرهنگ حقوق‌بگیری» عادت می‌کند؛ فرهنگی که در آن کارآفرینی، نوآوری و ریسک‌پذیری جایی خود را به انتظار برای عملی برداشته‌اند؛ اما در ایران به دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی، اصلاحات در این حوزه همواره نیمه‌تمام مانده است.

«بزرگ بودن دولت» سال‌هاست که یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران به شمار می‌آید. حجم بالای کارمندان، هزینه‌های جاری سنگین و بهره‌وری پایین، بخش قابل توجهی از توان مالی کشور را می‌بلعد؛ اما ایران تنها کشوری نیست که با این مسئله روبه‌روست. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه اقتصادهای نفتی با دولت‌محور، تجربه‌ای مشابه داشته‌اند. پرسش اینجاست: ایران در مقایسه با کشورهای، مانند ترکیه، عربستان سعودی، مصر و اندونزی چه وضعیتی دارد و مسیر اصلاح در آنها چگونه طی شده است؟

طبق آمار رسمی، بیش از دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در دستگاه‌های اجرایی ایران شاغل هستند و اگر نیروهای قراردادی، شرکنی و کارکنان شرکت‌های دولتی به آن اضافه‌شود، این عدد به حدود پنج میلیون نفر می‌رسد. این حجم‌بزرگ نیروی انسانی موجب‌شده سهم هزینه‌های جاری، به‌ویژه حقوق و دستمزد، در بودجه کشور بسیار بالا باشد.

در لایحه بودجه ۱۴۰۴، حدود نیمی از کل منابع عمومی دولت به پرداخت حقوق و مزایا اختصاص یافته است. کارشناسان معتقدند این ساختار بودجه‌ای، توان توسعه‌ای کشور را محدود کرده و عملاً بخش عمرانی را به حاشیه برده است. نتیجه آن، عقب‌ماندگی در زیرساخت‌ها و فشار مضاعف بر اقتصاد ملی است.

● **ترکیه؛**



اصلاحات تدریجی و دیجیتالی‌سازی ترکیه در دهه ۱۹۹۰ میلادی با بحرانی مشابه ایران مواجه بود. حجم بالای کارمندان دولت و کسری بودجه، این کشور را به سمت اصلاحات سوق داد. از اوایل دهه ۲۰۰۰، دولت ترکیه با دیجیتالی کردن خدمات عمومی و توقف استخدام‌های گسترده توانست حجم نیروی انسانی را مدیریت کند.

امروز در ترکیه حدود ۱/۴ میلیون نفر کارمند دولت وجود دارد، در حالی که جمعیت دولت اختصاص یافت و این روند به مرور جا افتاد. در برخی سال‌ها، بیش از نیمی از منابع عمومی صرف هزینه‌های جاری شده است، به گونه‌ای که سهم هزینه‌های عمرانی به شدت کاهش یافت. این به معنای مصرف منابع در پرداخت حقوق، به جای سرمایه‌گذاری در توسعه بوده است.

● **دلائل اجتماعی و فرهنگی**

در کنار عوامل اقتصادی، دلائل اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مهمی داشته‌اند. در جامعه ایران، همواره «شغل دولتی» گزینه‌ای امن و قابل اتکا شناخته می‌شود. امنیت شغلی، حقوق ثابت و مزایای بازنشستگی، موجب شده خانواده‌ها فرزندان خود را به سمت استخدام در دولت سوق دهند. این ذهنیت فشار زیادی بر دولت‌ها وارد کرده تا آزمون‌های استخدامی برگزار کرده و نیرو جذب کنند.

افزون بر این، در دوران‌های بحرانی یا نارضایتی اجتماعی، استخدام گسترده یکی از ابزارهای دولت‌ها برای آرام کردن فضای عمومی بوده است. این نگاه کوتاه‌مدت به استخدام، نه بر اساس نیاز واقعی سازمان‌ها، بلکه به منزله ابزار سیاسی و اجتماعی شکل گرفت.

تجربه

همسایگان

● **عربستان سعودی؛**

حرکت پدسوی چشم‌انداز ۲۰۳۰



عربستان سعودی تا یک دهه قبل با مشکلی مشابه ایران روبه‌رو بود: درآمدهای نفتی بدنه دولت را فربه کرده بود؛ اما از سال ۲۰۱۶ و با اجرای برنامه «چشم‌انداز ۲۰۳۰»، اصلاحات ساختاری در دستور کار قرار گرفت.

این اصلاحات شامل کاهش تدریجی هزینه‌های جاری، انتقال بخشی از خدمات دولتی به بخش خصوصی و جذب سرمایه خارجی بوده است. نتیجه این سیاست‌ها کاهش سهم هزینه‌های جاری از بیش از ۵۰ درصد به حدود ۳۰ درصد بودجه عمومی در سال ۲۰۲۳ بوده است. هرچند دولت هنوز حجمی است، اما روند اصلاح به‌طور محسوس آغاز شده و حمایت سیاسی در بالاترین سطح از آن وجود دارد.

● **مصر؛**

دولتی متورم‌تر از ایران



برخلاف ترکیه و عربستان، مصر هنوز نتوانسته موفقیت چندانی در کوچک‌سازی دولت به دست آورد. طبق آمار بانک جهانی، مصر بیش از ۶ میلیون کارمند دولتی دارد، در حالی که جمعیت آن مشابه ایران است.

هزینه‌های حقوق و دستمزد در مصر بیش از ۷۰ درصد بودجه عمومی را می‌بلعد. همین مسئله یکی از دلایل اصلی بدهی بالای دولت و تورم مزمن در این کشور عنوان می‌شود. دولت مصر بارها وعده کاهش نیرو و دیجیتالی‌سازی خدمات داده، اما به دلیل

● **اندونزی؛**

برخلاف ترکیه و عربستان، مصر هنوز نتوانسته موفقیت چندانی در کوچک‌سازی دولت به دست آورد. طبق آمار بانک جهانی، مصر بیش از ۶ میلیون کارمند دولتی دارد، در حالی که جمعیت آن مشابه ایران است.

هزینه‌های حقوق و دستمزد در مصر بیش از ۷۰ درصد بودجه عمومی را می‌بلعد. همین مسئله یکی از دلایل اصلی بدهی بالای دولت و تورم مزمن در این کشور عنوان می‌شود. دولت مصر بارها وعده کاهش نیرو و دیجیتالی‌سازی خدمات داده، اما به دلیل

● **پیامدهای بزرگ شدن دولت**

بزرگ شدن بیش از حد دولت پیامدهای گسترده‌ای بر اقتصاد و جامعه ایران داشته است. نخستین پیامد، بهره‌وری پایین است. بسیاری از سازمان‌ها و ادارات با چند برابر ظرفیت نیروی انسانی خود فعالیت می‌کنند، اما کار مفید و اثر بخشی آنها بسیار محدود است.

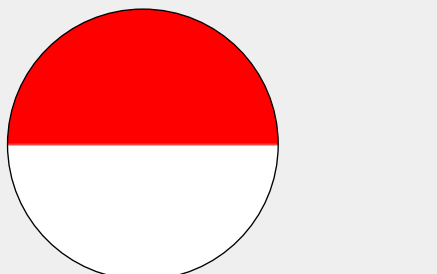
پیامد دوم، بار مالی سنگین بر بودجه عمومی است. سالانه بخش قابل توجهی از بودجه کشور صرف پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت می‌شود. این مسئله موجب شده منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش، بهداشت و توسعه فناوری باقی نماند. پیامد سوم، کند شدن چرخ اصلاحات اقتصادی است. دولتی که بدنه‌ای حجیم و پرهزینه دارد، انگیزه و توان کافی برای واگذاری امور به بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی ندارد. افزون بر این، مقاومت کارکنان و مدیران دولتی در برابر اصلاحات ساختاری، هرگونه اقدام برای کوچک‌سازی را دشوار کرده است.

در بعد اجتماعی نیز، دولت بزرگ به وابستگی بیشتر جامعه به منابع عمومی دامن زده است. در حالی که

فشارهای اجتماعی و نگرانی از اعتراضات، اصلاحات همواره به تعویق افتاده است.

● **اندونزی؛**

تجربه‌ای موفق در کاهش تصدی‌گری



اندونزی یکی از نمونه‌های موفق در میان کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. این کشور در دهه ۱۹۹۰ با بدنه‌ای سنگین و هزینه‌های جاری بالا مواجه بود، اما از اوایل دهه ۲۰۰۰ اصلاحات جدی آغاز شد. اصلاحات اندونزی شامل واگذاری خدمات به شهرداری‌ها و بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری در آموزش کارمندان و دیجیتالی کردن فرآیندها بود. نتیجه آن کاهش تدریجی نسبت کارکنان دولت به جمعیت و پایین آمدن سهم هزینه‌های جاری به زیر ۲۰ درصد بودجه عمومی بوده است. امروز اندونزی توانسته منابع بیشتری را به توسعه زیرساختی و فناوری اختصاص دهد.

● **مقایسه آماری**

ایران: حدود ۵ میلیون کارمند (رسمی و غیررسمی)، سهم حقوق و دستمزد در بودجه ۵۰ درصد.

ترکیه: ۱/۴ میلیون کارمند، سهم حقوق و دستمزد ۲۵ درصد.

عربستان سعودی: کمتر از ۲ میلیون کارمند، سهم حقوق و دستمزد ۳۰ درصد.

مصر: بیش از ۶ میلیون کارمند، سهم حقوق و دستمزد ۷۰ درصد.

اندونزی: حدود ۳/۸ میلیون کارمند، سهم حقوق و دستمزد ۲۰ درصد.

این ارقام نشان می‌دهد ایران از نظر حجم کارکنان و سهم هزینه‌های جاری، وضعیتی نزدیک به مصر دارد؛ یعنی از کشورهای هم‌رده خود عقب‌تر است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد، ایران در کنار مصر همچنان در دام دولت بزرگ گرفتار است، در حالی که ترکیه و عربستان کام‌هایی برای اصلاح برداشته‌اند و اندونزی تجربه‌ای موفق را پشت سر گذاشته است. نکته کلیدی در همه نمونه‌های موفق، اراده سیاسی، دیجیتالی‌سازی و اعتماد به بخش خصوصی بوده است. به نظر می‌رسد برای عبور از چالش دولت بزرگ، ایران باید از یکسو با استفاده از فناوری‌های نوین حجم نیروی انسانی خود را کاهش دهد و از سوی دیگر، فرهنگ حقوق‌بگیری و امنیت شغلی بی‌قیدوشرط را به سمت کارآفرینی و بهره‌وری سوق دهد. در غیر این صورت، سیاه‌چاله هزینه‌های جاری همچنان بخش اعظم توان مالی کشور را خواهد بلعید.

در بسیاری از کشورها، مردم خود را کارآفرین و تولیدکننده می‌دانند، در ایران بخش بزرگی از نیروی کار به حقوق‌بگیری از دولت عادت کرده است.

گذر به بحث کوچک‌سازی

مسرو روند تاریخی و دلایل اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد، بزرگ شدن دولت در ایران، نتیجه سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت یا یک دولت خاص نیست، بلکه نتیجه انباشتی از تصمیمات در طول دهه‌هاست. دولت برای پاسخ به بحران‌های گوناگون، چه جنگ، چه بیکاری و چه نارضایتی اجتماعی، راه‌حل سریع و ساده‌ای را به نام «استخدام» انتخاب کرده است. دسترسی به منابع نفتی نیز این امکان را فراهم کرده که چنین روندی بدون بحران مالی فوری ادامه یابد. اما امروز شرایط تغییر کرده است. کاهش درآمدهای نفتی، افزایش هزینه‌های جاری و نیاز مرم به توسعه پایدار، همه نشان می‌دهد ادامه این روند ممکن نیست. کوچک‌سازی دولت نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بقا و رشد اقتصادی کشور است. گزارش حاضر نشان داد چرا و چگونه دولت در ایران بزرگ شد؛ اما پرسش بعدی این است که این دولت بزرگ چه هزینه‌هایی بر اقتصاد کشور تحمیل کرده و کوچک‌سازی آن چه مزایایی خواهد داشت؟ موضوعی که در گزارش بعدی این پرونده بررسی می‌شود.

یادداشت

شاهنامه؛ چراغی برای آینده

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



«فردوسی» شاعر بلندآوازه ایرانی، بیش از ۳۰ سال از زندگی خود را برای خلق کتاب سترگ «شاهنامه» صرف کرد که با بیش از ۵۰ هزار بیت، تنها یک کتاب شعر نیست، بلکه میراثی گرانبها و سند هویت ملی ایرانیان است.

شاهنامه فردوسی با تأکید بر واژگان و اصطلاحات اصیل فارسی، نقشی حیاتی در حفظ و بقای زبان فارسی ایفا کرده است. در دوره‌ای که زبان فارسی تحت‌تأثیر واژگان بیگانه و نفوذ زبان‌های دیگر بود، شاهنامه همچون سدی محکم در برابر این جریان عمل کرد. فردوسی با خلق زبانی پاکیزه و استوار، نه تنها به زبان فارسی جانی دوباره بخشید، بلکه نشان داد که می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های درونی این زبان، حماسی‌ترین و بزرگ‌ترین داستان‌ها را روایت کرد. این زبان پویا و زیبا، تا به امروز زبان اصلی ادبیات، شعر و هنر در ایران باقی مانده و در گذر زمان، به یکی از غنی‌ترین و ماندگارترین زبان‌های جهان تبدیل شده است.

شاهنامه فراتر از یک اثر ادبی، یک منشور فرهنگی و سند تاریخی برای هویت ایرانی است. در زمانی که بسیاری از فرهنگ‌ها در برابر هجوم بیگانگان تسلیم شدند، شاهنامه با روایت قهرمانی‌ها و داستان‌های اسطوره‌ای، روح مقاومت و استقلال را در دل ایرانیان زنده نگه داشت. شاهنامه به ما می‌آموزد که هویت فرهنگی یک ملت، ستون اصلی استقلال و بقای آن است. کار بزرگ فردوسی در این اثر، تلفیق هویت ایرانی با ارزش‌ها و اعتقادات دینی و مذهبی است. سراینده شاهنامه با تیزهوشی و آینده‌شناسی، همان ابتدا با ستایش پیامبر اعظم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و ابراز نفرت از دشمنان دین و نبی و وصی، جهت فکری این اثر را مشخص کرده، محتوا و ماهیت این اثر و ستون فقرات هویت اصیل ایرانی را اعلام کرد.

شاهنامه فقط روایت گذشته نیست، بلکه ترسیمی از آینده است؛ آینده‌ای که در آن ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، میهن‌دوستی و برتری خیر بر شر همچنان زنده و پویا باقی بماند. فردوسی با آگاهی از این ضرورت، تاریخ و اساطیر ایران را در قالب یک حماسه ملی ثبت کرد تا در گذر زمان، این هویت ماندگار شود.

برای آنکه شاهنامه به منزله یک میراث زنده و پویا به نسل‌های آینده منتقل شود، لازم است از قالب سنتی خارج شده و در فرم‌های جدید هنری و رسانه‌ای ارائه شود. نسل جوان امروز با ابزارهایی مانند سینما، پویانمایی، بازی‌های ویدئویی و سریال‌های تلویزیونی ارتباط بیشتری برقرار می‌کند. بنابراین، ضروری است داستان‌های بی‌نظیر شاهنامه به فیلم‌های حماسی، سریال‌های تلویزیونی با کیفیت، انیمیشن‌های جذاب و بازی‌های کامپیوتری پر مخاطب تبدیل شوند. این اقتباس‌های نوین نه تنها موجب می‌شود شاهنامه از یک کتاب صرفاً درسی به یک اثر سرگرم‌کننده و جذاب تبدیل شود، بلکه امکان جهانی شدن این میراث را فراهم می‌آورد. می‌توان داستان‌هایی مانند رستم و سهراب، سیاوش، فریدون و ضحاک را با استفاده از فناوری‌های روز به گونه‌ای بازآفرینی کرد که هم‌زمان با جذب مخاطبان جهانی، ارزش‌های نهفته در این داستان‌ها نیز به آنها منتقل شود.

مهدی امیدی

خبرنگار

سریال «عملیات مهندسی» تازه‌ترین اثر امنیتی –تاریخی تلویزیون، که این روزها از شبکه سه سیما پخش می‌شود، تلاشی برای بازنمایی یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران، یعنی دهه ۶۰ خورشیدی است. دورانی که کشور افزون بر جنگ تحمیلی، با تهدیدهای داخلی گروهک‌های تروریستی، از جمله منافقین نیز دست و پنجه نرم می‌کرد. این مجموعه با تکیه بر اسناد و مستندات تاریخی، می‌کوشد روایت‌گر عملیات‌های پیچیده اطلاعاتی و امنیتی نیروهای ایرانی برای مقابله با اقدامات خشونت‌بار این گروهک باشد. «عملیات مهندسی» با کارگردانی «سروش محمدزاده» و فیلم‌نامه‌نویسی «حسین تراب‌نژاد» ساخته شده و مضمونی ملتهب و تراژیک و البته روایتی مهیج و پرفراز و نشیب دارد.

♦ بازسازی یک دوران، روایتی مستندگونه

یکی از نقاط قوت سریال «عملیات مهندسی» رویکرد واقع‌گرایانه و مستندگونه آن است. عوامل سازنده با وسواس و دقت فراوان، فضای دهه ۶۰ را به تصویر کشیده‌اند. طراحی صحنه و لباس، خودروهای قدیمی، تابلوهای خیابان‌ها و حتی جزئیات گرم و مدل مو، همه و همه به خوبی در خدمت بازآفرینی فضایی هستند که هم برای مخاطبان قدیمی یادآور خاطرات است و هم برای نسل جدید، تجربه‌ای ملموس از آن دوران ارائه می‌دهد. این توجه به جزئیات، سریال را از یک اثر صرفاً نمایشی فراتر برده و به آن اعتبار تاریخی بخشیده است.

گروه فرهنگ

صبح صادق

«پویانمایی» این هنر صنعت مدرن، دیگر تنها ابزاری برای سرگرمی کودکان نیست. دنیای امروز، پویانمایی را به رسانه‌ای استراتژیک برای انتقال پیام‌های عمیق، فرهنگی و حتی سیاسی تبدیل کرده است. در این میان، سینمای ایران نیز با آثاری چون «فرمانروای آب»، گام‌های بزرگی در این مسیر برداشته است. این پویانمایی سینمایی که پس از سال‌ها انتظار، به پرده سینماها رسیده، تلاشی است برای تلفیق مفاهیم ملی و مذهبی در قالب یک داستان هیجان‌انگیز و اکشن.

♦ یک پیش‌بینی

«فرمانروای آب» ماجرای گروهی از سربازان ایرانی را روایت می‌کند که مأموریت دارند کارشناس سازمان ملل را از دست یک گروه تروریستی –تکفیری در شهر سامرا نجات دهند.

در این میان، اهمیت پرداختن به چنین سوژه‌ای برای مخاطب امروز، به‌ویژه نسل جوان دو چندان است. بخش عمده‌ای از جوانان تنها نام این وقایع را شنیده‌اند و آگاهی عمیقی از فداکاری‌ها و مخاطراتی که برای حفظ امنیت کنونی کشور انجام شده، ندارند. «عملیات مهندسی» با به تصویر کشیدن این فداکاری‌ها، پلی میان گذشته و حال ایجاد می‌کند و به مخاطب یادآور می‌شود که امنیت و ثبات موجود، نتیجه تلاش و جان‌فشانی بسیاری از افراد است. این اثر نه‌تنها یک روایت سرگرم‌کننده، بلکه یک یادآوری تاریخی است که ارزش‌های شجاعت، وفاداری و همبستگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد.

بازی‌های قابل قبول بازیگران نیز به باورپذیری داستان کمک کرده است. «حمید گودرزی» در نقش شخصیت اصلی، هرچند از نظر فیزیک بدنی شاید گزینه‌ای ایده‌آل نباشد، اما تلاش خود را برای

نگاهی به تازه‌ترین مجموعه امنیتی - تاریخی رسانه ملی

مهندسی دوران خونبار



ایفای نقشی جدی در ژانری متفاوت به کار برده است. در مقابل، حضور بازیگران جوانی چون «مرتضی امینی‌تبار» در نقشی کاملاً متفاوت از کارنامه قبلی‌اش قابل توجه است. همچنین، حضور نام‌هایی چون «یوسف تیموری» و «علی دهکردی» با گرمی متفاوت، از دیگر نکات مثبت سریال در بخش بازیگری است.

♦ کلیشه‌ها و کندی ریتم روایت

با وجود تمام ویژگی‌های مثبت، «عملیات مهندسی» از کاستی‌هایی نیز رنج می‌برد. یکی از بارزترین این مشکلات، شخصیت‌پردازی سیاه و سفید است. شخصیت‌های اصلی، به‌ویژه نیروهای امنیتی، بیش از حد بی‌عیب و نقص تصویر شده‌اند که این رویکرد، اگر چه در راستای قهرمان‌پردازی است، از واقع‌گرایی اثر می‌کاهد و پیچیدگی‌های

نماینده‌ای از فطرت پاک در میان پیروان دیگر ادیان، به حقیقت نزدیک می‌شود و این پیام را منتقل می‌کند که نور حقیقت برای همه انسان‌های حق‌جو قابل درک است.

♦ نقاط ضعف

با وجود همه دستاوردهای فنی و محتوایی، «فرمانروای آب» از ضعف‌های مهمی نیز رنج می‌برد که بارزترین آنها ضعف فیلمنامه و قهرمان‌پردازی است. شخصیت اصلی، «فرید» به منزله یک قهرمان، به درستی پرداخته نمی‌شود. مخاطب هیچ تصویری از سیر تحول او نمی‌بیند و صرفاً با یادآوری نصیحت‌های پدرش، با او همراه می‌شود. افزون بر این، کل‌کل‌های مکرر میان شخصیت‌های تیم، تصویری ناخوشایند و غیرواقعی از جوانان نخبه نظامی ارائه می‌دهد که این شخصیت‌ها را برای مخاطب، به ویژه نوجوانان، غیردوست‌داشتنی می‌کند. فیلم در برخی موارد، با وجود پیشرفت‌های فنی، از پرداخت دقیق به شخصیت‌ها و روابط میان آنها باز مانده است.

بیش از صد هنرمند در بخش‌های گوناگون، از طراحی شخصیت تا نورپردازی و صداگذاری، نشان‌دهنده یک تلاش تیمی بزرگ و حرفه‌ای است که نتیجه‌اش اثری با استانداردهای قابل قبول جهانی است. همچنین، حضور صدایی‌شان شناخته‌شده‌ای، چون پوریا پورسرخ و میرطاهر مظلومی به شخصیت‌ها جان بخشیده و به جذابیت اثر افزوده است. موسیقی حماسی و تأثیرگذار آریا عظیمی‌نژاد نیز نقش مهمی در القای فضای پرهیجان و حساس داستان ایفا می‌کند.

«فرمانروای آب» با تلفیق مفاهیم ملی و میهنی با ارزش‌های غنی دینی، به خوبی قدرت و صلابت ایران و ایرانی را به تصویر می‌کشد. درنمایه اصلی فیلم بر محور نورانیت وجود مقدس امام زمان (عج) و پیروزی حق بر باطل بنا شده است. مفاهیم آخرالزمانی و ظهور منجی به‌شکلی ظریف و غیرمستقیم به مخاطب ارائه می‌شود، هرچند گاهی دیالوگ‌های تکراری شخصیت‌های مثبت، فیلم را در ورطه شعار می‌اندازد. یکی از نکات جالب فیلم، شخصیت «ماریا» است که به منزله

هرچند این پویانمایی چندین سال پیش ساخته شده، اما داستان آن به طرز عجیبی یادآور وقایع اخیر در منطقه و جهان است. این پیش‌بینی هوشمندانه، یکی از نقاط قوت اثر است که به آن بُعدی فراتر از یک داستان ساده می‌بخشد. فیلم با به تصویر کشیدن نقشه شوم گروه‌های تروریستی برای ایجاد جنگ مذهبی میان شیعه و سنی، به خوبی چهره پلید نیروهای پشت پرده همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی را آشکار می‌کند. صحنه‌هایی مانند جدال لفظی ژنرال آمریکایی و سناتور، به ظرافت نشان می‌دهد که حتی در میان خود نیروهای استکباری نیز برای دخالت نامشروع در امور دیگر کشورها، وحدت نظری وجود ندارد.

♦ فناوری با طعم ایرانی

یکی از دستاوردهای مهم «فرمانروای آب»، استفاده از فناوری موشن‌کپچر است. این فناوری که حرکات شخصیت‌ها را طبیعی و روان می‌سازد، به خوبی به دست هنرمندان ایرانی بومی‌سازی شده و به آن رنگ و بوی بومی بخشیده است. همکاری

کتاب

حق پنج

خاطرات گروه ضربت دادستانی



در مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد شهادت «اسدالله لاجوردی» دادستان انقلاب تهران از کتاب «حق پنج» نیز رونمایی شد. این کتاب روایتی از خاطرات منتشر نشده و مهم اعضای گروه ضربت دادستانی در مقابله با گروهک تروریستی منافقین در دهه ۶۰ است. گروه ضربت دادستانی یک

تیم اطلاعاتی – عملیاتی متشکل از برخی جوانان انقلابی با مسئولیت شهید لاجوردی بود که ضربات بسیار مهم و مؤثری را بر پیکره سازمان منافقین وارد می‌کند. نام این کتاب برگرفته از شناسه بی‌سیم شهید لاجوردی است.

سینما

طرح ملی

روایت جنگ تحمیلی ۱۲روزه



جلسه ارائه طرح‌ها و فیلمنامه‌های متقاضی ساخت فیلم با موضوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در «بنیاد سینمایی فارابی» برگزار شد. در پی فراخوان عمومی بنیاد سینمایی فارابی به منظور مشارکت اهالی سینمای ایران در ساخت فیلم با موضوع «جنگ تحمیلی ۱۲ روزه» اعلام شد، سینماگران ۹۵

طرح و فیلمنامه را در سامانه بنیاد به ثبت رساندند. این اقدام براساس الگوهای متداول بین‌المللی و تجربه نهادهای ملی سینما برنامهریزی شده است تا حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها با انکا به فرآیند مصاحبه صورت پذیرد.

بازخوانی منطق حرکت انقلاب اسلامی در آموزه‌های امامین انقلاب اسلامی- بخش پایانی

رشد عقلانیت و درک مصلحت

مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

تصمیم‌گیری در مدار عقلانیت و توجه به مصلحت و مباحنه‌رویی در اقدام و حرکت، آورده‌هایی دارد که در حکمرانی و فعالیت سیاسی می‌توان محصول آن را چید. در دو شماره گذشته از این سلسله یادداشت‌ها به هفت مورد از این آورده‌ها اشاره شد. در مطلب پایانی پیش‌رو مابقی دستاوردهای کاریست عقلانیت و مصلحت در تداوم حرکت انقلاب و نظام اسلامی تبیین می‌شود.

۸. پرهیز از محافظه‌کاری

یکی از آثار عقلانیت در رفتار سیاسی، شجاعت و اعتماد به نفس و فاصله گرفتن از محافظه‌کاری است. عقلانیت نسبتی با اعتدال دارد، لذا در عین حال که ما را از افراط‌گری دور می‌کند، از آن سو ما را از انفعال و تفریط و محافظه‌کاری پرهیز می‌دهد. به واقع، در عمل ما با دو نوع عقلانیت مواجه هستیم؛ عقلانیت انقلابی و عقلانیت محافظه‌کارانه. عقلانیت انقلابی عقلانیتی است که در نگاهی راهبردی و دورنگر، پابندی بر اصول و آرمان‌های انقلابی را راه نجات و صلاح جامعه می‌داند و بر ایستادگی بر اصول تأکید دارد. هر چند در مسیر تحقق آرمان‌ها، گاه نرمش قهرمانانه را نیز تجربه می‌کند و مبتنی بر شرایط زمان تصمیم می‌گیرد. بر خلاف عقلانیت محافظه‌کار که چندان تعصبی بر اصول ندارد و بر دستاوردهای آنی و کوتاه‌مدت نظر دارد و منفعت مادی زودگذر را اساس تصمیمات خود می‌داند و باسختی‌ها در مسیر دستیابی به اهداف خیلی زود منفعل می‌شود و به راحتی از اهداف و آرمان‌ها دست می‌کشد! لذا باید توجه داشت که حاصل عقلانیت انقلابی، محافظه‌کاری نیست و این اتهامی نارواست که عقلانیت را مرادف محافظه‌کاری بگیریم. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در نقد عقلانیت محافظه‌کارانه می‌فرماید: «عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن بـا محافظه‌کاری فرق دارد... تا می‌گوییم محاسبه و عقلانیت، عده‌ای می‌گویند مواظب باشید، دست از پا خطا نکنید، عقل را رعایت کنید؛ بنادا یک حرف آنچنانی بزنید که در دنیا آن‌طوری بشود؛ بنادا یک کار آنچنانی بکنید که دنیا صفـار آریی کند. اینها عقلانیت محافظه‌کارانه است؛ من به این اصلاً اعتقاد ندارم.

بنابر این اگر بخواهید عدالت را به درستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه عقلانی و به‌کار گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف، تا بفهمید چه چیزی می‌توانسد عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادادی می‌دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند.» در نگاه رهبر حکیم انقلاب اسلامی «محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هر گونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود.» در این زمینه نمونه‌های متعددی از اقدامات عقلانی را می‌توان بر شمر د که عقلانیت انقلابی تحول و دگرگونی عظیمی در جامعه ایجاد کرده است. نمونه برجسته این وضعیت را می‌توان در نهضت اسلامی ملت ایران مشاهده کرد. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید: «انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آنچنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود.» بدون شک همه مصلحان اجتماعی کسانی هستند که وضع موجود را مطلوب ندانسته و به دنبال تحول و دگرگونی و لااقل اصلاح بوده و برای تغییر قدم برمی‌دارند. لذا هر تحول‌خواه و انقلابی را که حاضر نیست تسلیم نظم ناعادالانه موجود شود، نمی‌توان به مخالفت با عقلانیت متهم کرد. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای معتقدند: «حالت خواب‌رفنگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گردد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه



ماست و اگر کسی درست بفهمد و ببیندش، می‌فهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه مسائل اقتصادی، هم در زمینه مسائل سیاسی. بنابر این عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به هیچ وجه مخلوط نکنید؛ اینها دو چیز است.» همین فهم از نسبت میان عقلانیت، افراط‌گرایی و محافظه‌کاری موجب شده تا حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای محافظه‌کاری را «قتلگاه انقلاب» بدانند و رسماً اعلام بدارند: «من معتقدم محافظه‌کاری و اکتفا‌ی به آنچه‌که داریم و نداشتن همت و بلندپروازی در همه زمینه‌های فکر و فرهنگ، قتلگاه انقلاب است.» ایشان همچنین همواره مخاطبان خود از اقشار مختلف را به دوری از محافظه‌کاری دعوت می‌کنند. برای نمونه، در جمع دانشجویان می‌فرماید: «شما دانشجویهای بسیجی را توصیه می‌کنم به اینکه محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجو و بسیجی- به همان معنای مثبت و پُر خون و پُر تپش- باقی بمانید.» رهبری به نهادهای انقلابی توصیه می‌کنند که مراقب باشند به دام محافظه‌کاری نیفتند و روحیه پویایی و جوانی و انقلابی‌گری را در خود حفظ کنند. برای نمونه در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه توصیه می‌کنند: «به هیچ وجه نگذارید سپاه پیر و محافظه‌کار بشود.»

۹. تشخیص درست اولویت‌ها و اصلی-فرعی کردن مسائل

یکی از آورده‌های رشد عقلانیت و درک مصلحت، توانایی تشخیص صحیح اولویت‌ها و اصلی و فرعی کردن امور است. عقل حکم می‌کند که امور گام به گام پیگیری شود و در این مسیر اولویت با آنهایی باشد که مسائل اصلی کشورند و مسائلی فرعی در جایگاه

پایین‌تری قرار گیرند؛ ملاحظه مهمی که می‌تواند موجب حرکت متوازن و صحیح کشور در مسیر پیشرفت و توسعه باشد و غفلت از آن در تراز کلان جامعه می‌تواند به فرصت‌سوزی و حیف و میل منابع ملی بینجامد و منافع ملی را تهدید کند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در شرح انقلابی‌گری به همین مهم اشاره می‌کنند و در وصف نماینده انقلابی می‌فرمایند: «انقلابی چیست؟... دنبال حل مشکلات اساسی کشور بودن؛ یعنی واقعاً اساسی‌ترین مسائل را نگاه کنید، آنها را [دنبال کنید]. من به تعبیر بهتر بگویم، در مسائل کشور، مسائل اصلی وجود دارد، مسائل فرعی وجود دارد؛ تا وقتی مسائل اصلی پیش پای ماست، نوبت به مسائل فرعی نمی‌رسد.» رهبر حکیم انقلاب اسلامی در تبیین این مهم به سیره حضرت امام خمینی(ره) تمسک جسته و به اهمیت این موضوع در سیره سیاسی حضرت امام(ره) این چنین اشاره می‌دارند: «امام اولویت‌ها را رعایت می‌کرد؛ تمرکز بر اولویت‌ها می‌کرد. فرض یفر مایید در دوران مبارزات، اولویت امام مقابله با رژیم سلطنت بود و مسائل حاشیه‌ای را وارد میدان کار خود نمی‌کرد؛ در دوران جنگ تحمیلی، اولویت امام مسئله جنگ بود؛ اسام بارها این را فرموده بودند که جنگ در رأس امور است، دفاع مقدس در رأس امور است، و واقع هم همین بود. متمرکز بر یک مسئله دارای اولویت می‌شد و حواشی را وارد میدان اهتمام خود نمی‌کرد.» یکی از عوارض عدم درک صحیح اولویت‌ها، ایجاد اختلال در دستگاه‌های تصمیم‌گیر و اجرایی کشور است. این امر موجب می‌شود مجموعه‌ها آنتنان غرق حواشی شوند که مأموریت‌های ذاتی و اصلی خود را فراموش کنند و عوارض آن به جامعه سرریز شود. رهبر حکیم انقلاب اسلامی ضمن گالیه از این وضعیت که گریبانگیر برخی از نهادها و دستگاه‌های کشور در دولت یازدهم شده بود، در جمع دانشجویان می‌فرماید: «گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند، دچار تعطیلند؛ واقعا آدم گاهی اوقات احساس می‌کند. حالا مثلاً فرض یفر مایید این همه ما مسئله فرهنگی در کشور داریم... [اما] ناگاهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، می‌شود مسئله اصلی؛ نامه‌نگاری می‌کنند! پیداست که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله اصلی را از مسئله فرعی تشخیص نمی‌دهد و یک مسئله اصلاً بی اعتباری اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله اصلی، درشت می‌کنند.»

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی- ۹

منطق مصلحت

		محمدرضا ملایی			
		پژوهشگر اندیشه سیاسی			
		جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خود همواره در برابر شرایط دشواری قرار داشته که بسیاری از آنها خارج از اراده مستقیم نظام بوده‌اند. در چنین وضعیتی، نظام نه می‌تواند از اصول خود عدول کند و نه می‌تواند مسیرهای سخت را بدون تدبیر طی کند. راه حل، انعطاف حکیمانه در چارچوب اصول است.			
		رهبر معظم انقلاب در توضیح مفهوم مصلحت و ضرورت انعطاف در مسیر انقلاب، تعریفی روشن و دقیق ارائه می‌دهند و می‌فرمایند: «مصلحت یعنی شناختن موارد انعطاف. یک جاهایی باید انعطاف داشت. انعطاف منافات با اصول ندارد. حفظ اصول با امکان انعطاف با هم می‌سازند، می‌توان یک جاهایی انعطاف به خرج داد... انعطاف یک جاهایی لازم است، بایستی انجام بگیرد. همان معنایی که ما در تقیه معنا کردیم... تقیه، یعنی وقتی شما در یک جایی دارید حرکت می‌کنید، به یک صخره‌ای می‌رسید که از آن عبور نمی‌توانید، یک راهی پیدا کنید از کنار صخره و عبور کنید. انعطاف یعنی این. معنایش این نیست که ما از ادامه راه پرهیز کردیم و عقب‌نشینی کردیم، نه. به جنگ صخره نرفتیم، انعطاف پیدا کردیم، توانستیم راه دیگری را پیدا کنیم.»			
		در این چارچوب، نباید میسان «انعطاف			

انقلابی است.

۱۱

خرد

شماره ۱۲۰۲ | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

صداقت

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۵۳

مواجهه با مدرنیته!

مسعود پور فرد

کار شناس اندیشه اسلامی

پروژه مهم فکری شهید صدر، نظریه‌پردازی و برنامه‌ریزی برای تحقق اسلام ناب است که دربرگیرنده همه ابعاد زندگی انسان، در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها می‌شود. در واقع، مراحل نظری تحقق اصلی‌ترین پروژه فکری شهید صدر(ره) را می‌توان این چنین خلاصه کرد:

۱-تبیین مفاهیم، مبانی، قاعده فکری و نظام اجتماعی اسلام؛ ۲- تطبیق و مقایسه این مفاهیم و مبانی با سایر مکاتب؛ ۳-دفاع نظری و پاسخگویی از یا درباره قاعده فکری اسلام و نظام اجتماعی اسلام؛ ۴- اثبات نظری و روان‌شناختی نسبت به جاودانگی اسلام؛ ۵- نشان دادن چگونگی اجرایی‌ری احکام اسلام در همه عصرها.

اما سختی کار ایشان کجاست؟ در نحوه و چگونگی مواجهه فقه و فقهات اسلامی با جریان تجدد و مدرنیته است که اعتماد به نفس بخشی از اندیشمندان اسلامی از اهل سنت و شیعه را گرفت؛ چرا که فکر می‌کردند اسلام نسخه‌ای برای مقتضیات روز ندارد. شهید صدر معتقد بود آنچه از غرب آمده، نظام و سیستمی است که سعی در تغییر مینـا و قواعد حیات دارد و باید در مقابل آن، نظامی مبتنی بر قواعد خود طراحی کرد.

مهم‌ترین فکر شهید آیت الله محمدباقر صدر، ارائه چارچوبی منسجم و جامع از دستگاه فکری اسلام و همچنین نقد و مقابله اصولی با ایدئولوژی‌های جایگزین بود؛ از این رو، اهمیت فکر شهید صدر را که ارزش بسیار زیادی برای بازخوانی و بازتولید در دنیای اسلام به ویژه جهان شیعه دارد، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف- ارائه چارچوب فکری منسجم از اسلام: شهید صدر تلاش کرد نظام فکری و دستگاه فکری اسلام را به صورت منظم و منسجم ارائه دهد تا بتواند به پرسش‌های اساسی جوامع اسلامی پاسخ دهد.

ب- نقد اندیشه‌های رقیب: او مارکسیسم را به شکلی عمیق و اصولی نقد کرد، به حدی که حتی مارکسیست‌ها اذعان داشتند او بهتر از خودشان مارکسیسم را فهمیده است.

ج- مقابله با وابستگی به غرب: شهید صدر همواره خطر وابستگی ملت‌ها به غرب را گوشزد می‌کرد، زیرا معتقد بود این وابستگی استعدادها و امکانات یک ملت را نابود می‌کند.

د-واقع‌بینی و آینده‌نگری: او با در نظر گرفتن نیازهای اساسی جامعه و همچنین آینده اجتهاد، آثار مهمی مانند فلسفتنا و اقتصادنا را تألیف کرد.

هـ- تحول در دستگاه مرجعیت دینی: شهید صدر معتقد بود باید مرجعیت دینی از یک نهاد فردی و متکی به شخص به یک نهاد اصولی تبدیل شود تا به منزله محور اصلی فعالیت‌های دینی و اجتماعی، بتواند زمینه تحول را در جامعه فراهم کند.

و-آسیب‌شناسی مواجهه با تمدن غرب: او جزء افراد انگشت‌شمار ی بود که بعد از رهبران انقلاب اسلامی در دنیای عرب و اسلام توانست قرانت درستی از مواجهه را ارائه کند که در آن نه وادادگی در برابر غرب و هراس از آن راه داشت و نه تحجر و جمود راندن مطلق و کامل آن؛ بلکه باید به جد از اصول و مبانی تفکر اسلامی به عنوان کامل‌ترین شریعت الهی دفاع کرد، اما از پیشرفت‌ها و ابزارهای فکری بشر غربی هم به تناسب اقتضانات بهره‌گرفت و با مهندسی معکوس به ساختن و پیشرفتی بهتر از غرب اندیشید.

نکته گرام

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: ماشین کشتار نازی‌های قرن بیست‌ویکم همچنان به نسل‌کشی و جنایت‌های خود ادامه می‌دهد. آن‌ها حقیقت‌گویانی مانند «انس الشریف» و دیگر خیرنگاران را ترور می‌کنند تا صداها را خاموش کنند اما حقیقت‌روشن‌تر می‌درخشد.

احمد نادری، نماینده سابق مجلس: اخراج سفیر ایران توسط استرالیا با اتهامات واهی و اثبات‌نشده، بیش از آنکه اقدام امنیتی باشد، بخشی از سناریوی فشار هماهنگ غرب است. کانبرا که میزبان لابی‌های تل‌آویو و عملیات ضدایرانی است، با استاندارد دوگانه، دیپلماسی را قربانی سیاست فرمان‌پذیری کرده است.

سید مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور: اعضای یازده سند توافق و همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان یکی از دستاوردهای سفر رئیس جمهور پزشکیان به این کشور بود. ارتقای چشم گیر سطح روابط اقتصادی و تضمین امنیت مرزی از ثمرات این سفر است. تعمیق دوستی‌ها در چارچوب تقویت سیاست همسایگی، ثمرات بسیاری خواهد داشت.

مالک شریعتی، عضو کمیسیون انرژی: کودتای آمریکایی ۲۸مرداد، ۷۲ساله شد. ایران هرگز در مبارزه با آمریکا آغازگر حمله نبوده(طیس/اصدام). حالا دوباره جنگ به ما تحمیل شده؛ کی؟ دقیقاً وسط مذاکره! ترامپ مسوولیت حمله را از اول بعهدہ گرفت والبتہ ما جانانه دفاع کردیم. هر مذاکره‌ای در طول این مبارزه، خوب است؛ وگرنه خیانت است.

وحید یامین‌پور، فعال رسانه‌ای: اوکراین اول جنگ امیدوار به کمکهای آمریکا بود برای شکست دادن روسیه. بعد افتاد دنبال دریافت کمک برای عقب نشینی و اتمام جنگ. حالا دنبال دریافت تضمین برای واگذاری خاک کشور به روسیه! نتیجه اعتماد به آمریکا.

محمدحسین سلطانی فرد، رئیس دفتر حفاظت منافع ایران: بیانه نشست اخیر سازمان همکاری اسلامی در جده نشان داد که این سازمان و اتحادیه عرب فاقد هر گونه تأثیری گذاری در جنگ غزه هستند و آمریکا تصمیم گیرنده اصلی برای اعلام آتش بس و ادامه جنگ می باشد. کشورهای عربی و اسلامی حتی نمی توانند از ابزارهای مشروع برای توقف جنگ استفاده کنند.

ناصرکنعانی، سخنگوی پیشین وزارت خارجه: در حالیکه اسرائیل به بزرگترین ماشین کشتار روزانه انسانها تبدیل شده، برخی دولت‌ها به این رژیم ژادپرست و شیطانی بدادش می‌دهند! به نفرت جهانی از رژیم اسرائیل، برچسب پهلردستیزی نزدیک! بوی تعفن رژیم کودک‌کش اسرائیل مشام بشریت را آزار می‌دهد.

برنی سندرز، سناتور مشهور آمریکایی: دیوانه کننده است که در ثروتمندترین کشور جهان، میلیون‌ها نفر قادر به خرید خانه نیستند و صدها هزار نفر هر شب بی‌خانمان می‌مانند.

محمد احسان رامید، مشاور و دستیار وزیر، رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارتباطات دولت سیزدهم: اعترافات به شکست ادامه دارد...عاموس یادلین رئیس پیشین اطلاعات ارتش: «اسرائیل در آستانه فروپاشی است». ۶۰۰ مقام امنیتی سابق اسرائیل خطاب به ترامپ: «جنگ غزه را متوقف کن!» صدای شکست از دل ساختار امنیتی صهیونیسم، بلندتر از همیشه...

بهادری جهرمی، سخنگو و دبیر هیئت دولت شهید رئیسی: پس از قربانی کردن هزاران زن و کودک، حالا پانیان جنایت و شریکان جرم‌گرستگی کودکان غزه، شوی شناسایی فلسطین به‌عنوان یک کشور به‌را انداخته‌اند. ریاکارتر از غرب، خود غرب است!



آینده مدیریت آب ایران در دستان هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین

مهدیه چوپانی

دبیر گروه مجازستان

در سال‌های اخیر، «خشکسالی» در ایران یکی از جدی‌ترین چالش‌های ملی است. کاهش بارندگی‌ها، تغییرات اقلیمی و فشار جمعیتی باعث شده کشور به‌طور جدی به سمت راهکارهای فناوریانه در مدیریت منابع آبی حرکت کند. امروزه استفاده از آب‌شیرین‌کن‌های پیشرفته در جنوب کشور تا گلخانه‌های هیدروپونیک در مناطق خشک مرکزی، نقش فناوری را بیش از هر زمان دیگری در تأمین آب پایدار نمایان کرده است.

استفاده از فناوری اسمز معکوس و تجهیزات پیشرفته نمک‌زدایی، آب‌شیرین‌کن‌ها را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایران برای تأمین آب تبدیل کرده است. ظرفیت این واحدها از مرز یک میلیون مترمکعب در روز گذشته و پیش‌بینی می‌شود در

دهه آینده سه برابر شود. تنها در بندرعباس ۴۰ سایت فعال روزانه بیش از ۲۳۲ هزار مترمکعب آب تولید می‌کنند و با راه‌اندازی واحدهای جدید این ظرفیت به ۲۷۵ هزار مترمکعب خواهد رسید.

جزایر خلیج فارس نیز به کمک این فناوری توانسته‌اند وابستگی خود به منابع زیرزمینی را کاهش دهند. هم‌اکنون بیش از ۴۰ درصد آب مصرفی در هرمزگان با استفاده از آب‌شیرین‌کن‌ها تأمین می‌شود. پروژه‌های تازه در چابهار و کنسارک نیز با تکیه بر فناوری‌های روز، آب آشامیدنی پایدار را در اختیار شهرها و روستاهای سیستان‌ویلوچستان قرار می‌دهند.

پروژه‌های عظیم انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به فلات مرکزی، بدون فناوری‌های پیچیده شیرین‌سازی، پمپاژ و لوله‌گذاری امکان‌پذیر نبود. خط اول این طرح اکنون آب صنایع مس سرچشمه و فولاد یزد را تأمین

می‌کند و در آینده خط دوم و سوم ظرفیت انتقال صدها میلیون مترمکعب دیگر را فراهم خواهند کرد. در اصفهان، اتصال موقت خط انتقال از سال ۱۴۰۴ حدود ۳۰ میلیون مترمکعب آب در سال را به صنایع می‌رساند. این پروژه‌ها نه تنها به فناوری‌های مهندسی عظیم وابسته‌اند، بلکه برای پایش و مدیریت نیز به سامانه‌های هوشمند کنترل و نظارت مجهز شده‌اند.

بخش کشاورزی که بیش از ۹۰ درصد مصرف آب کشور را به خود اختصاص داده، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های ورود فناوری است. تاکنون ۲/۴ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی به سامانه‌های آبیاری نوین مجهز شده‌اند که ۳۰ تا ۴۵ درصد صرفه‌جویی به همراه داشته است. اما نقطه عطف، توسعه کشت هیدروپونیک است؛ روشی که تا ۹۰ درصد مصرف آب را کاهش می‌دهد. امروز بیش از ۳۰۰ هکتار از مزارع ایران به این روش اختصاص یافته و در استان‌هایی

گزارش

پیوند هوشمند!

نگاهی به پروژه ملی «جی‌نف»

به‌روزرسانی لایه‌های نقشه‌ای و همچنین نظارت بر تغییرات شهری، مانند ساخت‌وسازها و حذف یا اضافه شدن معابر است. تاکنون بیش از ۳۵۰ هزار معبر بدون نام و ۱۳ میلیون ساختمان بدون پلاک در کشور شناسایی شده‌اند که این امر واقعاً چالشی بزرگ است. با همکاری شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تلاش می‌شود نام‌گذاری و پلاک‌گذاری معابر به صورت مجازی صورت گیرد و به سرعت در پایگاه جی‌نف ثبت شود. رئیس‌جمهور اجرای این پروژه را با جدیت دنبال کرده و آن را در اولویت دولت چهاردهم معرفی کرده است. وزیر ارتباطات نیز تأکید دارد که پیشرفت پروژه باید در دو محور «زیرساخت» (نقشه و انطباق آن) و «فرآیند» (وظایف سازمان‌های حاضر در طرح) پیش برود. این زیرساخت نقش مهمی در آماده‌سازی

چون یزد، اصفهان و کرمان در حال گسترش است. مجتمع‌های مدرن در ارس، زنجان و قشم با بهره‌گیری از فناوری‌های هیدروپونیک و حتی نانوحباب، محصولات صادراتی تولید می‌کنند و الگویی برای آینده کشاورزی کشور شده‌اند.

در کلان‌شهر تهران، استفاده از فناوری تصفیه پساب شهری به ابزاری کلیدی برای کاهش فشار بر منابع زیرزمینی تبدیل شده است. ۱۱ تصفیه‌خانه فعال سالانه ۳۹۰ میلیون مترمکعب پساب تولید می‌کنند که بخشی از آن برای آبیاری فضای سبز استفاده می‌شود. هدف‌گذاری تا افق ۱۴۱۰، استفاده از ۱۴۵ میلیون مترمکعب پساب برای آبیاری پارک‌ها و بوستان‌هاست؛ رقمی که می‌تواند نیاز آبی فضای سبز پایتخت را پوشش دهد.

هوش مصنوعی

و انرژی‌های تجدیدپذیر

کارشناسان معتقدند آینده مدیریت آب در ایران به شدت به فناوری‌های نوین وابسته خواهد بود. هوش مصنوعی می‌تواند مصرف شهری را پایش کرده، الگوی نیاز آبی محصولات کشاورزی را پیش‌بینی کند و حتی بهره‌برداری از تصفیه‌خانه‌ها را بهینه سازد. در برخی کشورها این فناوری مصرف آب شهری را تا ۳۰ درصد کاهش داده است؛ هدفی که می‌تواند در ایران نیز محقق شود. از سوی دیگر، به‌کارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر در تأمین برق آب‌شیرین‌کن‌ها اقدامی است که در هرمزگان و یوشهر آغاز شده است. استفاده از خورشید و باد برای کاهش هزینه‌های انرژی و کاهش فشار بر شبکه برق، آینده این فناوری‌ها را پایدارتر خواهد کرد.

مدیریت آب در ایران دیگر تنها به سدسازی یا انتقال منابع خلاصه نمی‌شود؛ بلکه فناوری در تمام مراحل از شیرین‌سازی و انتقال گرفته تا کشاورزی و بازیافت وارد عمل شده است. ترکیب آب‌شیرین‌کن‌ها، سامانه‌های هوشمند آبیاری، کشاورزی هیدروپونیک، بازیافت پساب و هوش مصنوعی می‌تواند ایران را در مسیر عبور از بحران کم‌آبی قرار دهد. آینده مدیریت آب در کشور، آینده‌ای فناوریانه است؛ مسیری که اگرچه پرچالش خواهد بود، می‌تواند بحران امروز را به فرصتی برای توسعه پایدار بدل کند.

گروه مجازستان

صبح صادق

در عصر اقتصاد دیجیتال و حکمرانی داده‌محور، پروژه ملی «جی‌نف» به منزله یکی از زیرساخت‌های زیربنایی کشور، نقش مهمی در ارتقای خدمات شهری، پستی و فناوری اطلاعات ایفا می‌کند. این پروژه که سال ۱۳۹۵ در دولت دوازدهم مصوب شده، با هدف ایجاد «نشانی استاندارد» برای مکان‌های فیزیکی در سراسر ایران، آغاز و هم‌اکنون وارد مرحله پُرجنب‌وجوش اجرایی شده است.

پروژه جی‌نف با ارائه کد شناسایی یکتا، مانند «کد ملی برای مکان» درصدد ایجاد همخوانی میان نشانی‌های توصیفی و مختصات جغرافیایی است. این کار با یکپارچه‌سازی اطلاعات لایه‌های نقشه‌ای از سازمان‌های مختلف، مانند ثبت اسناد، نقشه‌برداری، بنیاد مسکن و سازمان فضایی انجام می‌شود.

این نشانی استاندارد، بستری فراهم می‌آورد تا خدمات شهری و پستی آسان‌تر شده، بوروکراسی کاهش یابد و تجربه افراد در دسترسی به خدمات

نرم افزار

ایران پاس

دسترسی یکپارچه به خدمات دولتی



به‌زودی برنامه کاربردی «ایران‌پاس» به منزله درگاهی واحد برای دسترسی مردم به خدمات دستگاه‌های دولتی راه‌اندازی خواهد شد. این برنامه که اکنون در مرحله تست پایلوت قرار دارد، به شهروندان امکان می‌دهد پس از احراز هویت در سطوح گوناگون، به خدمات متنوع دولت هوشمند دسترسی داشته باشند. در زیست‌بوم طراحی‌شده برای این سامانه، به جای تبادل داده‌های خام، اسناد الکترونیکی مبادله می‌شود؛ اسنادی که از قابلیت پیگیری قضایی برخوردارند، پیش‌بینی می‌شود «ایران‌پاس» به منزله گامی مهم در یکپارچه‌سازی و هوشمندسازی خدمات دولتی، نقش قابل‌توجهی در تسهیل امور شهروندان ایفا کند.

پژواک

ممنوعیت در مدارس

قوانین جدید در کره جنوبی



قانون‌گذاران کره جنوبی استفاده از گوشی هوشمند و سایر دستگاه‌های هوشمند مشابه را در کلاس‌های مدارس ابتدایی و راهنمایی ممنوع اعلام کردند. این قانون از سال ۲۰۲۶ لازم‌الاجرا خواهد بود. ممنوعیت استفاده از گوشی‌های هوشمند فقط برای ساعت‌های درسی در نظر گرفته شده است

و هیچ‌گونه مجازاتی برای تخلف از قانون مورد بحث وجود ندارد. کره جنوبی تنها کشوری نیست که استفاده از گوشی هوشمند را در مدارس ممنوع کرده است و فرانسه، فنلاند، ایتالیا، هلند و چین هم قانون‌های مشابهی دارند.

خبر خوب

شبکه ضد تحریم

مرکز ملی پیشرانه طراحی تراشه



تأسیس مرکز ملی پیشرانه طراحی تراشه با هدف توسعه دفاتر طراحی داخلی، راه‌اندازی شبکه ضد تحریمی طراحی تراشه، بانک دارایی‌های فکری و آزمایشگاه تأیید تراشه‌های بومی و صدور تأییدیه صنعتی از جمله اقدامات دولت در حوزه اقتدار فرین میکروالکترونیک است. مرکز ملی پیشران طراحی تراشه مأموریت دارد به دفاتر

طراحی در دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان امکان فعالیت مشترک بدهد. هدف از راه‌اندازی شبکه دفاتر طراحی داخلی در دانشگاه‌های معتبر (مثل صنعتی شریف، امیرکبیر، علم و صنعت) و شرکت‌های خصوصی، طراحی IC و تراشه‌های کاربردی است.

تبعید تنها راه باقی مانده!

محمد گنجی

روز نامه نگار

با نطق آتش‌بین حضرت امام(ره) در اعتراض به کاپیتولاسین در آبان ماه ۱۳۴۳، مشخص شد که با حضور امام(ره) در کشور، ادامه حکومت شاه امکان‌پذیر نیست. هر یک از کلمات ساده امام(ره) ضربه‌ای بود بر پایه‌های پوسیده رژیم که برای دولت وشاه تحمل‌پذیر نبود. آنها، امام(ره) را نمی‌توانستند با هیچ شیوه‌ای ساکت و آرام نگه دارند. طی دو سال امام(ره) راه طولانی طی کرده و تجربیات بسیار آموخته بودند و موقعیتی در اجتماع ایران کسب کرده بودند که کمتر نظیر داشت. از این مسئله گذشته بود که امام(ره) را در تار و پود پرورنده و محاکمه قرار بدهند یا با طرح مسئله اعدام، او را بترسانند. پرکننده کردن مردم از اطراف امام(ره) مقدور نبود؛ زیرا شوق و علاقه آنها را جمع می‌ساخت و به فداکاری وادار می‌کرد، تعطیلی بازار، ابطال پروانه کسب، انفصال از خدمت دولت و نظایر آن دیگر برای پیروان مشتاق امام(ره) مسخره می‌نمود. بنابرین، هر عملی در این جهت توده‌های اطراف امام(ره) را افشرده‌تر می‌کرد. هجوم به مردم و کشتار بی‌رحمانه هم نتایج خوبی برای رژیم به بار نیاورده بود که بار دیگر به آزمایش بگذارد و ۱۵ خرداد دیگری را در آن زمان خلق کند. با وجود تماسی که امام(ره) با روحانیون سراسر کشور داشتند و با نفوذ کلامی که عملاً پیدا کرده بودند، تشکیل یک صف مخالف مقتدر با عنوان روحانیت هم برای دولت امکان‌پذیر نبود با اینکه در این جهت زیاد کار کردند، اما موفق نشدند.

نطق امام(ره)در اعتراض به کاپیتولاسیون که خیلی ساده و قاطع همه سران هیئت حاکم را با اسم و رسم خائن به کشور نامبرده بود، دلیل وجودی برای شاه و دولت و مجلس باقی نمی‌گذاشت واعلامیه او که در همین مورد به طور وسیع انتشار یافت، با بقای دولت تعارض داشت. موج نارضایتی توده‌ها تخت و تاج شاه را دستخوش تندباد کرده بود. ملتی بیدار شده بود که اگر سخن امام درست است، پس این دستگاه عریض و طویل مجری انقلاب سفید چه می‌گوید و چرا باید باشد تا در جهت بیگانه مسائلی چون کاپیتولاسیون پیش آید!

فاصله ۴ آبان تا ۱۳ آبان زمان تصمیم‌گیری رژیم بود. یکی از این تصمیمات تبعید امام(ره) به ترکیه بود. رژیم با این تبعید اعلام می‌کرد که یارای شنیدن حقیقت را ندارد و نمی‌تواند از نوکری آمریکا دست بردارد، به تخت و تاج علاقه‌مند است و هر عاملی که به نوعی آن را متزلزل کند، باید از بین برود. با این تبعید، رژیم فریاد می‌زد هیچ قانونی او را محدود نمی‌کند؛ چون قدرت نظامی دارد، به هر نحو باید به تسلط خود ادامه دهد و زور گوئی، لازمه ادامه سلطه اوست. رژیم با این تبعید اعلام می‌کرد نظر مردم پشتیبری ارزش ندارد، اساساً چرا مردم برای خود حق دخالت قائل هستند؟ چرا اعتراض می‌کنند؟ به چه مناسبت روحانیت در سیاست دخالت می‌کند؟

در این شرایط بود که شب ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ صدها کماندو و چترپاز مسلح، خانه قائد بزرگ را در قم محاصره کرده، از بام و دیوار وارد منزل شدند و به منظور دستگیری ایشان به جست‌وجو و ضرب و شتم خدام منزل دست زدند. امام خمینی(ره) که

در آن ساعت در یکی از اتاق‌های اندرون به نماز و دعا مشغول بودند، از سر و صداها و جست‌وخیزها دریافتند که چکمه‌پوشان رژیم به منزل یورش آورده‌اند که بی درنگ لباس بر تن کرده، خواستند از در اندرون به بیرون بروند؛ ولی دری که اندرون را به بیرونی متصل می‌کرد، بسته بود و کلید آن، که در محضر خود ایشان بود، در آن لحظه گم شده بود. دژخیمان شاه پس از پرس‌وجو در قسمت بیرونی از آنجا که دریافتند امام خمینی(ره) در اندرون به سر می‌برند، به درب اندرون یورش پـرده، چون در را بسته یافتند با مشت و لگد به جان آن افتادند! امام خمینی(ره) چندین بار بانگ زدند که وحشیگری در نیاورید الان در را باز می‌کنم، لیکن مزدوران شاه بی‌توجه به تذکر ایشان به مشت کوفتن و لگد زدن خود ادامه می‌دادند تا سرانجام قسمتی از در را شکستند! امام خمینی(ره) که از پیدا کردن کلید ناامید شده بودند، از در دیگر اندرون که به کوچه باز می‌شد خارج شدند و در وقت بیرون رفتن مهر امضای خود را به رسم امانت به بانو سپردند و فرمودند: «شما را به خدا می‌سپارم» کماندها و دژخیمان شاه که سراسر کوچه را اشغال کرده بودند به محض خارج شدن قائد بزرگ از منزل، ایشان را محاصره کرده و به ماشینی که جلوی در منزل آورده بودند، سوار کردند و ماشین با شتاب هر چه بیشتر به حرکت درآمد.

ماشین حامل قائد بزرگ ۱۴۰ کیلومتر راه قم ـتهران را در مدتی کمتر از ۹۰ دقیقه پیمود و به فرودگاه مهرآباد رسید و در آنجا سرهنگ مولوی که پیش از رسیدن ماشین حامل امام خمینی(ره)



حاضر شده بود به وسیله بیسیم با مافوق خود که از قربان، قربان گفتن‌های او به دست می‌آمد که طرف مخاطب او خود شاه است، ارتباط برقرار کرد و اظهار داشت که مأموریت تا اینجا به خوبی صورت گرفته و تمه آن نیز به زودی انجام می‌پذیرد. هنوز آفتاب روز ۱۳ آبان ماه سر از افق بیرون نیاورده بود که قائد بزرگی که قلب او همواره به یاد خداوند و برای توده‌های محروم و ستمدیده ایران می‌تپید و محرومیت‌ها ورنج‌های مردم زحمتکش ورنجدیده ایران ایشان را لحظه‌ای راحت و آرام نمی‌گذاشت، به جرم دفاع از استقلال وطن و هموطنان مسلمان خود از وطن بیرون برده شد.

آنگاه که هواپیما به قصد پرواز به سوی تبعیدگاه امام خمینی(ره) موتورها را روشن کرد، یکی از مقامات به اصطلاح امنیتی پاسپورت قائد بزرگ را به دست ایشان داد و اظهار داشت که شما اکنون به ترکیه می‌روید و خانواده شما نیز به زودی به شما ملحق خواهند شد.

ساواک پس از تبعید امام(ره) اطلاعیه‌ای داد که هم روزنامه‌ها بدون تفسیر آن را منتشر کردند و هم از رادیو قرائت شد. اطلاعیه می‌گوید: «طبق اطلاع موقی و شواهد و دلایل کافی چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد لذا در تاریخ ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید. سازمان اطلاعات و امنیت کشور»

حافظه

مسلمان‌کشی

مروری بر جنایت استعمارگران پرتغالی



مساجد را از آنان پر می‌کردم و سپس به آتش می‌کشیدم.»

نمونه‌ای دیگر از جنایت استعمارگران پرتغالی، دستور دولت پرتغال به نایب السلطنه‌شان در هند است. در بندر گوا و حومه آن حدود ۳۰۰ هزار مسیحی وجود داشت. در آن زمان در مهم‌ترین پایگاه پرتغالی‌ها در مجمع‌الجزایر اندونزی ۱۶ هزار مسیحی در سال ۱۶۰۴ میلادی زندگی می‌کردند؛ ولی عده مسیحیان در مقایسه با جمعیت کثیر بومی ناچیز بود. دولت پرتغال از پیشرفت کند مسیحیت میان اهالی آسیا بسیار ناراحت شد و به نایب‌السلطنه پرتغال در هند دستور داد در نابود کردن افراد غیر مسیحی بکوشد و از هیچ کوششی در راه اشاعه مسیحیت دریغ نکنند. در سال ۱۵۴۰، بنابر این دستور، مأموران پرتغال در هند معابد هندی را در گوا خراب و اموال‌شان را میان سایر مؤسسه‌ها تقسیم کردند. همچنین کسانی را که از دین مسیح و طرز اشاعه آن به دست پرتغالی‌ها خورده می‌گرفتند در دادگاه‌های مذهبی محاکمه و دسته دسته به زندان، شکنجه و اعدام محکوم می‌کردند.

۱۳

تاریخ

شماره ۱۲۰۲ | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

صداقت

تقویم انقلاب

نقشه‌ها علیه انقلاب اسلامی



سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر

تقویم تاریخی انقلاب اسلامی همواره شاهد رهنمودهای امام خمینی(ره) بوده است. ایشان در سخنرانی خود که در ۱۵ شهریور سال ۱۳۶۲ در دیدار با مسئولان فرهنگی کشور ایراد فرمودند، «نقشه دشمنان انقلاب اسلامی» را تبیین کردند و ضمن تأکید بر ضرورت تربیت طلاب و جواب برای امر قضا و تبلیغ، نقشه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی را تحلیل کردند که با وضعیت کنونی مطابقت دارد و چند نکته مهم آن در ادامه ارائه می‌شود.

۱- «نگذارند اسلام تحقق پیدا کند. اگر اسلام در ایران تحقق پیدا کند، قهراً در ممالک دیگری هم خواهد رفت»؛ از سال‌های دور دشمنان اسلام همواره تلاش کرده‌اند که اسلام پیروز میدان و محیط بین‌الملل نباشد. در سال‌های اخیر شواهد بسیاری نشان می‌دهد، دشمنان همواره با حاکمیت اسلام مبارزه کرده‌اند و برنامه‌شان این بوده است که نگذارند انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت به پیروزی برسد. عامل اصلی که مانع تحقق شعار استعماری «نیل تا فرات» شده، اسلام است. آمریکا، رژیم صهیونیستی و اروپا با عناوین فریبنده، چون «خاورمیانه بزرگ» یا «خاورمیانه جدید» و عناوین ساختگی دیگر در راستای اهداف خود بسیار تلاش کردند، اما شکست خوردند؛ مانند کنفرانس‌های «مادرید»، «شرم الشیخ»، «کمپ دیوید»، «اسلو» و «اسلو۲» که همگی در راستای حل سیاسی مسائل فلسطین برگزار شد، اما هیچ کدام به سرانجام نرسید.

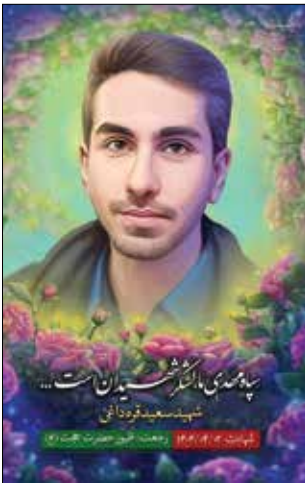
۲- «مقصد اول‌شان این است که ایران ساقط بشود و یک جمهوری اسلامی آمریکایی پیش بیاید»؛ آنها در نظر دارند نظام جایگزینی آمریکایی‌ها را حاکم کنند که تأمین‌کننده منافع اروپا، آمریکا و رژیم صهیونیستی باشد؛ یعنی با هویت پذیرفته شده غرب، تنها اسم اسلامی روی آن باشد؛ مانند رژیم‌هایی که هم‌اکنون هم در برخی کشورها هست و معارض با منافع غرب نیستند و هر بلایی بر سر مسلمانان بیاید، فقط ابراز تأسف می‌کنند.

۳- «مقصد دوم‌شان این است که اسلام را در همین ایران محبوس کنند»؛ دشمنان به دنبال آن هستند که اگر نتوانستند نظام جمهوری اسلامی را شکست دهند، با اهرم‌های فشاری که دارند مانند تحریم، حقوق بشر و دستگاه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی جمهوری اسلامی را در ایران محدود کنند و در انزوا نگه دارند تا در معامع بین‌المللی و سایر کشورها رابطه دیپلماتیک نداشته باشد. در همین راستا، این روزها شاهد بحث «مکانیسم ماشه» هستیم

۴- «ما موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم»، دشمنان تاکنون علیه جمهوری اسلامی هر کاری که توانسته‌اند انجام داده‌اند و کاری نیست که علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی انجام نداده باشند، البته هیچ گاه موفق نشده‌اند مردم و ملت انقلابی را مایوس کنند تا از مقاومت دست بردارند و الحمدلله شاهد روند رو به جلو و پیشرفت و گسترش پیام انقلاب در دنیا هستیم. فقط ضروری است دستگاه‌های تبلیغاتی قوی و مصمم داشته و در راستای صدور انقلاب و پیام‌رسانی‌ها اهتمام جدی داشته باشیم.

قبیله عشق

داغ برادر



«شهید سید سعید قره‌داغی» هنگام شهادت تنها شش ماه از عقدش می‌گذشت. قرار بود بعد از محرم و صفر ازدواج کند که روز دوم تیرماه در بمباران سازمان بسیج به شهادت رسید.

حامد قره‌داغی، برادر شهید می‌گوید: «تا آنجا که یادم است، برادرم از کودکی دوست داشت نظامی شود. وقتی او را به کلاس اول ابتدایی برده بودیم، معلم از بچه‌ها پرسیده بود دوست دارند در آینده چه کاره شوند اغلب گفته بودند یا دکتر می‌شوند یا خلبان و مهندس، ولی سعید گفته بود دوست دارم پلیس شوم. با چنین روحیه‌ای، از کودکی و نوجوانی جذب بسیج شده بود. در پایگاه بسیج امامزاده موسی وایان فعال بود و دو سال هم فرماندهی این پایگاه را برعهده داشت. از همان بسیج هم جذب سپاه شد و در سازمان بسیج مستضعفین خدمت می‌کرد. اگر بخوایم از اخلاق آقا سعید بگوییم، واقعاً در بین ما چهار برادر، او اخلاق و روحیات خاصی داشت. اخیراً که با برادرهایم در مورد او صحبت می‌کردیم، به این نتیجه رسیدیم که بین ما، او خیلی خانواده‌دوست بود. من و یکی از اخوی‌ها متاهل هستیم، ولی با وجود سعید در خانه پدری، نگرانی از بابت والدین مان نداشته‌ایم. چون سعید حواسش به آنها بود و با تعهدی که نسبت به پدر و مادرمان داشت، خیال‌مان از بابت آنها راحت بود. سعید قلب مهربانی داشت و به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاشت. این روحیاتش باعث شده بود در خانواده و اقوام و دوستان، یک چهره محبوبی باشد با اینکه ۲۶ سال بیشتر نداشت. برادرم حدود شش ماه قبل از شهادتش عقد کرده بود. قرار بود بعد از محرم و صفر سر خانه و زندگی‌اش برود. حتی برای سفر ماه عسل هم نام‌نویسی کرده بود تا مهر ماه همراه خانمش به کربلا بروند. منتها قسمت بود به جای حجله بخت به حجله شهادت برود. مادرم می‌گفت سعید شب قبل از شهادتش به او گفته بود دوست داری شهید شوم؟ مادرم گفته بود بله دوست دارم، ولی الان نه. تو باید بمانی و حالا حالا‌ها به جامعه خدمت کنی و در سن بالا شهید شوی. بعد سعید یک عکس نشان مادرمان داده و گفته بود اگر شهید شدم این عکس را به بنرم بزنید. فردا صبح که دوشنبه دوم تیرماه بود، با هم به محل کار رفتیم و او دیگر باز نگشت.»



سردار علی فدوی

اختلاف‌افکنان توبه کنند



۱۲ روزه متصل کردند و در نبرد صهیونیستی - آمریکایی هم نقش آفرینی داشتند تا برای همیشه در قلب ملت غیور ایران اسلامی الگو، معیار و شاخص باشند.»

سردار غلامحسین غیب‌پرور، متولد سال ۱۳۴۱ در شیراز، از کودکی روحیه انقلابی خود را نشان داد. او در دوران اوج‌گیری مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی، به دلیل پخش اعلامیه‌های انقلابی از مدرسه اخراج شد. این روحیه انقلابی موجب شد تا بعدها و در دوران هشت سال دفاع مقدس یکی از برجسته‌ترین فرماندهان دفاع مقدس تبدیل شود. غیب‌پرور در طول هشت سال جنگ تحمیلی، در لشکر ویژه ۲۵ کربلا و دیگر یگان‌های سپاه پاسداران، رشادت‌های بی‌نظیری از خود نشان داد. پس از جنگ نیز با تحمل عوارض شیمیایی، همچنان در مسیر خدمت به انقلاب و نظام باقی ماند و در نهایت، پس از سال‌ها مجاهدت، در ایام محرم به یاران شهیدش پیوست.

یکی از هم‌زمان این شهید، «سردار عباس ذبیح‌اللهی» در گفت‌وگویی گفته بود که شهید غیب‌پرور فرمانده‌ای وارسته، مخلص و ولایت‌مدار بود که تصمیماتش بر اساس عقلانیت و تدبیر بود. او گفت: «شهید غیب‌پرور اهل جناح و باند نبود؛ تنها ولایت برایش اهمیت داشت. او با شجاعت و قاطعیت در برابر دشمنان، منافقان و فتنه‌گران ایستادگی می‌کرد و دلش برای رهبری می‌تپید.»

در جهانی که فناوری‌های پیشرفته نظامی، معادلات قدرت را تعیین می‌کنند، ایران با دستیابی به موشک‌های نقطه‌زن، گام بلندی در مسیر خودکفایی و بازدارندگی برداشته است. این دستاورد، که حاصل سال‌ها تلاش متخصصان ایرانی در دل تحریم‌های ظالمانه است، جایگاه ایران را به‌عنوان یکی از معدود کشورهای دارنده فناوری هدایت و کنترل پیشرفته موشکی تثبیت کرده است. موشک‌های نقطه‌زن ایران، با دقت بی‌نظیر، قادرند اهدافی در صدها یا حتی هزاران کیلومتر دورتر را با موفقیت منهدم کنند.

سفری پرچالش به سوی نقطه‌زنی

داستان دستیابی ایران به فناوری موشک‌های نقطه‌زن، روایتی از پشتکار، نوآوری و ایمان به توان داخلی است. «سردار علی بالالی» از پیشگامان یگان موشکی سپاه، در خاطرات خود از روزهای

سرلشکر امیر حاتمی

راهی جز قوی شدن نداریم



فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران در مراسمی که به مناسبت روز بزرگداشت بوعلی سینا (روز پزشک) و محمدبن زکریای رازی (روز داروساز) در دانشگاه علوم پزشکی آجا برگزار شد؛ با بیان اینکه ارتش زمانی می‌تواند به مأموریت‌های خطیر خود جامه عمل بپوشاند که از نیروی انسانی سالم، قوی و با انگیزه‌ای برخوردار باشد، خطاب به کادر درمان، مدیران، رؤسای بیمارستان‌ها، پزشکان، داروسازان حاضر در جلسه، گفت: «شما متولیان بهداشت و درمان مجموعه بزرگ ارتش هستید که در اجرای مطلوب مأموریت آجا، نقش بسزایی ایفا می‌کنید و باید به این مسئولیت مهم خود بیایید و آن را قدر بدانید.»

وی با بیان اینکه کادر پزشکی و درمان ارتش در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در کنار رزمندگان ارتش در خط مقدم بودند، تصریح کرد: «کادر پزشکی ارتش هم در کنار رزمندگان مدافع وطن در نیروهای پدافند، هوایی و زمینی و آحاد ملت بزرگ ایران، سرافرازانه ایستادند و سعی کردند آلام مردم‌شان را کاهش دهند.»

فرمانده کل ارتش با بیان اینکه ارتش مأموریت بزرگ حفاظت از استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را عهده‌دار است، گفت: «این مأموریت در هر کشوری مهم است، اما در ایران عزیز به لحاظ موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیکی، مهم‌تر و استثنایی‌تر است. البته نه در ایران امروز، بلکه در طول تاریخ به خاطر شرایط ویژه‌ای که کشورمان دارد، همین گونه بوده است.»

امیر حاتمی افزود: «کشورمان در جنگ‌های جهانی اول و دوم در حالی که اعلام بی‌طرفی کرده بود، مورد تهاجم واقع شد و بخشی از این کشور به اشغال متجاوزان درآمد. در دوران دفاع مقدس هشت ساله

کنیم، حتی همان زمان هم اگر مثلاً دو ساعت می‌ماند، مثل آکاردئون جمع می‌شد!»

♦ **از انحراف چند کیلومتری تا دقت چند متری**
دقت موشک‌ها همچنان چالشی بزرگ بود. موشک شهاب ۳ در ابتدا انحرافی چندکیلومتری داشت. سردار حیدری جوار می‌گوید: «رهبر معظم انقلاب تأکید داشتند که دقت باید افزایش یابد.» این مطالبه، متخصصان را به تلاشی دوباره واداشت. سال‌ها کار و آزمایش به کاهش انحراف از چند کیلومتر به ۵۰۰ متر منجر شد؛ اما این کافی نبود. هدف فرود آمد. این دستاورد، که شعاع تخریب ۵۰۰ متری را پوشش می‌داد، موفقیتی بزرگ بود، اما رهبر معظم انقلاب باز هم خواستار دقت بیشتر شدند؛ چرا که پرسش اصلی‌شان این بود: «اگر خطای موشک باعث کشته شدن یک بی‌گناه شود، مسئولیت آن با کیست؟»

خبر

هزار مدرسه

«محمدتقی فخریان» رئیس قرارگاه جهادی عدالت تربیتی و نصب برابر آموزشی اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، عنوان کرد: «اجرای طرح شهید (روح‌الله عجمیان) در ۱۴۵۰ مدرسه استان با هدف بهسازی و شاداب‌سازی فضای مدارس برای دانش‌آموزان آغاز شد.» فخریان تصریح کرد: «سال گذشته این طرح در هزار و ۶۷۰ مدرسه خراسان رضوی در قالب نقاشی، رنگ‌آمیزی و شاداب‌سازی فضای مدارس و کلاس‌ها محقق شد.» وی اعلام کرد: «امسال بیش از ۱۴۵۲ مدرسه در ۱۸ منطقه محروم و ۲۸ منطقه نیمه‌برخوردار استان تحت پوشش این طرح قرار گرفته‌اند.»

جهاد روشنایی

«سرهنگ صادق‌پور» مسئول بسیج سازندگی سپاه صاحب‌الامر استان قزوین تصریح کرد: «عملیات اجرای نصب و راه‌اندازی ۲۳ نیروگاه خورشیدی ۵ کیلوواتی در مدت زمان دو ماه انجام شد و بیش از ۳۴۵ میلیارد ریال هزینه شده که سهم هر سامانه ۱۵ میلیارد ریال بوده است.» وی افزود: «این طرح به همت جهادگران بسیج سازندگی استان قزوین اجرا شده است.» سرهنگ صادق‌پور در پایان خاطرنشان کرد: «راه‌اندازی این نیروگاه‌ها علاوه بر کمک به کاهش فشار بر شبکه برق با هدف ایجاد اشتغال پایدار، افزایش درآمد خانوارها و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر اجرا شده که فروش برق تولیدی به شبکه سرسری را فراهم کرده است.»

۳۲۰۰ نفر

«اله‌بخش همه‌خانی» معاون بهره‌برداری و توسعه آب شرکت آب و فاضلاب استان کرمانشاه از افتتاح پروژه‌های بزرگ آبرسانی در شهرستان سنقر و کلیایی هم‌زمان با هفته دولت خبر داد. همه‌خانی با اشاره به مشارکت بسیج سازندگی سپاه نبی اکرم (ص) در اجرای این طرح‌ها، تأکید کرد: «این اقدامات نقش مؤثری در توسعه زیرساخت‌های روستایی، کاهش مهاجرت و تثبیت جمعیت در روستاها دارد.» او افزود: «این پروژه‌ها ۴۱ روستا را تحت پوشش قرار می‌دهد.» همه‌خانی تصریح کرد: «توسعه خدمات زیربنایی در مناطق محروم از اولویت‌های اصلی بسیج و شرکت آب و فاضلاب استان کرمانشاه است و تلاش می‌شود تا در دیگر نقاط استان نیز پروژه‌های این دست انجام بگیرد.»

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زارعی،

عزیز‌غضنفری،فرهاد‌مهروی،مه‌دی‌سعیدی،

فتح‌الله‌پرشان،علی‌قاسمی،حسین‌عبداللهی‌فر

دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیر‌فنی: محمد‌صالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظر‌چاپ:‌سعید‌قاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶(

تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰۷۷۴۶۰۱۰۲۱(

basirat.ir

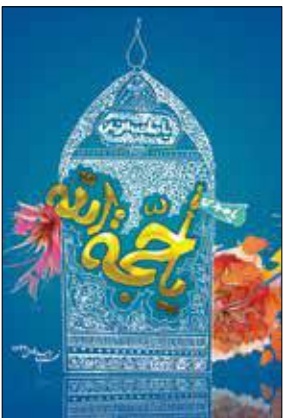
@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۴۶

سامانه پیامک: ۰۲۳-۳۰۰۰۹۹۰۰

شماره ۱۲۰۲ | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

کتابخانه



چشمه نور

روی تو را ز چشمه نور آفریده‌اند

لعل تو از شراب ظهور آفریده‌اند

پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش

خورشید را برای ظهور آفریده‌اند

منعم مکن ز مهر خود ای مه، که ذره را

مفتون مهر و عاشق نور آفریده‌اند

از پرتو جمال تو در کوه و بر و بحر

سینای عشق و نخله‌طور آفریده‌اند

عمری اسیر هجر تو بود و فغان نکرد

بنگر دل مرا چه‌صبور آفریده‌اند

پروانه را در آتش هجران خود مسوز

او را برای درک حضور آفریده‌اند

محمدعلی مجاهدی

بنی آدم برادر نیستند!

سعدیا! دیگر بنی آدم برادر نیستند

جملگی اعضای یک اندام و پیکر نیستند

عضوهای بی شماری را به درد آورده چرخ

عضوهای دیگر اما یار و یاور نیستند

کودک چشم‌آبی غرب و سیه‌چشم عرب

در نگاه غریبان با هم برابر نیستند

شاید اطفالی که اکنون در فلسطین زنده‌اند

تا رسد شحرم به این مصرع، دیگر نیستند

از نگاه غریبان انگار در مشرق‌زمین

مادران داغ کودک‌دیده مادر نیستند

نزد آثانی که می‌گیرند در سوگ سگان

صحنه‌های قتل انسان گریه‌آور نیستند

کاش بی‌بی‌سی سؤال از باری‌سازان کند:

این عروسک‌ها که می‌سوزند دختر نیستند؟

بی‌مروت! کودک‌اند اینها نه مردان حماس

خانه‌اند اینها که شد ویرانه، سنگر نیستند

کودکان راغ چند بسیارند در ویرانه‌ها

ساقه‌های ترد ریحان‌اند لشکر نیستند

پشته‌ها از کشته‌ها پیداست، دنیا‌کور نیست؟

آسمان از ناله پر شد، گوش‌ها کر نیستند؟

تا به کی کودک‌کشی در غزه؟ آیا غریبان

در هراس از انتقام اهل خاور نیستند!؟

افشین علا

صبحانه

معنی خوشبختی!

خوشبختی یعنی اینکه بدانیم هر چه داریم از رحمت خداست و هر چه نداریم از حکمت خدا! خوشبختی رسیدن به خواسته‌ها نیست، بلکه لذت بردن از داشته‌هاست.

داستان

نعمت‌هایی که دیده نمی‌شوند!

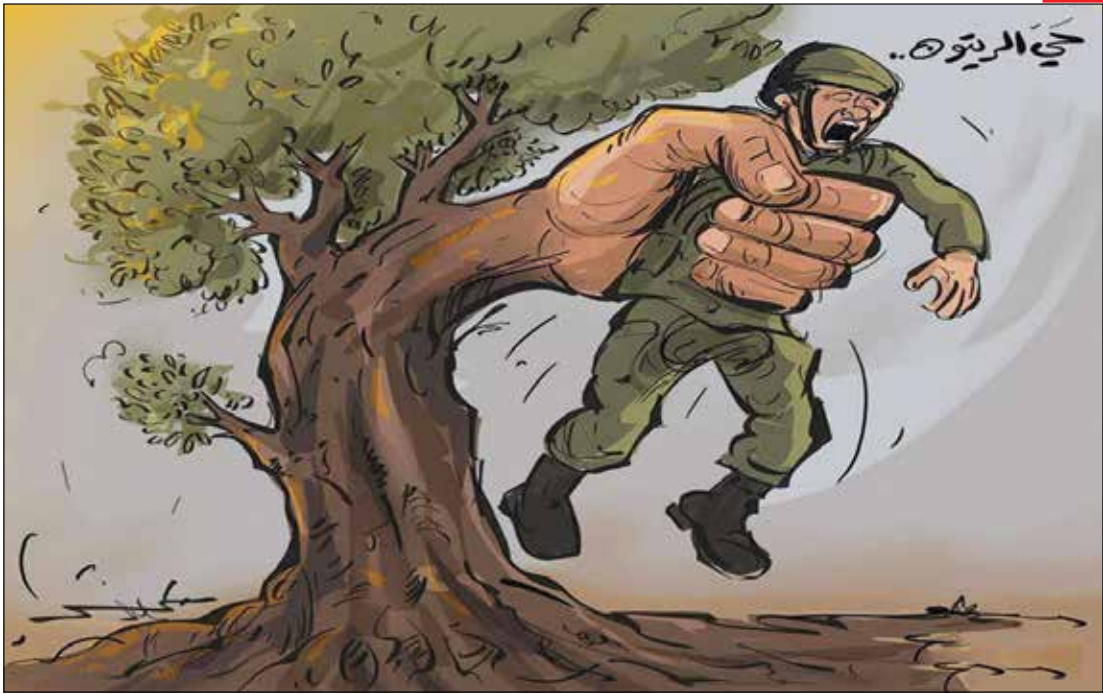
از باغش، از اون تراس بزرگش که غروب‌ها می‌نشستی چای می‌خوردی؟»

بهرام سرش را تکان داد. «اون موقع‌ها فرق داشت. حالا فقط یه بار سنگین رو دوشمه. می‌تونی برام بفروشی؟ یه آگهی درست‌حسابی بنویس که یکی بیاد بخردش.»

کاظم لبخند زد و گفت: «باشه، اما اول باید خودم بیسام به نگاهی به خونه بندازم. شاید یه چیزی توش پیدا کردم که دل خریدار رو ببره.»

چند روز بعد، کاظم با دفترچه یادداشتش به‌خانه بهرام آمد. بهرام در را باز کرد و کاظم را به داخل دعوت کرد. خانه بوی نم و کهنگی می‌داد، اما کاظم با دقت به همه‌چیز نگاه کرد؛ به پنجره‌های بلند که نور کم‌جانی از آنها به داخل می‌تابید، به باغچه‌ای که هنوز چند درخت تنومند در آن ایستاده بودند، به تراسی که رو به کوه‌های دوردست باز می‌شد. کاظم زیر لب چیزهایی یادداشت می‌کرد و گاهی سرش را تکان می‌داد. دو روز بعد، کاظم با یک برگ کاغذ به‌خانه بهرام برگشت. «بیا، این آگهی رو برات نوشتم. گوش کن ببین چطوره.» کاظم شروع به خواندن کرد، صدایش آرام و پرشور بود: «خانه‌ای زیبا در باغی بزرگ و آرام، با بامی سه‌گوش که انگار از قصه‌ها بیرون آمده. تراس بزرگ مشرف به کوهستان، جایی که غروب‌ها آسمان را نقاشی می‌کند. اتاق‌های دل‌باز، پذیرایی و ناهارخوری

تلخند



سلامت

سرمایه‌گذاری برای آینده!

بسیاری از والدین تصور می‌کنند دندنان‌های شیری کودکان به دلیل موقتی بودن نیازی به مراقبت ندارند؛ چرا که این دندان‌ها در نهایت می‌افتند و جای خود را به دندنان‌های دائمی می‌دهند. اما این باور نادرست، پیامدهای جدی برای سلامت و اعتماد به نفس کودکان به دنبال دارد. دندنان‌های شیری تا ۱۲ یا ۱۳ سالگی در دهان کودک باقی می‌مانند و نقش مهمی در تغذیه و رشد او ایفا می‌کنند. پوسیدگی این دندان‌ها می‌تواند توانایی جویدن را مختل کرده و هضم غذا را با مشکل مواجه کند. نتیجه این اتفاق چیست؟ آمارها نشان می‌دهد، برخی از کودکانی که در سن کودکی تمایلی به غذا ندارند به دلیل مشکلات دندانی است که در این سن دارند. دندنان‌های پوسیده‌نه‌تنها سلامت جسمی کودک را به خطر می‌اندازند، بلکه بر اعتماد به نفس و زیبایی ظاهری او نیز اثر می‌گذارند. برخی والدین با بی‌توجهی به این موضوع، پیشنهاد می‌کنند دندان پوسیده کشیده شود، غافل از اینکه کشیدن زودهنگام دندان شیری می‌تواند به اختلالات فکی، نامرتب شدن دندان‌های دائمی و حتی نهفتگی آنها منجر شود. در این موارد، والدین ناچار به پرداخت هزینه‌های سنگین ارتودنسی برای اصلاح مشکلات ناشی از این سهل‌انگاری می‌شوند. مراقبت از دندان‌های شیری تنها به مسواک زدن محدود نمی‌شود؛ انتخاب خمیردندان مناسب نیز حیاتی است. والدین باید خمیردندانی با فلوراید ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ ppm انتخاب کنند، زیرا میزان فلوراید مناسب می‌تواند از پوسیدگی جلوگیری کند. توجه به سلامت دندان‌های شیری، سرمایه‌گذاری برای آینده‌ای سالم‌تر و لبخندی زیباتر برای کودکان است.

صادقانه

عجایب انسان!

امام علی علیه‌السلام: «از این انسان تعجب کنید که با یک قطعه پیه می‌بیند، با قطعه گوشتی سخن می‌گوید، با استخوانی می‌شنود و از شکافی تنفس می‌کند.»

نهج البلاغه، حکمت هشتم

غیر رسمی

درخواست مذاکره!



رهبر معظم انقلاب در سخنرانی آغازین سال ۱۳۸۸ در جمع زائران حرم رضوی، پیش‌بینی روش و تحلیل جامعی را درباره مذاکره با آمریکا ارائه دادند و خطاب به آمریکایی‌ها تأکید کردند: «تغییر کنید، تغییر خواهید دید.» ایشان در عین حال، سیاست معروف «دست چدنی در دستکش مخملین» آمریکایی‌ها را به‌خوبی تبیین کردند؛ خاطره‌ای از دیدار اعضای کمیسیون امنیت ملی در مجلس ششم با معظم‌له در ذهنم هست. در دوره ششم مجلس که به تعبیری مجلس اصلاحات نام گرفته بود، به همراه اعضای کمیسیون امنیت ملی خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدیم. بعضی از اعضای کمیسیون پیشنهاد ارتباط با آمریکا را مطرح کردند. یکی از آقایان در این جلسه بر مسئله مذاکرات و تعاملات و سپس ارتباط با آمریکا تأکیداتی داشت. پس از پایان سخنان وی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای همین مطالبی را مطرح کردند که در دیدار اخیر داشتند؛ البته با تعابیر دیگری و خیلی قاطعانه و محکم. ایشان آنجا هم سلطه‌پذیری و قبول یک‌طرفه شرایط دشمن و انجام مذاکره در شرایط نابرابر را مردود دانستند. این قاطعیت به این دلیل است که ماهیت آمریکا تغییر نکرده است. تا زمانی که آمریکایی‌ها این ماهیت را دارند و از این دیدگاه به جمهوری اسلامی ایران نگاه می‌کنند، ما هم نمی‌توانیم تغییر رویکردی درباره آمریکا داشته باشیم.

علاءالدین بروجردی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

حسن ختام

صدایم کن!

مولا جان! کاش در خلوت دعاهایتان، نامی از من بر زبان شما جاری شود. آن دم که نامم از لبان مبارکتان بر آسمان دعا پرواز کند، گویی کلمه‌ای می‌شوم سرشار از ایمان و محبت! نسیمی می‌شوم از رحمت که حیات بر زندگی‌ام شروع به وزیدن کردن است؛ در آن ساعت قلبم به عطر ذکر نامم از زبان شما زنده می‌شود. آقاجان! مرا صدا کنید که صدای شما همچون نوری است که بر دالان تاریک قلبم می‌تابد؛ صدای شما همچون آیه «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» در وجودم متولد شود. تا در شب قلبم، آفتاب رحمت طلوع کند. «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا، وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا»؛ این سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، به ماه که در پی آن روان است، گواهی‌ست بر اشتیاق دلم به نگاه شما.

ای صاحب قلبم! بیسا و تاریکی را از پیش رویم بردار. من تشنه روشنایی‌ام، دوری‌ات شبی‌ست بی‌انتها که صبحی ندارد. بیا و با ظهورت، نور رحمت را در این شب تار منور کن.

مهدی جان! نامم را بخوان، دعایم کن، تا در سایه لطف تو، قلبم از ظلمات به سوی نور رهایی یابد.

